

توطئه جدید لیبرالها را برای غلبه خط سازش در حکومت قاطعانه افشاء کنیم

دوستان برژینسکی برنامه ریگان رئیس جمهور امریکارا

پیاده می کنند

هنوز چندصباحی از اعلام رسمی سیاست ریگان رئیس جمهور امریکا درباره چگونگی به اصطلاح شکست انقلاب ایران و تامین منافع انحصارات امریکائی در منطقه نمی گذرد که رهبران ورشکسته دولت موقت آمادگی خود را برای پیاده کردن نقشه رئیس جمهور امریکا مبنی بر غلبه خط سازش در حکومت رسماً اعلام می کند و در فاصله کمتر از چند ساعت اقدام دوستان ایرانی برژینسکی برای پیاده کردن برنامه رئیس جمهور امریکا توسط "صدای امریکا" پیروزمندانه و با هیجان و شادی تمام به منظور قدر قدرت جلوه دادن

امپریالیسم امریکا به همه حلقهائی که تحت سلطه و سم امپریالیستهای سراسر جهان به سر می برد و دست در کار رهائی خویشند، گزارش می شود. البته این بار نیز لیبرالها برای فریب مردم با ماسک دروغین دفاع از آزادی های سیاسی پا به میدان گذاشته اند آنها اعلام کرده اند بخاطر "محدودیت های موجود در مجلس و امکانات و موانع در رسانه های گروهی" اعلام متینگ کرده اند تا مستقیماً با مردم "پیرامون وضع مملکت در این مرحله حساس" سخن بگویند. زمانی که رئیس جمهور جدید امریکا در نخستین روزهای زمامداری خود مردم

بقیه در صفحه ۲

نمایندگان هیئت های هفت نفره
۷ استان خواهان اجرای فوری
بند (ج) شدند

● مصوبات ترقی خواهانه سمینار هیئت های ۷ نفره
(شیراز) مورد تأیید همه نیروهای انقلابی است

در صفحه ۲۳

مصاحبه با رفیق عزیز محمد
دبیر اول حزب کمونیست عراق

"انقلاب ایران ضربه ای دردناک به امپریالیسم"

☆ هرچه زمینه همکاری و اتحاد همه نیروهای ملی سالم در انقلاب ایران و وحدت صفوف خلق بیشتر شود و تفاهم بیشتری در میان اقشار خلق بوجود آید و اختلافات درونی به شکل سالم حل گردد، انقلاب ایران به پیروزی های مهم تری نائل خواهد شد.

در صفحه ۱۳

پیام کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اكثریت)
به بیست و ششمین کنگره
حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

در صفحه ۲۶

لایحه قصاص لایحه پایمال کردن حقوق مردم است

از نظر ما لایحه قصاص :

- ۱ - علیه توده های زحمتکش مردم و به سود ثروتمندان است .
- ۲ - بر عدم تساوی بین زن و مرد استوار است .
- ۳ - بر تبعیض بین دارندگان ادیان مختلف تکیه دارد .
- ۴ - علیه خانواده و کودکان ماست .
- ۵ - جامعه و حقوق عمومی مردم را نادیده می گیرد .
- ۶ - علیه حقوق حتی شاکی خصوصی یا به اصطلاح ولی دم است
- ۷ - در ازدیاد انسان های ناقص العضو بهترین مجوز قانونی است
- ۸ - ناقص قانون اساسی است .

در صفحه ۲۲

در این شماره:

- جیش کارگری ایران
- طرح پله اش سالانه و ضریب بهره وری تولید ضروری اما ناکافی است
- روستا ثبات (دشت سر) آمل
- خواهان اجرای بند (ج) هستند
- جیش دهانی ایران
- فکشی روحانی نمایان الهاد با بند (ج)
- قانون اصلاحات ارضی
- انقلاب لائوس: دستاوردها و چشم اندازها
- با انقلاب یاهلیه کتاب

متحد شویم

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

توطئه جدید...

جمهور جدید امریکا برای غلبه خط سازش در حکومت، بر تلاش‌های خود افزود. در مجلس از بنی‌صدر رئیس جمهور انتقاد کرد که چرا "فعال‌تر" و "قاطع‌تر" برای مهار خط امام وارد صحنه نمی‌شود و به نخست‌وزیر اخطار کرد که پا را از گلیم خود دراز نکند! در قزوین گرد و خاک به راه انداخت و به قول "صدای امریکا" به عنوان نماینده "مردم" از مردم خواست که برای سقوط دولت رجائی دست به اعتراض و راهپیمائی بزنند

فعال‌تر شدن بورژوازی لیبرال ایران پس از روی کار آمدن ریگان تنها به بازرگان و باند ارتجاعی او محدود نمی‌شود. جنبه به اصطلاح ملی ایران نیز دست به کار شده و با امضای آقای سبحانی وزیر خارجه دولت موقت بازرگان طی اطلاعیه بلند - بالائی از مردم خواست که مبارزه علیه خط امام را تشدید کنند.

سخنان آقای ریگان برای حزب امریکائی رنجبران و مدافعان ریز و درشت تئوری ارتجاعی سه‌جهت‌مان و ماغویست‌های شرمگین نیز منشاء تحرک تازه‌ای بود. این دار و دسته نیز رسماً شعار براندازی جمهوری اسلامی ایران را سردادند و برای سقوط خط امام و متوقف ساختن چرخ‌های انقلاب به تلاش مذبوحانه تازه‌ای دست زدند.

"انقلاب اسلامی" روزنامه آقای رئیس جمهور نیز سخنان بنی‌صدر را که البته شداد و غلاظت‌تر از قبل شده بود با آب و تاب بیشتر و با تیتراهای درشت‌تر آذین صفحه اول خود کرد و کوشید آشکارتر از هر زمان ثابت کند که همه بدبختی‌های مردم زیر سر حاکمیت خط امام است و هم‌آواز با رئیس جمهور به مردم توصیه کرد بیش از پیش به "استقامت" خود در مقابل این خط بیافزایند و صدای اعتراض خود را علیه دولت بلندتر کنند.

به این ترتیب هماهنگی بین سیاست امپریالیسم امریکا و طیف‌های بورژوازی دارای مشروعیت ایران بیش از پیش شکل می‌گیرد و اینک با تازه‌ترین اقدام بازرگان و شرکاء مرحله تازه‌ای از تعرض

امپریالیسم و رژیم صدام دعوت شدند، با بهره‌گیری زیرگانه از سکوت مصلحتی نیروهای خط امام، تعرض به نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی را تشدید کردند. سیاستمداران لیبرال که در مطبوعات خود به تطهیر چهره سازشکارانه‌شان مشغولند و در این راه از مساعدت گروهکهای "چپ‌رو" و همکاری فعالانه حزب امریکائی رنجبران و مدافعان تئوری ارتجاعی سه‌جهت‌مان سخت برخوردارند، برای توفیق در فریب بیشتر مردم امکان این را یافتند که یک تعریف‌نامه کامل از طرف "مسعودرجوی" نیز برای رهبر ورشکسته‌شان "مهندس" یازرگان دریافت داشته و بر "اصیل" بودن خود به نام "مجاهدین" مهر تأیید زنند و "جنبه متحد" خود را بیشتر تحکیم نمایند.

گردآوری نیرو توسط لیبرالها برای آغاز تعرض تازه‌ای به خط امام به کردستان نیز کشیده شد. اخبار رسیده از کردستان نشان می‌داد که قاسملو برای برقراری رابطه با لیبرالهای مقیم خارج و دیگر ضسده انقلابیون بیرون مرزهای کشور کوشش‌های جدیدی را آغاز کرده‌است که بدون ارتباط با تلاش‌های مذبوحانه "جنبه متحد" داخل نیست.

قاسملو آشکارا تلاش‌های خود را در جهت ایجاد یک "جنبه متحد سراسری" که سهم و نقش "مجاهدین خلق ایران" در آن ظاهراً با اهمیت مبالغه‌شده‌ای به حساب آورده شده، توصیف می‌کند. همه واقعیات حاکی از آن است که هدف مقدم این "جنبه متحد سراسری" سرنگونی "ارتجاع" معروف این انقلابیون! یعنی خط امام است.

امپریالیسم امریکا و لیبرالها که برای اجرای نقشه پلید خود در عین حال روی امکانات عملی گروه‌های "چپ‌رو" حساب باز کرده‌اند در فراهم آوردن تمهیداتشان از چماق‌کشی‌های اخیر نیز کمال استفاده را بردند. آنها تمام درایت خود را به کار بستند تا "خط امام" را تا آنجا که می‌توانند "آلوده‌تر" و خود را بیش از پیش "وارسته" و "حق‌بجانب" و به دور از منجلاب چماق‌کشی به مردم معرفی نمایند.

با این همه علت اصلی به "دانشگاه" آمدن لیبرالها و فشرده‌گی صفوف آنان که این چنین آنها را در یک ارکستر به رهبری امپریالیسم امریکا که آهنگ سرنگونی خط امام را می‌نوازند، گرد آوردن چیزی جز وحشت آنها از رشد مبارزه طبقاتی در ایران و آگاهی توده‌های مردم به حقوق واقعی‌شان نیست. آنها می‌بینند که جنبش کارگری ایران با گام‌های استوار در راه تشکل و انسجام طبقاتی بیشتر گام برمی‌دارد و اکثریت میلیونی آن با قاطعیت از "خط امام" و نیروهای راستین مدافع انقلاب جانبداری می‌کنند. آنها می‌بینند که طبقه کارگر ایران خواهان پیشرفت قاطع انقلاب است و اعتراض به دولت جمهوری اسلامی در مسیری خلاف اعتراضات ارتجاعی ولیبرالیستان سیر می‌کند.

آنها می‌بینند که جنبش دهقانی ایران هر روز گام بلندتری در راه مبارزه با زمینداران بزرگ، بزرگ مالکی و فئودالیسم برمی‌دارد و اعتراض به لغو موقت بند "ج" که زیر فشار لیبرالها، زمینداران بزرگ و روحانیون مدافع آنان صورت گرفته است، بیش از پیش وسعت و دامنه می‌گیرد.

برمی‌دارند. امپریالیست‌ها و لیبرالها می‌بینند که انقلابیون اصیل ایران و همه کسانی که صدقانه از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کنند و در راه تعمیق آن در پیکارند، به منظور سازماندهی توده‌های میلیونی و ارتقاء آگاهی آنان صفوف خود را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخته و پرچم پیشرفت و تعمیق انقلاب را در دست دارند. آنها شاهدند که هر روز بیش از روز قبل، اکثریت مجلس، اکثریت دست‌اندرکاران حکومتی، اکثریت مسئولین مطبوعات و رسانه‌های عمومی در مسیر پیشرفت و تعمیق انقلاب گام برداشته از منافع اکثریت مردم، یعنی انبوه میلیونی توده‌زحمتکشان میهن دفاع کرده و به افشای چهره دروغین لیبرالها و دیگر دشمنان دوست‌نمای خلق اهتمام می‌ورزند.

لیبرالها شاهدند که چگونه اکثریت مقامات مسئول و دارای نفوذ جمهوری اسلامی ایران هرچند باکندی اما در چنین مسیری گام برمی‌دارند و در هر گام عمیق‌تر از گام پیش به شناخت حقیقی‌تری از دوست و دشمن انقلاب چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین‌المللی دست می‌یابند.

آری! این است دلیل سراسیمگی لیبرالها، ژاژخائی‌های آنان و تلاش‌های مذبوحانه اخیرشان در راه متوقف ساختن چرخ‌های سهمگین انقلاب، آنها هراسان و لرزان شاهدند که چگونه باران رحمتی که می‌خواستند چون سیل خروشان در هر گام خروشان‌تر جاری می‌گردد و بنیادهای ستم و غارتگری امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و همه نیروهای مورد حمایت آن را در می‌نوردد.

ما وظیفه همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و مردمی و میهن‌پرست که در راه استقلال و آزادی میهن پیکار می‌کنند، می‌دانیم که بدون تزلزل و با تمام توان خود توطئه امپریالیسم و تلاش‌های مذبوحانه لیبرالها را که به منظور غلبه خط سازش در حکومت و شکست انقلاب خونبار مردم ما صورت می‌گیرد، قاطعانه افشاء ساخته و بیش از پیش در راه شناساندن چهره واقعی این سیاستمداران و طرد و منفرد ساختن آنان بکوشند.

با انقلاب یا علیه انقلاب

قاسملو در جستجوی متحدین تازه!

در ادامه روند سقوط و انحطاط، عبدالرحمن قاسملو در هفته‌های اخیر به اروپا سفر کرد و مصاحبه‌هایی با خبرگزاری‌های امپریالیستی و ایضا رادیو بی‌بی‌سی لندن انجام داد. به نظر می‌رسد که همکاری‌های گسترده باند قاسملو با رژیم صدام علیه انقلاب و مردم ایران برای او کافی نبوده است. و لذا برای تفاهم و همفکری با ضدانقلاب متواری که اکنون اروپا را به مرکز دسیسه و توطئه بر علیه انقلاب ایران تبدیل کرده به این خطه سفر کرده است. در مصاحبه با بی‌بی‌سی لندن، قاسملو با وقاحت تمام به همکاری با سلطنت‌طلبان نیز اقرار نمود. راهی که قاسملو در آن گام نهاد، از سموکلیار و صدام به بختیار و اویسی کشیده شد و اکنون به سلطنت‌طلبان منتهی گشته است و این رشته سر دراز دارد...

اما آنچه که در مصاحبه قاسملو با خبرگزاری بی‌بی‌سی جلب توجه بیشتری می‌کند، تاکید بر روی تشکیل جبهه سراسری علیه انقلاب و حساب کردن روی همکاری "مجاهدین خلق" است. بخصوص که درج مصاحبه سازمان "مجاهدین خلق" با قاسملو در چند شماره پیش نشریه "مجاهد" و نیز چاپ تکذیب‌نامه قاسملوی شید درباره حرف‌هایی که با "اریک‌رولو" در میان گذاشته بود، در همان نشریه چنین تردید شگفت‌انگیز توأم با تاسف را نزدیک به یقین جلوه می‌دهد. رهبری "مجاهدین" این واقعیت‌ها را به هواداران صادق خود چگونه توضیح می‌دهند؟

همه امکانات در خدمت دفع تجاوز رژیم صدام

در هفته گذشته سفر اولاف پالمه نماینده ویژه سازمان ملل متحد به ایران برای باز کردن گره کور جنگ از طریق مسالمت آمیز از اهمیت خاصی برخوردار بود. این مسئله به ویژه وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم دو هیئت یکی از سوی کنفرانس کشورهای غیرمتعهد و دیگری از طرف کنفرانس سران اسلامی بزودی از ایران دیدار خواهد نمود. این رفت‌وآمدها جدا از انگیزه واقعی کسانی که می‌آیند و می‌روند لزوم برنامه روشن و قاطع و مواضع صریح و انقلابی از طرف دولت ایران را ایجاب می‌نماید. موضع دولت در برخورد با این هیئت‌ها در درجه اول بایستی مبتنی بر سیاست ضد امپریالیستی و ضد تجاوز خلق ما باشد. اتکاء این سیاست بایستی بر بسیج و سازماندهی مردم و نیروها و ارگان‌های مسلح مردمی باشد. این سیاست بایستی دفاع از تمامیت ارضی میهن و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و تجاوزات باند حاکم بر عراق را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد. این خط مشی البته به هیچ وجه نبایستی مردم ما را در مقابل فشارهای سیاسی امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام خلع سلاح نماید. رژیم صدام می‌کوشد تا به جهانیان چنین القا نماید که دولت ایران جنگ طلب است و خواهان صلح نیست و می‌خواهد که با "صدور انقلاب" در امور عراق

دخالت نماید! از این رو رد یکجانبه هرگونه مذاکره و گفتگو قطعاً به نفع انقلاب ما نخواهد بود. دولت بایستی ضمن رد پیشنهاد آتش‌بس رژیم صدام، تا اخراج کامل ارتش تجاوزگر عراق مذاکره و گفتگو را به عنوان وسیله‌ای برای افراد سیاسی رژیم حاکم عراق به کار گیرد و با اتکاء بر اصل: انقلاب در هر کشور کار مردم خود آن کشور است، اطمینان داشته باشد که این حرکات را در خدمت صلح عادلانه منطبق بر مصالح انقلاب و خلق دلاور ماست

هزاره بو علی و تعطیلی دانشگاه

به دنبال توصیه یونسکو مبنی بر گرمی‌داشتن خاطره بوعلی سینا، متفکر، دانشمند و فیلسوف نابغه ایرانی در سال ۱۹۸۰ جمهوری اسلامی ایران مراسمی در تالار بزرگ موزه هنرهای معاصر برگزار نمود. بزرگداشت هزاره ابن‌سینا در شرایطی برگزار می‌شود که دانشگاه‌های میهن ما همچنان در محاق تعطیل است. جمهوری اسلامی ایران در زمانی دست به تجلیل از ارزش دانش و فلسفه ابن‌متفکر می‌زند که دانشگاه‌های ایران در بهر روی دانش و تفکر بسته‌اند، کلاس‌ها خالی و آزمایشگاه‌ها بلا استفاده‌اند. جا دارد مقامات مسئول مملکتی این تناقض آشکار در گفتار و رفتار خود را با گشودن درهای دانشگاه به روی هزاران دانشجویی که می‌خواهند دانش را در خدمت اهداف مردمی انقلاب قرار دهند، حل نمایند.

افق‌های نو و حرف‌های کهنه

سفر ۲۰ هیئت ایرانی برای معرفی اهداف و مضمون واقعی انقلاب ایران به سی کشور جهان همچنان ادامه دارد. اقدام مبتکرانه و ضروری اعزام هیئت‌های مختلف برای آشنایی با تجارب و دستاوردهای مختلف خلق‌های گوناگون، هم‌اکنون افق‌های نو و گسترده‌ای را در برابر انقلاب ایران گشوده است. سفر یک هیئت نمایندگی به ریاست آقای جلال‌الدین فارسی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و هیئت‌های اعزامی به دیگر کشورها: بلغارستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، جمهوری دمکراتیک خلق یمین (یمین جنوبی)، یوگوسلاوی، سوریه، الجزایر، لبنان، هندوستان و... از مقام ویژه‌ای برخوردار است. جلال‌الدین فارسی در مورد اهداف هیئت ایرانی در این سفر گفت:

"هدف ما از این دیدار آشنا ساختن مردم شوروی با ماهیت و هدف‌های انقلاب ایران است" او گفت:

"ما همچنین می‌خواهیم با تجربه انقلاب اکتبر آشنا شویم، پدیده‌های جامعه سوسیالیستی را مطالعه کنیم و یک انقلاب شناسی تطبیقی - مقایسه‌ای انجام دهیم"

این گام مثبت جمهوری اسلامی ایران زمانی شکل می‌گیرد که متاسفانه رئیس دولت یعنی آقای رجائی نخست‌وزیر در پاسخ به ملاقاتی که سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران برای عقیم گذاشتن توطئه‌های در دست اجرای امپریالیسم آمریکا با ایشان انجام داد غیر مسئولانه تمایز

اساسی بین دوستان و دشمنان انقلاب ما را از یاد برده و لاپاطالات محافل امپریالیستی و مائوئیستی را تکرار کرده‌اند. به جاست که مقامات جمهوری اسلامی در جهت تحکیم شالوده وحدت خلق ما با دوستان جهانی‌اش حرکت کنند و آب‌به‌آسیاب دشمنان انقلاب نریزند.

با تأمین حقوق دانش‌آموزان

تشنج در مدارس از بین می‌رود

تشنج در برخی از مدارس کشور و بویژه تهران طی هفته گذشته به نقطه اوج تازه‌ای رسید. دبیرستان‌های خوارزمی پسران و دختران کانون این تشنجات بودند. درگیری در مدارس فوق با بر جای گذاشتن چند دانش‌آموز زخمی، به تعطیل رسمی و انحلال یک ماهه دو دبیرستان انجامید.

این اوضاع اسف‌آور، در شرایط ویژه‌کنونی، بدون شک بیش از هر چیز به کام دشمنان قسم خورده انقلاب، امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، ساواکی‌های فراری، بازماندگان رژیم سابق در گوشه و کنار مملکت، لیبرال‌های جاده‌صاف کن امپریالیسم خوش می‌آید.

در این زمینه تنها کافی است انعکاس تحریک آمیز وقایع اخیر در روزنامه‌های رسمی اینان - میزان و... اندکی جدی‌تر مورد توجه قرار گیرد.

ایجاد تشنج و درگیری در مدارس از اهم نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و جاده‌صاف‌کن‌های لیبرال‌ش برای ایجاد نارضایتی عمومی، دامن زدن به ناامنی و ایجاد رعب و هراس در میان مردم است. هدف آن است که توده‌های هرچه وسیع‌تری نسبت به انقلاب دل‌سرد شوند. این را اسناد بدست آمده از جاسوس‌خانه آمریکا نیز به صراحت بیان می‌کند. متاسفانه در این بین گروه‌هایی که جای اصلی آنها در میان خلق، در جبهه انقلاب است، گاه بی‌آنکه خود بدانند آتش‌بیار تشنجات امپریالیسم خواسته فوق می‌شوند. در این میان باید از قشریون انحصارطلب چه در درون مسئولین مدارس و چه در درون دانش‌آموزان از یک‌سو و هواداران صادق پرشور ولی بی‌تجربه گروه‌های سیاسی نظیر مجاهدین خلق و "چپ‌های افراطی از دیگر سو نام برد. در بسیاری موارد اعضای انجمن‌های اسلامی و مسئولین پرورشی مدارس با نقض حقوق اساسی توده دانش‌آموزان، معلمین و کارکنان مدارس عملاً زمینه‌ساز درگیری‌ها و تشنجات بوده‌اند.

حل مشکل تشنج در مدارس در عین قاطعیت، صبر و چاره‌اندیشی انقلابی نیز می‌خواهد. مسئولین آموزش و پرورش باید با رسمیت بخشیدن به حقوق اساسی دانش‌آموزان و معلمین در زمینه شرکت آزادانه در اداره امور مدرسه، با تأمین فضای مناسب فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، با تدارک شرایط سالم بیان عقیده و تبادل افکار، زمینه تشنج و درگیری را در مدارس از بین ببرند. باید احساس تعلق خاطر به امر مدرسه و آموزش و پرورش میهن در تک‌تک دانش‌آموزان و معلمین بیش از پیش تقویت گردد. اگر چنین شود آنگاه مسلماً تشنج زدایی و تفرقه‌افکنی و هر توطئه ضدانقلابی را دانش‌آموزان و معلمین انقلابی مدارس، خود مشترکاً در نطفه خفه می‌کنند و در صفی متحد در برابر دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا، همه نیروی خود را صرف مبارزه با آن می‌نمایند.

کسری بودجه دولت

و نمایش عوامفریبانه لیبرالها

مورد پسند سرمایه‌داران و تبحر است زیرا آنها از این طریق می‌توانند سودهای کلانی به حیب بزنند اما جالب توجه این است که هنگام طرح این موضوع در مجلس، نمایندگان لیبرال با آن به مخالفت برخاستند و به این ترتیب نمایش دیگری از عوام‌فریبی را به روی صحنه بردند. از آنجا که افشای سیاست لیبرالها در کلیه زمینه‌ها یکی از وظایف مرم ماست، باید این حرکت را مورد بررسی قرار دهیم اما قبل از آن بد نیست کمی بیشتر روی کسری بودجه و تاثیر آن بر زندگی زحمتکشان مکت کنیم.

کسری بودجه و زحمتکشان

● کسری بودجه یعنی آنکه مخارج دولت بیشتر از درآمد آن است. وقتی بودجه کسری دارد، دولت برای تامین مخارج خود ناگزیر به دریافت وام می‌شود و این امر نهایتاً به معنی افزایش حجم پول است. کسری بودجه در عین حال به معنی افزایش قدرت خرید دولت است. کسری بودجه در شرایطی که اقتصاد با بحران روبرو است، به معنی آن است که دولت برای خود قدرت خرید بیشتری ایجاد کرده حال آنکه در مقابل، عرضه کالا در بازار افزایش نیافته است. نتیجه چنین وضعی کاملاً آشکار است: قیمت‌ها به سرعت افزایش می‌یابند.

بدیهی است که بار این افزایش قیمت‌ها بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی می‌کند در حالی که سرمایه‌داران و تاجر بزرگ از این راه سودهای سرشاری به جیب می‌زنند.

در قانون بودجه سال ۵۹ درآمد دولت حدود ۲۳۰۰ میلیارد و مخارج آن حدود ۲۷۰۰ میلیارد ریال پیش - بینی شده بود. به این ترتیب کسری بودجه حدود ۴۰۰

میلیارد ریال بود. این بودجه با این فرض تهیه شده بود که دولت نتواند حدود ۱۷۵۰ میلیارد ریال (یعنی بیش از ۷۵٪ کل درآمد دولت) از راه صادرات نفت خام به دست آورد. (در اینجا وارد این بحث نمی‌شویم که سیاست صدور نفت باید چگونه باشد و چه مقدار نفت تحت چه شرایطی صادر شود.) اما در عمل، تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و خودداری انحصارات امپریالیستی از خرید نفت ایران که به دنبال اشغال لانه حاسوسی آغاز شده بود، مانع از آن شد که دولت بتواند مقدار نفت مورد نظر را به فروش برساند همچنین وقوع جنگ تحمیلی، هزینه‌های جدیدی را به دولت تحمیل کرد که هنگام تهیه بودجه پیش بینی نشده بود. مجموعه این عوامل سبب شد کسری بودجه به میزانی بیش از مقدار پیش - بینی شده در قانون بودجه افزایش یابد و همانطور که قبلاً گفتیم با مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی مقدار آن به حدود ۷۵۰ میلیارد ریال رسید.

لیبرالها و داستان کسری بودجه

● لیبرالها که از هر فرصتی برای مقابله با انقلاب سوء - استفاده می‌کنند، هنگام طرح لایحه تبصره بودجه در مجلس قد علم کردند و به اصطلاح سنگ مردم را به سینه زدند. هاشم صباغیان وزیر کشور دولت بازرگان، سرمایه‌دار غاصب کرسی نمایندگی مردم پیشنهاد فروش اوراق قرضه الحسنه را ارائه کرد. سلامتیان یار و مشاور رئیس جمهور گفت که دولت برای تامین مبلغ مورد نیاز باید دست به انتشار اوراق قرضه بزند. ببینیم پیشنهاد لیبرالها و بنی - صدری‌ها در برابر کسری بودجه دولت چه معنایی را دربر دارد!

اگر فرض کنیم جمعیت ایران ۳۶ میلیون نفر باشد و هر خانواده ایرانی بطور متوسط از ۵ نفر تشکیل شود، این به معنی آن است که برای خرید اوراق قرضه پیشنهادی لیبرالها و دوستانشان در مجلس، هر خانواده ایرانی باید بطور متوسط ۵ هزار تومان اوراق قرضه بخرد. با اندکی مکت بخوبی می‌توان

دید که پیشنهاد فروش اوراق فرصه به مردم تنها زستی عوام‌فریبانه است. آقایان به طاهر خود را مسئول شان می‌دهند و وامود می‌کنند که از عواقب کسری بودجه نگران هستند اما پیشنهادی که ارائه می‌کنند، هرگز نمی‌تواند تحقق‌پذیرد و خود این نمایندگان بهتر از هرکس از این موضوع باخبرند.

پس در پشت این پیشنهاد چه حیل‌های نهفته است؟ کسانی که چنین پیشنهاداتی را ارائه می‌کنند، این هدف را دنبال می‌کنند که به سی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت دامن بزنند. تصور این موضوع زیاد دشوار نیست که دولت اوراق قرضه منتشر کند و کسی آن را نخرد. زیرا با توجه به درآمد ناچیز زحمتکشان و قیمت‌هایی که روز به روز افزایش می‌یابد، نمی‌توان انتظار داشت زحمتکشان قادر به خرید مقدار قابل ملاحظه‌ای از این اوراق باشند. در عین حال انتظار اینکه سرمایه‌داران، سرمایه‌دارانی که به هزاران شکل با انقلاب به مقابله می‌کنند، حاضر به خرید این اوراق باشند کاملاً دور از ذهن است.

بنابراین وقتی لیبرالها و همپالکی‌های آنان زیر پوشش "مصلح" مردم چنین پیشنهادی را ارائه می‌دهند با آن که می‌دانند کسری بودجه دولت باید در عرض یک ماه آینده تامین شود و این از راه فروش اوراق قرضه مقدور نیست، هدفشان نه مقابله با گرانی روز افزون قیمت‌ها است و نه کاستن از بار زندگی کارگران و زحمتکشان بلکه تنها خواهان تضعیف دولت و به دست گرفتن سکان حکومت و نشان دادن کشتی انقلاب به مرداب سازش با امپریالیسم است. همانطور که گفتیم، سرمایه‌داران نه تنها از سیاست افزایش کسری بودجه ناراضی و نگران نیستند بلکه

نصفه در صفحه ۵

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

نصفه از صفحه ۴

کسری بودجه...

شاد و خوشحال نیز هستند وقتی لیبرالها و همپالکیهای آنان راه فروش اوراق قرضه را برای تامین اعتبار کسری بودجه و دولت مطرح می کنند عوام فریبانه می خواهند چنین وانمود کنند که آنان سیاستی بهتر در چنته دارند. اگر این آقایان چنین ادعا می کنند، چرا حتی یکی از آنان در مجلس راه مقابله با کسری بودجه را در افزودن مالیات بر سود سرمایه داران و ثروت ثروتمندان ندید؟ چرا یکی از آنان راه را در ملی کردن تجارت خارجی و گرفتن مالیات از سودهای بادآورده تجارت غارتگر نیافت؟ این آقایان حتی وقتی می خواهند سیاستی عوام فریبانه پیش گیرند، راهی ندارند جز آن که از کیسه مردم محروم و زحمتکش خرج کنند. پس اگر کسری بودجه دولت باعث تشدید گرانی می شود، راه مقابله با آن به زعم این آقایان گرفتن این کسری بطور مستقیم از توده مردم و در قبالت فروش اوراق قرضه است. این عوام فریبی را کارگران و زحمتکشان آگاه میهن ما به وضوح درمی یابند.

آیا کسری بودجه اجتناب ناپذیر بود

ما بارها گفته ایم که مسئولان جمهوری اسلامی به دلیل تزلزلات و تنگ نظری های خود تاکنون نتوانسته اند برنامه ای قاطع و همه جانبه در جهت پاسخگویی به نیازهای اساسی انقلاب تدوین کنند. بازتاب این واقعیت در بودجه دولت نمایان است. پس از انقلاب بهمین تنظیم کنندگان بودجه انقلاب که عموماً همان "کارشناسان" لیبرال گذشته بودند، تغییری اساسی در ساخت بودجه به وجود نیاوردند. ما در کار ۷۱ در باره نتایج بودجه سال ۱۳۵۸ که بودجه پیشنهادی بازرگان بود، نوشتیم:

"در گیر و دار گرانی، دولت موقت نه تنها در جهت حل بحران اقتصادی ایران (که گرانی یکی از تجلیات آن

است) گامی اساسی برنداشت بلکه خود هیزم شکن این آتش خانمانسوز بوده است. آقای بازرگان تمام تلاش خود را برای خدمت به همپالکی های خود یعنی سرمایه داران و تجار محنکر و صاحب سرمایه بازار به کار گرفت و با تمام توان خود کوشید کمر زحمتکشان و قشرهای متوسط مردم را هرچه بیشتر خم سازد."

ما در همانجا ضمن اشاره به این واقعیت که نیروهای خط امام که برخلاف بازرگان و شرکاء در پی آن هستند که با وابستگی مقابله کنند، خود می دانند چه می خواهند و چه سیاستی را باید دنبال کنند. گفتیم در حریان کشاکش بین نیروهای خط امام و لیبرالها بودجه ای تنظیم شد که در اساس با بودجه های گذشته تفاوتی نداشت. هنگام تدوین بودجه سال ۱۳۵۹ سز روند مشابهی ادامه یافت. تدوین کنندگان بودجه ۵۹ واقعیت تحریم اقتصادی را به هیچ روی در نظر نگرفتند و با خوش خالی رقم سیار بالائی را برای صادرات نفت پیش بینی کردند. همچنین در مورد سایر درآمدها به ویژه درآمد مالیاتی دولت، مانند گذشته عمل کردند. در بودجه ۵۹ سز همچون بودجه ۵۸ مالیات بر درآمد سرمایه داران رقم ناچیزی از کل درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می داد (نزدیک به ۱۸٪ کل مالیات ها). طبعاً چنین بودجه ای نمی توانست پاسخگوی خواست های انقلاب باشد.

مناسفانه دولت رجائی هم در برنامه اقتصادی خود به شرایط دشوار مبارزه ضد امپریالیستی توجه نکرد و الزامات آن را به حساب نیاورد. در حالیکه اگر چنین می کرد، اگر دست از بسیاری درنگ ها برمی داشت، اگر واقعیات را می دید، می توانست تا حد زیادی با مسئله کسری بودجه و دشواری های ناشی از آن به مقابله برخیزد. هرچند دولت رجائی از ابتدای کار با دشواری های بسیار منحل جنگ تحمیلی رژیم صدام روبرو بود، اما واقعیت آن

است که دولت می توانست با یک رشته اقدامات اساسی زمینه حل بسیاری از مشکلات موجود را فراهم کند. دولت تاکنون قاطعانه با سرمایه دارانی که در امر تولید اخلال می کنند، مقابله نکرده است. حال آنکه مقابله با این سرمایه داران می توانست زمینه مناسبی برای افزایش تولید و همچنین افزایش درآمد دولت باشد. دولت تاکنون در زمینه ملی کردن تجارت خارجی اقدام اساسی به عمل نیاورده است. در حالیکه با این کار می توانست مانع رشد روزافزون قیمت ها شود و از فشار تورمی بودجه بکاهد. توقف اجرای بند "ج" نیز مثال دیگری از همین مورد است. اگر کار تقسیم اراضی توسط هیئت های هفت نفره همچنان ادامه می یافت، تولید کشاورزی کشور افزایش می یافت و زمینه مساعدی برای حل بسیاری از مشکلات لافل در سالهای آینده فراهم می آمد. این همه مانع از پدید آمدن شرایط حاضر می شد. شرایطی که به لیبرالها فرصت می دهد تا دست به عوام فریبی بزنند و از آب گل آلود برای غلبه خط سازش در حکومت بهره برداری کنند. اما دولت بدون آنکه در این زمینهها اقدامی اساسی به عمل آورده باشد، دست به افزایش کسری بودجه زده و از عواقب ناشی از آن پروا نکرده است. همانگونه که در ابتدا گفتیم ما به خوبی می دانیم که تحریم اقتصادی از یکسو و هزینه های ناشی از جنگ تحمیلی از سوی دیگر باعث شد شکاف بین درآمد و هزینه دولت زیاد شود، اما علیرغم این واقعیات به گمان ما کسری بودجه دولت امر گزیرناپذیری نبوده است. چه اگر دولت برنامه حساب شده ای را در زمینه اقتصاد به پیش می برد برنامه ای که لازمش ملی کردن تجارت خارجی، اجرای اصلاحات ارضی، مقابله با اخلال سرمایه داران در امر تولید و کسرتش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مدافع استقلال ایران است بسیاری از مشکلات کنونی چاره پذیر می شد اما هنوز هم برای این کار دیر نیست. دولت باید در درجه نخست سیاست های در جهت مقابله با گرانی و خنثی کردن نتیجه افزایش کسری بودجه بر زندگی زحمتکشان دنبال کند

گام های مهم و فوری عبارتند از:

- هرچه وسیع تر کردن سیاست جیره بندی کالاهای اساسی.
- کنترل قیمت کالاهای صنایع داخلی.
- ملی کردن تجارت خارجی و صنایع وابسته ای که ملی نشده اند.
- اتخاذ سیاست خارجی منطبق بر مصالح انقلاب.
- کاهش مالیات های غیر مستقیم و افزودن به مالیات های مستقیم به ویژه مالیات بر ثروت و سود ثروتمندان و سرمایه داران.
- اصلاحات ارضی به ویژه اجرای بند "ج و د" قانون اصلاحات ارضی، هرچند نتیجه فوری در افزایش تولید محصول کشاورزی ندارد اما تاثیری اساسی در وضع زندگی زحمتکشان روستا و در کاهش قیمت کالاهای کشاورزی در فصول آینده خواهد داشت.
- دولت جمهوری اسلامی که اکنون سرگرم تنظیم بودجه سال آینده است، باید هشیار باشد که بودجه ای چون

سالهای ۵۸ و ۵۹ تدوین نگردد. دولت باید این واقعیت را بپذیرد که تنها با حرکت در جهت تحقق خواسته های اساسی انقلاب و توجه به نیازهای مبرم توده ها می توان انقلاب را تعمیق بخشید و مانع رشد ضد انقلاب شد.

تجربه دو سال پس از انقلاب بهمین نشان داده است که کوتاهی در این مورد موجب دل سردی توده ها می شود و زمینه رشد لیبرالها را فراهم می کند. بر این اساس دولت جمهوری اسلامی باید در تنظیم بودجه سال آینده خود کلیه این خواستها را به حساب آورد و برنامه همه جانبه ای در جهت افزایش تولید تدوین کند. برنامه ای که شالوده آن را ملی کردن تجارت خارجی و صنایع وابسته، اجرای بند "ج و د" اصلاحات ارضی، مقابله با اخلال سرمایه داران در امر تولید و برقراری روابط نزدیک با کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای ترقیخواه تشکیل می دهد.

پس از نمایش فیلم تلویزیونی «از خاک تا خاک» کارگران خواستند:

یکی از کارگران قدیمی گروه های اجرایی تهران ضمن مراجعه به روزنامه کیهان در حالی که از شوق بشدت هیجان زده بود، اظهار داشت: من بادیین برنامه تلویزیونی که در مورد کورهای اجرایی و همچنین سخنان وزیر انقلابی کار در مورد وضعیت کورمزخانه ها و کارگران این صنعت بشدت دچار هیجان شده ام زیرا من سالها با پوست و گوشت خود ظلم و استثمار کورمداران را حس کرده ام این کارگر سالخورده که اباصالت کافظمی نام داشت همچنین گفت از اقدامات دولت در زمینه بهبود وضع زندگی کارگران کورها و پایان دادن به استثمار کورمداران تشکر کرد.

کیهان شنبه ۲ اسفند

تقاضای پخش مجدد فیلم «از خاک تا خاک»

چهره پردرد و خشم آنهایی که جان می کنند تازه بمبمانند. علاوه بر سندیکای مستقل کارگران بخش صنعت نفت بسیاری دیگر از کارگران و علاقمندان به مسایل کار و کارگری نیز خواستار پخش مجدد این فیلم و مصاحبه وزیر محترم کار و امور اجتماعی و کارگران کوره - بزخانه شده اند.

سندیکای مستقل کارگران بخش صنعت نفت تهران با انتشار اطلاعیه ای خواستار پخش مجدد فیلم «از خاک تا خاک» شد. این فیلم که چند شب پیش از سینمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد تحلیل جالب و بیسابقه ای بود از استثمار کارگران کورمزخانه و تصویر

سرمایه داران گفتند:

• شنبه شب ۹۱/۲۵، برنامه «خاک تا خاک» (درباره کوره بزخانه ها) را از سینمای جمهوری اسلامی دیدم. مهربان این برنامه ندانسته همان کاری را می کنند که «رفقا» مد نظر دارند یعنی اینکه کوره بزخانه ها را به تحلیل بکشاند و اقتصاد مملکت را فلج کند. آن چیزهایی که به نمایش گذاشتند درست بود ولی چرا به تقاضاهای کارفرمایان توجهی نمی کنند. خیلی وقت است که از شرکت گاز تقاضای اشتراک کرده اند تا کوره ها را گازی کنند ولی به درخواست آنها رسیدگی نکرده اند. بهتر است آقای وزیر کار بجای شعار دادن به اقدامات اساسی بپردازد. امیران شنبه ۲ اسفند



طرح پاداش سالانه و ضریب بهره وری تولید ضروری اما ناکافی است

چندی است که مسئله سود ویژه و پاداش سالانه به مبرم ترین مطالبه صنفی کارگران بدل شده است. هر ساله در مقاطع معینی از سال (پایان ششماه اول و پایان سال) طرح این خواست در کارخانجات، همه خواستهای صنفی - سیاسی را تحت الشعاع خود قرار می دهد. طرح مصرانه مسئله فوق از دوجنبه برای کارگران حائز اهمیت است:

اولا پاداش سالانه جزئی از مزد سالانه کارگران بوده و از جمله حقوق صنفی مسلم آنهاست.

ثانیا فقدان یک استاندارد واقعی ارزشیابی مزد و کاهش روزافزون قدرت خرید کارگران در اثر افزایش سطح هزینه ها و تشدید فشارهای تورمی، کارگران را وامی دارد که در محاسبه میزان افزایش یا کاهش دریافتی هایشان با بدبینی و نگرانی حساسیت نشان دهند. در این رابطه آنچه که اکنون بین کارگران بیش از همه موضوع بحث است، تغییرات و اصلاحاتی است که طی یکساله اخیر در رابطه با قانون سود ویژه و پاداش و عیدی سالانه صورت گرفته است.

در تیرماه ۵۹ شورای انقلاب و وزارت کار قانون سهیم شدن کارگران در منافع کارگاه های صنعتی و تولیدی را که در سال ۴۱ به تصویب رژیم شاه رسیده بود، باطل اعلام نمود و با لغو این ماده (ماده مربوط به سود ویژه) مقرر نمود که بجای پرداخت سود ویژه سالانه، به کارگران مشمول قانون سهیم شدن، پاداش و عیدی سالانه ای معادل دو ماه حقوق پرداخت شود. اصلاحات بعدی در بهمن ماه ۵۹ توسط وزارت کار در این قانون داده شد به این ترتیب که وزارت کار علاوه بر آنکه ۲ ماه عیدی و پاداش مصوبه تیرماه را بعنوان مینا پذیرفت، طرحی نیز بدان افزود که در

این طرح معیار بهره وری تولید نیز بعنوان یک تبصره به مصوبه تیرماه اضافه می شود طبق این مصوبه:

پاداش و عیدی سالانه کارگران مشمول قانون سهیم کردن معادل دو ماه مزدشان بوده و علاوه بر آن کارگاه های مشمول قانون فوق موظفند به ازاء هر یک درصد افزایش تولید سرانه در سال ۵۹ نسبت به متوسط تولید سرانه سالهای ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ معادل یک روز دستمزد ثابت پرداختی و حداکثر تا ۲۰ روز به عنوان پاداش افزایش تولید به کارکنان پرداخت نمایند. این بیان خلاصه تغییرات و اصلاحاتی است که در زمینه سود ویژه و پاداش سالانه از ۴۱ تاکنون صورت گرفته است. برای روشن تر شدن مسئله لازم است جوانب مثبت و منفی قوانین فوق الذکر را با توجه به مصالح انقلاب و منافع طبقه کارگر مورد بررسی قرار دهیم: اولاً ابتدا ببینیم که آیا لغو قانون سود ویژه مصوبه ۴۱ و جایگزین کردن دو ماه پاداش و عیدی و ضریب بهره وری تولید (مصوبه بهمن ۵۹) اصولاً درست است یا نه؟

ثانیا ببینیم تاثیرات قانون اخیر در افزایش یا کاهش میزان دریافتی های کارگران چه میزان است؟

۱- همچنانکه تاکنون نیز در مورد لغو قانون سهیم کردن و سود ویژه گفتیم، باید بار دیگر تاکید کنیم که اصولاً قانون سهیم کردن کارگران در سود کارگاه ها، چیزی جز یک فریبکاری امپریالیستی نبوده است. آنچه را که این "قانون" معیار قرار داده است، "حق السهم" کارگر از مالکیت کارخانه است. کارفرما می خواهد که کارگر احساس مالکیت کند و دلسوزانه تولید را بخاطر سودی که ممکن است به "سهاش" تعلق گیرد، افزایش دهد.

در اینجا معیار افزایش تولید مالکیت خصوصی شخص کارگر است حال آنکه سرمایه دار شدن کارگران توهمی بیش نیست. آنچه که اصولاً کارگران و مهم تر از آن طبقه کارگر باید بیاموزد نه چگونگی سرمایه دار شدن و... بلکه چگونگی از بین بردن مالکیت خصوصی ابزار تولید است. این ضابطه (قانون سهیم شدن و سود ویژه) از اساس انحرافی و ضدانقلابی است. و در مقابل لغو سود ویژه و جایگزین کردن دو ماه پاداش سالانه بجای آن صرف نظر از اینکه میزان دو ماه پاداش از میزان سود ویژه که به کارگر تعلق می گرفت کمتر باشد یا بیشتر، آنچه که مهم تر است آن است که پاداش کار (مزد) را معیار قرار دادن، از نظر اصولی درست است ولی مالکیت (حق السهم) را معیار قرار دادن از پایه و اساس نادرست است. و همینطور مصوبه بهمن ماه در این مورد که بهره وری تولید را معیار قرار دهند، اصولاً معیار درستی جهت افزایش تولید است و کارگر را با توهمات و وسوسه های مالکیت خصوصی مشغول نمی کند بلکه معیار را میزان تولید براساس سهم نیروی کار (یعنی چیزی که کارگر صاحب آن است) قرار می دهد. علی الاصول در مقایسه محرکه های مادی میان سود ویژه مصوبه ۴۱ با پاداش و بهره وری تولید مصوبه ۵۹، تفاوت اساسی وجود دارد و این مهم ترین تفاوت میان دو مصوبه فوق الذکر است.

۲- طرح حداقل دو ماه پاداش و عیدی و همچنین معادل حداقل دو ماه حقوق و حداکثر ۸۵۰۰ تومان و... اولاً تعیین پاداش سالانه معادل حداقل دو ماه حقوق و حداکثر ۸۵۰۰ تومان در مقایسه با میزان دریافتی های سال قبل تفاوت هایی داشته است که عمدتاً به قرار زیر است:

- در کارخانجات و

واحدهای خدماتی بزرگ مانند نفت، راه آهن، شرکت واحد و... که در سالهای گذشته سود ویژه ای دریافت نمی کردند بلکه پاداش و عیدی سالانه بجای آن می گرفتند (معمولاً معادل یک تا سه ماه) طرح فوق در مجموع با میزان دریافتی های سال قبل معادل بوده و بطور مشخص در نفت، میزان دریافتی امسال بیشتر از سال قبل می شود.

- در واحدهائی که در دست بخش خصوصی است، از آنجا که اغلب آنها سوددهی شان بیشتر از واحدهای ملی شده بود، مسئله پرداخت پاداش و عیدی امسال در مقایسه با سال گذشته در مجموع کمتر بوده و این امر موجب برخی اعتراضات نیز شده است.

- بطور کلی در حدود ۱۵٪ کارگران از نظر حقوقی در حدی بودند که حداکثر ۸۵۰۰ تومان موجب کاهش دریافتی های امسال شان گردید.

- از طرفی اجرای بهره وری تولید (در مقایسه با متوسط بهره وری سالهای ۵۶ و ۵۷ و ۵۸) هر چند بطور کلی و برای سالهای آینده می تواند اصولی باشد ولی برای امسال تا حداقل دو سال آینده که تنها معدودی از کارخانه ها سوددهی داشته و دارند، چیزی به

دریافتی های کارگران اضافه نمی کند.

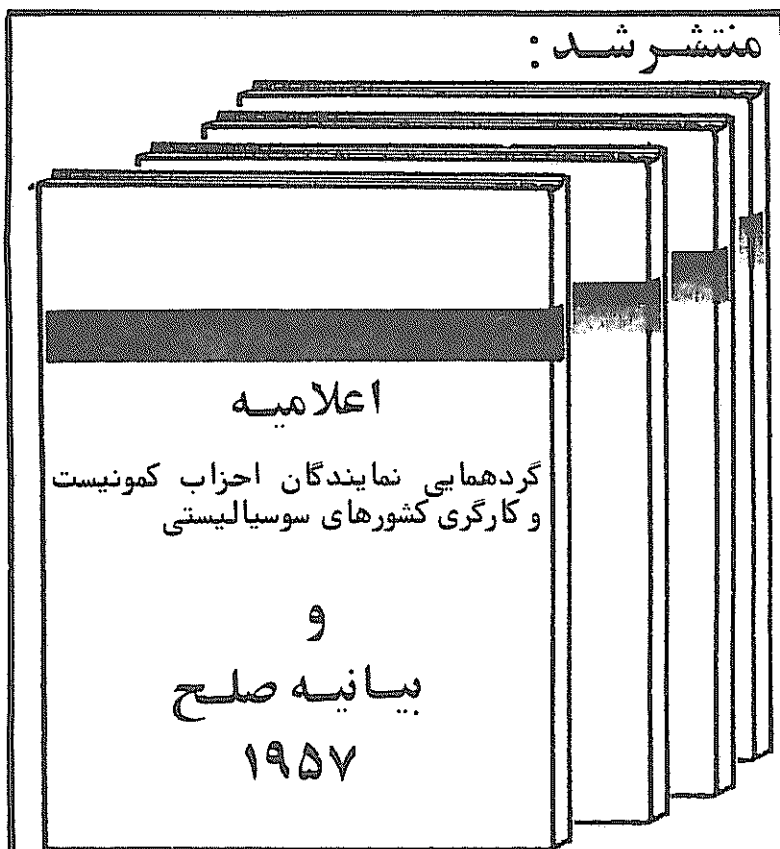
باید توجه داشت که به واسطه کمبود مواد اولیه و لوازم یدکی و... اجباراً در بسیاری از کارخانجات بهره وری تولید قابل توجه نبوده است و کارخانجات علیرغم تمایل کارگران به افزایش تولید، فاقد امکانات افزایش بهره وری تولید بوده اند.

آنچه که در این رابطه باید هشدار داد، نقش اخلاک گرانه مدیران لیبرال در تولید و اداره کارخانجات و از هم پاشاندن تشکلهای انقلابی کارگران است که بدین ترتیب بزرگترین سد راه افزایش بازدهی تولید و نتیجتاً بهره وری کار بوده و هستند.

- در متجاوز از ۷۵٪ کارخانه ها میزان بهره وری تولید به اندازه ای نیست که کارگران بر اساس ضریب داشته باشند.

- با توجه به فشار گرانی و تورم روزافزون هزینه ها بر بخش مهمی از کارگران (که سطح حقوقی نازل دارند - بیش از ۵۰٪) و دریافتی شان مطابق ضوابط موجود (حداقل دو ماه) بین ۴ تا ۵ هزار تومان در نوسان است لذا ضروری است حداقل تعیین شده بجای ۲ ماه به حداقل ۲/۵ ماه برسد و فاصله میان حداقل و حداکثر نیز بدین ترتیب کاهش یابد.

منتشر شد:



از انتشارات سازمان چریک های فدایی خلق ایران (اکثریت)

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشت از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

باندهای سیاه را افشاء کنیم «گروه شیت» در کرمانشاه را بشناسیم

● فعالیت‌های ضدانقلابی و اعمال جنایتکارانه باندهای سیاه هر روز دامنه وسیع تری می‌یابد. حمله به اجتماعات و تظاهرات نیروهای مترقی، تهدید و ارباب زنان، آدم‌ربائی، شکنجه و ترور انقلابیون، به آتش کشیدن کتابفروشی‌ها و... بخشی از فعالیت جنایتکارانه و غیرانسانی این باندهای سیاه را تشکیل می‌دهد.

این باندهای سیاه را به هیچ‌روی نمی‌توان پدیده‌های تصادفی، گذرا و بی‌شکل دانست. اطلاعاتی که به دست ما رسیده است و نیز بررسی شیوه‌ها، عملکرد و سازماندهی این نیروها نشان می‌دهد که این جریانات به‌گونه‌ای سازمان یافته و با برنامه عمل می‌کنند. آنها از امکانات نامحدودی بهره‌مندند و علیرغم آنکه تا بحال رهبران برخی از آنها توسط نیروهای انقلابی معرفی شده‌اند، هیچ‌گاه محاکمه و مجازات نشده‌اند. آنها از هرگونه پیگردی مبری هستند و بسیاری از جنایات خود را آشکارا انجام می‌دهند. ما معتقدیم که در وجه غالب، شکل‌گیری، بقاء و رشد این باندهای سیاه را باید در رابطه و پیوند مستقیم با آن افشار و نیروهای اجتماعی دانست که انقلاب و تداوم آن، بساط غارتگری و چپاول و زران‌دوژی‌شان را در هم گوبیده‌است. یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ.

بیان این واقعیت بدان معنی نیست که در تمامی موارد باندهای سیاه توسط سرمایه‌داران و زمینداران سازمان می‌یابند. در این رابطه نقش تنگ‌نظری‌ها و تعصبات خشک مذهبی، گروه‌های ضد کمونیستی و... را نباید نادیده گرفت. وجود حامیان این باندهای سیاه در برخی از ارگان‌های حاکمیت و حمایت پاره‌ای از روحانیون از این باندها، ناپیگیری و مماشات مقامات مسئول در برخورد با آنها باعث گشته است که دامنه اعمال جنایتکارانه آنها هر روز گسترش بیشتری یابد. وقتی که علیرغم افشاگری مداوم نیروهای انقلابی و حتی روزنامه جمهوری اسلامی سردستان جنایتکاری چون معبودی و ملا حسنی در آذربایجان غربی آزادانه به قتل و غارت و تجاوز علیه زحمتگشان و انقلابیون ادامه می‌دهند. وقتی که محاکمه علنی جنایتکار گتشی چون ماشاءالله قصاب به فراموشی سپرده می‌شود. وقتی که عوامل جنایات هولناک و متعدد خرم‌آباد، غلام زریان، عبده قیاسی و... حتی مورد تشویق مقامات مسئول قرار گرفته و علیرغم سوابق بسیار ننگین به مسئولیت‌های حساس نیز گماره می‌شوند و عامل اصلی و رهبر آنان سرمایه‌دار معروف شیخ مهدی قاضی تحت حمایت روحانیون معروف قم قرار می‌گیرد و... در این چنین شرایطی می‌بایستی انتظار داشت که دامنه این جنایات نه محدود بلکه گسترده‌تر و درنده‌خوتر گردد. دولت جمهوری اسلامی و مقامات مسئول تا بحال نه تنها در این موارد اقدامی ننموده‌اند بلکه با نسبت دادن اعمال جنایتکارانه این باندهای سیاه و چماق‌داران مزدور به "توده‌های مردم" عملاً موجبات تشویق و ترغیب آنان را نیز فراهم آورده‌اند. اکنون بسیاری از شهرهای ایران به‌ویژه کرمانشاه، خرم‌آباد، رضاییه و شهرهای شمال و نیز تهران به عرصه تاخت و تاز باندهای سیاه و دسته‌های مزدور چماق‌داری تبدیل شده‌است که زیرنقاب "اسلام" و "مکتب" از هیچ خیانت و جنایت و عمل شیعی رویگردان نیستند.

سکوت جمهوری اسلامی در مقابل این جنایات علاوه بر گسترش فعالیت این باندها همچنین بهترین زمینه را برای عوام فریبی لیبرالها و ضدانقلابیون فراهم آورده‌است. برآستی دلایل این سکوت و این مماشات چیست و تا به کی ادامه خواهد داشت؟

سازمان ما که در افشاء این "باندهای سیاه" و معرفی عناصر آن در سطح مناطق و نیز در نشریه کار گوشش‌های فراوانی انجام داده‌است، اکنون به دلیل اهمیت و گسترش حرکات ضدانقلابی این باندها، افشاء وسیع‌تر آنان را در دستور کار خویش قرار داده‌است. ما از تمامی هواداران سازمان می‌خواهیم ضمن تبلیغ و شناساندن عملکرد و چهره جنایتکار این باندها که ما از این پس در این ستون به معرفی آنان خواهیم پرداخت، تمامی اطلاعات و اسناد خود را در این موارد هرچه زودتر برای ما ارسال دارند.

● منطقه فعالیت "گروه شیت" در کرمانشاه و نواحی غرب کشور است. این گروه دارای سوابق طولانی و ننگین است و تشکیل آن به دوران رژیم جنایتکار شاه باز می‌گردد. در سال ۱۳۴۱ "انجمن حجتیه" با همکاری ساواک و محافل وابسته به رژیم تشکیل شد. این انجمن به نام فعالیت‌های ضدبهبایی‌گری، به همکاری با دستگاه‌های پلیسی و تبلیغاتی شاه پرداخت و با استفاده از امکانات و کمک‌های مادی رژیم اقدام به جذب و سازماندهی جوانان ناآگاه برای شناسایی مسلمانان مبارز و انقلابیون کمونیست نمود. این گروه به شیوه باندهای مافیایی عمل می‌کرد بطوریکه در جریان انقلاب و پس از آنکه یکی از افراد آن به نام "صابون‌پز" به نقش ضدانقلابی گروه پی می‌برد و به صف انقلاب پیوست، بلادرنگ بطور مرموزی به قتل رسید.

پس از انقلاب رهبران گروه فوق با عضوگیری

عناصر ناآگاه، مشکوک و وابسته به رژیم پیشین و همچنین با تدارک و تهیه سلاح، تشکیلات جدیدی را سازمان داده و به نام "گروه شیت" فعالیت جنایتکارانه خود را آغاز می‌کنند. نام گروه ظاهراً مخفف "شورای یآوری تهیدستان" است ولی واژه "شیت" در زبان کردی و گویش کرمانشاهی که به معنی "دیوانه" گنج و منگ و ابله است واقعیت این گروه را به نحو گویایی بیان می‌کند.

این گروه از همان ابتدا، کار خود را با حمله به تظاهرات و میتینگ‌های نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست، تعقیب، بازداشت، شکنجه و ترور انقلابیون شروع کرد. تاریخچه فعالیت در روزهای پس از انقلاب تاکنون با موارد فراوانی از جنایت و خیانت همراه بوده است. ترور وحشیانه رفیق سعید عقیقی دانشجوی دانشگاه رازی ترور عباسعلی نقی‌پور دانشجوی دانشگاه

رازی ترور ناجوانمردانه دو دانشجوی مبارز کامران زرین خط و محمد تقی بصیرمند در روز کارگر، ربودن و شکنجه و تهدید دانش‌آموزان انقلابی حمله و اذیت و آزار دختران دانش‌آموز و... تنها گوشه‌ای از کارنامه کثیف و سیاه "گروه شیت" است.

اکنون این "گروه" خودکامگی را به جایی رسانده است که حتی خانه‌های "تیمی" متعددی برای خود تدارک دیده و با حملات مسلحانه به مدارس، دانش‌آموزان مترقی را مصروب و بازداشت و در خانه‌های "تیمی" خود آنان را نحت شکنجه‌های وحشیانه فرار می‌دهد. چندی پیش "گروه شیت" با بیشرمی و گستاخی تمام مسلحانه به مقر "مرکز هماهنگی فعالیت‌های اسلامی غرب" حمله کرده و پیش از اشغال آن به دروغ محل را "مرکز جاسوسی" اعلام نمود. متعاقب آن انجمن‌های انجمن‌های اسلامی کرمانشاه که متشکل از ۲۶ انجمن اسلامی است بیانیه‌ای صادر کرد و طی آن این جریان ضدانقلابی و ضد "خط امام" را افشا نمود. در قسمتی از این بیانیه چنین می‌خوانیم:

"... از آنجایی که موثرترین حربه دشمن برای از بین بردن انقلاب اسلامی ایران توطئه‌های درونی است دشمنان انقلاب اسلامی همواره سعی کرده‌اند که با توطئه‌های پی‌درپی خود از درون به این انقلاب ضربه زده و به امیال شیطانی خویش که همان حاکمیت سلطه مجدد استکبار جهانی بسرکردگی امریکا در ایران است برسند. در این میان شهر کرمانشاه از دستخوش این توطئه‌ها در امان نبوده است... دشمن این بار توطئه را با چهره‌های مذهبی و به ظاهر انقلابی و متعهد در شهرمان منجلی کرد. سخن از جریانی انحرافی است که گروهی به نام "گروه شیت" را در آستین خود پروراند و ابزار قدرت خویش نموده است که با شیوه‌های غیر اسلامی تلاش در حاکم کردن این جریان دارد... در خاتمه هشدار به روحانیت محترم شهر، "امام جمعه"، مسئولین اجرایی شهر کرمانشاه اعم از استانداری، دادگاه انقلاب، دادستانی انقلاب که تا این گروه خودکامه، شهر را به آشوب نکشاندند است جلوی این خودسری‌ها و ایجاد ناامنی‌ها را بگیرند تا مردم ببینند که در این جمهوری اسلامی حرمت خط رهبری انقلاب و قانون اساسی پاسداری می‌شود..."

پس از آن جمعی از جوانان مبارز کرمانشاه به افشای این گروه و معرفی چهره‌های سرشناس آن پرداختند. جوانان کرمانشاه طی انتشار اعلامیه‌ای کارنامه جنایت‌بار "گروه شیت" و هم‌پیمانان آن "گروه قارعه" را این طور معرفی کرده‌اند:

"۱- حمله و هجوم به کتابفروشی‌ها و به آتش کشیدن آنها و به خانه‌های مردم.

"۲- حمله به دفتر نیروهای سیاسی و به آتش کشیدن آنها از جمله به دفتر مجاهدین خلق، امت و دفتر نماینده امام در کردستان و آیت‌اله منتظری در کرمانشاه.

"۳- حمله به راهپیمایی‌ها و تجمع مردم و بخون کشیدن آن از جمله حمله به راهپیمایی روز جهانی کارگر در سال جاری.

"۴- ترور جنایتکارانه جوانان مبارزی که فعالانه علیه رژیم شاه مبارزه کرده بودند مانند شکنجه وحشیانه و ترور سعید عقیقی دانشجوی دانشگاه رازی، ترور عباسعلی نقی‌پور دانشجوی دانشگاه رازی "ترور دو دانشجوی مبارز کامران زرین خط و محمد تقی بصیرمند در جریان روز کارگر.

"۵- حمله به مدارس و زخمی نمودن دانش‌آموزان انجمن‌های اسلامی مدارس.

روستائیان (دشت سر) آمل

خواهان اجرای بند (ج)

هستند

جمع کثیری از روستائیان "دشت سر" آمل، طی نامه‌ای که در زیر درج می‌شود خواهان اجرای بند "ج" شده‌اند:

بنام خدا
دوسال از انقلاب خونین مردم مامی گذرد، مردم ما با بجا گذاشتن ۷۰ هزار کشته و صدها هزار زخمی رژیم منفر پهلوی را به گور سپردند. در طی این دوسال امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از هیچ کوششی برای نابودی انقلاب کوتاهی نکرده است. سرمایه‌داران داخلی و زمینداران بزرگ که دستیاران امپریالیسم آمریکا در کشور ما می‌باشند، هر روز در حال توطئه و ضربه‌زدن به انقلاب ما هستند. طرح هیئت ۷ نفره گامی در جهت کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ بوده که ما دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین را برای ادامه انقلاب و درهم شکستن

محاصره اقتصادی امپریالیسم تشویق می‌کرد، ولی متأسفانه بند "ج" این طرح متوقف گشته و دست زمینداران بزرگ را باز گذاشته و باعث تقویت آنان شده است. امروز ما درگیر جنگی تحمیلی با رژیم منفر بعث عراق هستیم و در محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا می‌باشیم. برای پیروزی حق بر باطل و افزایش تولید، برای تحکیم پشت جبهه و کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ خواهان اجرای بند "ج" می‌باشیم و از رهبر انقلاب امام خمینی و مقامات مسئول دولت می‌خواهیم که برای درهم شکستن امپریالیسم و زمینداران بزرگ، این بند به اجرا درآید.

از طرف گروهی از کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین "دشت سر" آمل
۵۹۱۰/۲۵

بنام خدا
دوسال از انقلاب خونین مردم مامی گذرد. امروز ما درگیر جنگی تحمیلی با رژیم منفر بعث عراق هستیم و در محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا می‌باشیم. برای پیروزی حق بر باطل و افزایش تولید، برای تحکیم پشت جبهه و کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ، خواهان اجرای بند "ج" می‌باشیم و از مقامات مسئول دولت می‌خواهیم که برای درهم شکستن امپریالیسم و زمینداران بزرگ، این بند به اجرا درآید.



دشمنی روحانی نمایان آق‌قلا با بند (ج)

قانون اصلاحات ارضی

وی را در این مورد جویا می‌شوند. آقای حق شناس هم ضمن طفره رفتن از جواب ضریح و روشن اظهار می‌دارد که:

"من قسمت‌های اسلامی آن را قبول دارم ولی قسمت‌های غیراسلامی و کمونیستی آن را قبول ندارم."

و بدین ترتیب مخالفین اصلاحات ارضی را که با زدن برچسب کمونیستی و غیر اسلامی به بند "ج" و هیئت‌های هفت نفره، قصد دارند جلوی اجرای بند "ج" را بگیرند، مورد حمایت قرار داد.

بهانه کرده و از این طریق توانسته‌اند در نماز جمعه آق‌قلا تعدادی امضاء نیز جمع‌آوری کنند. نامبردگان از آقای حق شناس نماینده علی آباد در مجلس شورای اسلامی نیز دعوت کردند تا در مراسم سخنرانی روز ۲۱ بهمن که بدون اطلاع سپاه و هیئت هفت نفره برگزار شده و تعدادی از اعضای شوراها نیز شرکت داشتند حضور یافته و سخنرانی کند نامبرده در صحبت‌هایش هیچگونه اشاره‌ای به اصلاحات ارضی و بند "ج" نمی‌کند که این امر مورد اعتراض شوراها و هیئت ۷ نفره واقع شده و با اصرار نظر

آق‌قلا (ترکمن صحرا) عده‌ای از روحانی‌نمایان و وابستگان به فتوادل‌ها بهاسامی: عبدالرزاق آخوند رهبر، آنه‌گلدی ملا کسلخه، حاجی محمد آخوند قزل، قولمان آخوند گرکز، حاج قلیچ آخوند برازنده آق محمد پقه و... با قصد تشکیل به اصطلاح شورا در جهت ایجاد دفتری در آق‌قلا اقدام کرده‌اند.

هدف آنها از این اقدامات، کارشکنی در کارهای هیئت هفت نفره و جلوگیری از اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی می‌باشد. آنها برای فریب مردم عمران و آبادی روستاها را

دهقانان زحمتکش:

با افزایش تولیدات خود کشاورها را به

ستگری دیگر

علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار

صدام تمیز بیل کنید

تاخیر در اجرای بند (ج) طرح

اصلاحات ارضی

به نفع دشمنان انقلاب است

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

دستاوردهای
انقلاب و
سوسیالیسم



انقلاب لائوس: دستاوردها و چشم اندازها

● انقلاب لائوس در زنجیره تغییر و تحولات انقلابی در سراسر جهان جای برجسته‌ای را اشغال می‌کند. لائوس تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست از طریق دور زدن مرحله تکامل سرمایه‌داری، ساختمان بنیان‌های سوسیالیسم را آغاز نمود. ویژگی‌های عام و خاص انقلاب لائوس نشان می‌دهد که چگونه می‌توان تئوری مارکسیستی - لنینیستی و استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی را در کشورهای کوچک و دارای سطح نازل تکامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به کار بست و از حمایت نهضت رهایی‌بخش ملی در عرصه جهان و جنبش انقلابی جهانی برخوردار بود.

مراحل مبارزه

● انقلاب لائوس چند مرحله را از سر گذرانده است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت روسیه تاثیر عظیمی بر انقلاب لائوس گذاشت. "کبسون فوموی خان" دبیر کل کمیته مرکزی "حزب انقلابی خلق لائوس" در کتابش بنام "انقلاب لائوس. بعضی درسهای اساسی و وظایف عمده" خاطرنشان نمود: "در زمانی که به نظر می‌رسید لائوس در تاریکی عمیقی فرورفته‌است، پرتو درخشان انقلاب اکتبر راه رهایی خلقهای هندوچین را روشن نمود."

نقش اساسی را در تکامل بیشتر روند انقلاب در کشورهای آسیای جنوب شرقی، تشکیل حزب کمونیست هندوچین در سال ۱۹۳۰ ایفا نمود که رهبری مبارزه انقلابی در سه کشور ویتنام، لائوس و کامپوچیا را به عهده گرفت.

شکست آلمان فاشیستی و ژاپن میلیتاریستی در سال ۱۹۴۵ مرحله نوینی را در نهضت رهایی بخش خلقهای هندوچین بنیان نهاد. به دنبال پیروزی انقلاب اوت در ویتنام، در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ اولین دولت کارگران و دهقانان در آسیای جنوب شرقی اعلام موجودیت کرد. در ۱۲ اکتبر ۱۹۴۵ لائوس اعلام استقلال نمود.

رهبری مبارزات خلق لائوس علیه امپریالیسم آمریکا برای رهایی کشور و سپس رهبری انقلاب ملی دمکراتیک خلق و انتقال به سوسیالیسم را "حزب خلق لائوس" (که از فوریه ۱۹۷۲ به بعد "حزب انقلابی خلق لائوس" خوانده می‌شود) ادامه دهنده آرمان پرافتخار حزب کمونیست هندوچین بوده‌است.

مبارزه میهن پرستان لائوس تحت رهبری "حزب انقلابی خلق لائوس" که برای نیل به آزادی، استقلال و ترقی اجتماعی انجام می‌گرفت به پیروزی انجامید. "کنگره ملی نمایندگان خلق لائوس" که به ابتکار میهن پرستان لائوس تشکیل شده بود، در ۲ دسامبر ۱۹۷۵ سلطنت را لغو نمود و پیدایش "جمهوری دمکراتیک خلق لائوس" را اعلام نمود. مردم لائوس تحت رهبری "حزب انقلابی خلق لائوس" شروع به ساختمان پایه‌های

سوسیالیسم نمودند.

این پیروزی قبل از همه نتیجه خط مشی صحیح و رهبری توانای حزب انقلابی خلق لائوس بود که به مواضع مارکسیستی - لنینیستی پای بند و وفادار است و بیانگر منافع زحمتکشان لائوس و کل ملت لائوس می‌باشد. این پیروزی نتیجه همکاری مبارزه جویانه لائوس با خلقهای برادر، ویتنام و کامبوج و پیروزی اتحاد آنها علیه دشمن مشترک بود. این پیروزی بخاطر کمک و حمایت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برادر و همچنین نهضت انقلابی و رهایی‌بخش جهانی و تمام نیروهای مترقی در سراسر گیتی امکان پذیر گشت.

خط مشی حزب

● لائوس قبل از همه یک کشور متسمره بود و حزب از همان آغاز فعالیت خود، سمت اصلی مبارزه را در جهت بیرون راندن امپریالیستها و نابودی حامیان ارتجاعی آنها در داخل کشور هدایت نمود. برای بسیج و تحکیم نیروی ملی لازم بود که تغییرات دمکراتیک اساسی به نفع زحمتکشان انجام گیرد. بنابراین استراتژی حزب این بود که وظایف ملی و دمکراتیک را بطور همزمان و با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص کشور به انجام رساند. "کبسون فام‌وی خان" تاکید می‌کند که خط مشی عمومی حزب "این بود که پرچم انقلاب ملی دمکراتیک با سمت‌گیری به سوی سوسیالیسم را تحت رهبری حزب طبقه کارگر برافراشته دارد."

در حال حاضر انقلاب لائوس به مرحله سوسیالیستی تکامل خود گام نهاده‌است. نمونه لائوس صحت تاریخی این ایده لنین را تأیید می‌کند که یک انقلاب خلق، "انقلابی که واقعا اکثریت وسیع توده‌ها را دربرگیرد، تنها وقتی می‌تواند واقعا خلقی باشد که هم کارگران و هم دهقانان را دربرگیرد... در صورت عدم وجود چنین اتحادی، دمکراسی ناپایدار و تغییر و تحول سوسیالیستی غیر ممکن است." (۱)

در لائوس حزب توانست یک اتحاد استوار بین طبقه کارگر و دهقانان ایجاد کند. ارگان‌های قدرت خلق با تکیه بر این اتحاد و با اعمال دیکتاتوری کارگران و دهقانان تحت رهبری حزب توانستند در جریان انقلاب ملی دمکراتیک، اصلاحات دمکراتیک را در مناطق آزاد شده با موفقیت به پیش برند، تولید را گسترش دهند و سطح زندگی مردم را ارتقاء دهند.

عامل مهمی که به پیروزی انقلاب کمک می‌کرد ایجاد تحکیم و گسترش جبهه متحد ملی بود. حزب انقلابی خلق لائوس در طول انقلاب ملی دمکراتیک یک سیاست واحد را در اشکال مختلف به کار برد که هدف آن جلب تمام خلق لائوس بدون توجه به موقعیت اجتماعی‌شان و جلب تمام عناصر مترقی و میهن پرست به طرف جبهه انقلاب

بود. "جبهه میهنی لائوس" (جبهه بازسازی ملی لائوس از فوریه ۱۹۷۹ به بعد) سالیان درازی به موجودیت خود ادامه داده‌است.

یکی از نتایج مثبت سیاست جبهه متحد این بود که از نیروهای میانی دعوت می‌شد تا با جبهه به همکاری بپردازند. این امر به ویژه از این جهت برای لائوس مهم بود که این نیروها در لائوس نقش مهمی به ویژه در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی ایفاء می‌نمودند. با بی طرفی‌های دارای تمایلات میهن پرستانه که مترقی‌ترین قشر نیروهای میانی را تشکیل می‌دادند، همکاری در عرصه سیاسی و نظامی به وجود آمد. پس از آن گروه‌های میهن پرست دیگر به جبهه متحد پیوستند که در بین آنها بعضی نمایندگان حکومت، افسران ارتش و پارلمان نیز دیده می‌شدند. سیاست خلاق حزب باعث شد که اساس تمام نیروها و جریانات مترقی و میهن پرست یکان پذیر شود.

تحکیم قدرت خلق

● هر مرحله از انقلاب لائوس اشکال مبارزاتی خاص خود را داشت که برحسب شرایط مبارزه سیاسی یا مسلحانه عمده می‌شد. انقلاب در هر حرکت خود به سوی هدف نهایی می‌بایست بر موانعی که توسط دشمنانش ایجاد شده بودند غلبه می‌کرد. انقلابیون باید شیوه‌های مبارزه خود را تغییر دهند و بعضی مواقع به سازش‌هایی دست زنند. مارکسیست - لنینیست‌های لائوس دقیقا چنین عمل می‌کردند. آنها به ویژه اشکال مبارزاتی مثل مذاکره با دشمن و تشکیل ارگان‌های ائتلافی قدرت را به کار می‌گرفتند. شرکت میهن پرستان لائوس در این ائتلاف‌ها شکلی از مبارزه سیاسی بود.

برای انقلابیون لائوس مسئله نحوه کسب قدرت و حفظ قدرت بدون یک جنگ داخلی جدید اهمیت بسیاری داشت. آنها بر این تزلزلین تاکید می‌نمودند که "در موارد جداگانه و بطور استثناء... تسلیم مسالمت‌آمیز قدرت از طرف بورژوازی به شرطی که وی به بی‌حاصلی مقاومت پی‌ببرد و بخواهد جان خود را نجات دهد، امکان پذیر است." (۲)

مرحله نهایی انقلاب لائوس دقیقا در چنین شرایطی تکامل پیدا کرد. در سال ۱۹۷۵ حزب انقلابی خلق لائوس نه تنها قدرت را به دست گرفت بلکه بدون آنکه به نیروهای ضدانقلابی اجازه به راه انداختن جنگ داخلی بدهد، قدرت را حفظ کرد و از مداخله ارتجاع خارجی جلوگیری کرد.

حزب انقلابی خلق لائوس با وفاداری به منافع طبقه کارگر، زحمتکشان و تمام خلق، عوامل ملی و بین‌المللی در فعالیت خود را در نظر گرفته و وظایف انقلابی لائوس را بطور ارگانیک با وظایف روند انقلاب جهانی ترکیب می‌کند. رهبران حزب بطور مکرر بیان داشته‌اند که انقلاب لائوس جزء لاینفک انقلاب هندوچین و کل روند انقلاب جهان است.

برای لائوس روابطش با ویتنام و کامپوچیا از اهمیتی استثنائی برخوردار است. مردم این کشورها که در یک منطقه جغرافیائی واحد زندگی می‌کنند، قربانیان مهاجمین امپریالیست‌ها فرانسه و امپریالیستهای ژاپن و آمریکا بوده‌اند. در سال ۱۹۳۰ رهبری مبارزه برای رهایی ملی و اجتماعی خلقهای هندوچین را یک حزب واحد رهبری می‌نمود. در سالهای بعد نیز که در هر یک از این سه کشور حزب کمونیست جداگانه تشکیل شد، خلقهای این کشورها همبستگی بی‌پیکار

بمناسبت تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

شوروی با گامهای سنجیده در راه کمونیسم

قسمت دوم



انقلاب علمی و فنی

می‌شود. اتوماتیزه شدن تولید در نظام سرمایه‌داری جهانی در حالیکه به کار عده محدودی از کارگران ماهر جنبه آگاهانه می‌دهد آنها را از لحاظ اجتماعی همچنان در اسارت نگه می‌دارد و بعلاوه این کار را به قیمت بیکاری انبوهی از کارگران و به‌کار گرفتن اکثریت کارگران غیرماهر در کارهای فرمی و طاقت‌فرسا انجام می‌دهد و در نتیجه شرایط زندگی مجموع کارگران و زحمتکشان جهان سرمایه‌داری را بدتر می‌کند.

انقلاب علمی و فنی معاصر با آوری کار را به میزان وسیعی گسترش می‌دهد ولی نظام سرمایه‌داری از این امر برای کسب سود هرچه بیشتر برای امپریالیست‌ها، تشدید روند میلیتاریزاسیون در اقتصاد و زندگی اجتماعی و بین‌المللی و به اسارت کشیدن خلقهای کشورهای تحت ستم امپریالیسم از طریق انحصار آفرین دستاوردهای این انقلاب در دست شرکت‌های چند ملیتی و فراملیتی استفاده می‌کند.

بالاتر از آنجا که انقلاب علمی و فنی معاصر اصولاً مستلزم کنترل هرچه بیشتر تولید اجتماعی بر اساس برنامه دقیق و واحد می‌باشد و بنیان نظام سرمایه‌داری بر سازماندهی فردی تولید و در متکامل‌ترین شکل آن بر سازماندهی تولید از طرف گروه‌های جداگانه‌ای از صاحبان انحصارات و بر اساس منافع اقلیتی استثمارگر و نه بر اساس منافع اکثریت جامعه استوار است، نظام سرمایه‌داری توان استفاده کامل از دستاوردهای این انقلاب را ندارد و تنها تضادهای درونی خود را تشدید می‌کند.

اما در نظام سوسیالیستی از آنجا که منافع جامعه بر منافع فرد تفوق دارد و پیشرفت علمی و فنی از وحدت بنیادی بر خوردارند جامعه می‌تواند از دستاوردهای این انقلاب برای کنترل هرچه بیشتر تولید اجتماعی و تکامل همه جانبه اعضای خود استفاده کند.

بر این مناسبت که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی با استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی معاصر و تکامل آگاهانه و طبق برنامه آن، تولید را در تمام زمینه‌ها هرچه بیشتر اتوماتیزه می‌کند و بدین طریق اولاً با تربیت کارگرانی با سطح دانش عالی و هرچه ساده‌تر کردن کار، تمایز بین بخشهای مختلف کارگران را کمتر می‌کند، ثانیاً با ارتقاء آموزش کارگران و فراهم آوردن امکان شرکت هرچه بیشتر روشنفکران در پروسه عمومی تولید - بطور مستقیم یا غیرمستقیم - در جهت معواختلاف کار فکری و کار بدی حرکت می‌کند و بالاخره با گسترش و مکانیزه و اتوماتیزه کردن روزافزون تر تولید کشاورزی و بالابردن سطح مهارت و دانش دهقانان در جهت رفع تمایز بین دهقانان اشتراکی از یک طرف و کارگران و روشنفکران از طرف دیگر به پیش می‌رود.

چهارمین عامل موثر در این روند، همگون سازی گروه‌های اجتماعی مختلف از لحاظ توزیع ثروت‌های مادی و امکان دسترسی برابر به دستاوردهای فرهنگی میهن و جهان است. در همین جا باید توجه داشت همگون سازی اعضای جامعه از لحاظ توزیع بدین معنا نیست که در جامعه کمونیستی همه، سهم برابر از ثروت جامعه خواهند برد بلکه بدین معناست که در جامعه

کمونیستی تمام نیازهای مختلف مادی و معنوی اعضای جامعه که به اندازه استعدادشان کار می‌کنند، تامین خواهد شد. حرکت در این جهت نیز به معنای نزدیک شدن به چنین جامعه‌ای است همگون سازی گروه‌های اجتماعی مختلف از لحاظ توزیع به تبع قرار گرفتن آنها در موضعی مشابه با موضع طبقه کارگر در قبال مالکیت وسایل تولید و یا نزدیک تر شدن به این موضع انجام می‌گیرد. همزمان با افزایش مداوم درآمد واقعی تمام اعضای جامعه، اختلاف درآمد کارگران بخشهای مختلف تولید کمتر می‌شود. بعنوان مثال: درآمد واقعی کارگران در سال ۱۹۷۶ نسبت به سالهای قبل از جنگ ۲/۶ برابر و در آمد دهقانان مزارع تعاونی در همین فاصله ۵ برابر افزایش یافت و در نتیجه در سال ۱۹۷۶ درآمد واقعی هر عضو خانواده کشاورزان مزارع تعاونی به ۸۵٪ درآمد واقعی هر عضو خانواده کارگری رسید. این اختلاف نیز اساساً از میزان استفاده کار نیمه ماهر در کشاورزی ناشی می‌شود.

همچنین درآمد کارگران، کارمندان، مهندسی و تکنسین‌ها روز به روز نزدیک تر می‌شود. اگر حقوق سرانه کارگران را در سال ۱۹۴۰ صد فرض کنیم، حقوق سرانه کارمندان ۱۱۱ و حقوق سرانه مهندسی و تکنسین‌ها ۲۱۵ بوده است. این ارقام در سال ۱۹۷۵ (با فرض اینکه حقوق هر کارگر ۱۰۰ باشد) به ترتیب ۸۲ و ۱۲۴ بوده است یعنی حقوق کارمندان که قبل از جنگ بیشتر از کارگران بود، در حال حاضر از آن کمتر است. این امر از ارتقاء سطح دانش و مهارت کارگران در این مدت و نیز از نیاز کار کارگران به انرژی بیشتر ناشی می‌شود. همچنین حقوق کارگران به همان علل بطور قابل ملاحظه‌ای به حقوق مهندسی و تکنسین‌ها نزدیک شده است.

در بررسی تاثیر این عامل باید توجه داشت که شاخص حقوق‌ها اختلاف سطح زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی را بطور کامل و دقیق منعکس نمی‌کند. اختلاف واقعی بسیار کمتر از تفاوت شاخص حقوق‌هاست، زیرا در این مقایسه میزان حقوق‌ها هزینه عظیم مصرف اجتماعی (شامل آموزش و پرورش عمومی، خدمات بهداشتی و درمانی و غیره) که همه بطور رایگان و برابر از آن استفاده می‌کنند ندیده گرفته می‌شود. به ویژه اینکه این هزینه بطور مداوم افزایش می‌یابد بعنوان مثال هزینه مصرف اجتماعی در اتحاد شوروی در فاصله سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۷۶ چهارده برابر افزایش یافته است.

عامل پنجم که در این روند پیشروی به سوی کمونیسم تاثیر می‌کند، تکامل دمکراسی سوسیالیستی و حرکت در جهت همگونی آیدئولوژیکی و معنوی گروه‌های مختلف جامعه است. دمکراسی سوسیالیستی در دوره سوسیالیسم پیشرفته از طریق تامین شرکت هرچه فعال تر مردم در اداره امور عمومی و دولتی، و شرکت هرچه فعال تر آنها در اتخاذ تصمیمات مهم در تمام زمینه‌ها، واگذاری بخش هرچه گسترده‌تری از انجام امور دولتی به نهادهای تسوده‌ای و ارگان‌های نمایندگی آنها و در یک کلام از طریق حرکت در جهت توزیع موزون تر اتوریته اجتماعی در بین توده‌های مردم از یک طرف و تکمیل امر

● انقلاب صنعتی قرن هیجدهم که یک انقلاب فنی (جایگزین ساختن ابزار تولید دستی با ماشین) و یک انقلاب علمی (بکارگیری علوم طبیعی در تولید مادی) را شامل می‌شد و استفاده وسیع از منابع طبیعی و زیرزمینی را به دنبال داشت. به قول مارکس باعث شد که کارگر از بیکار گیرنده ابزار تولید به زائده ماشین تبدیل شود و "حرکات کارگران به وسیله حرکات ماشین تعیین شود." (۲)

انقلاب علمی و فنی معاصر که هم در کشورهای سرمایه‌داری و هم در کشورهای سوسیالیستی در جریان است یک انقلاب فنی (گذار از تولید ماشینی به تولید اتوماتیزه) و یک انقلاب علمی (بکارگیری عمیق تر، وسیع تر و مستقیم تر علوم جدید و به ویژه علم ساینس و تکنیک یا علم هدایت سیستم‌های پیچیده در تولید اجتماعی و تغییر بنیادی نقش دانش در اقتصاد) را شامل می‌شود و در زمینه‌های توسعه منابع جدید انرژی، دستیابی به فضای کیهانی، شیمیایی کردن پروسه تولید و اتوماتیزه کردن هرچه بیشتر این پروسه گسترش می‌یابد و به کار بسته می‌شود. فرق انقلاب علمی و فنی معاصر با انقلاب صنعتی قرن هیجدهم در آن است که این انقلاب تقسیم وظیفه و کار بین ماشین و کارگر را به نحو بنیادی تغییر می‌دهد یعنی با اتوماتیزه شدن تولید، کارگر این بار از زائده ماشین به کنترل کننده و تنظیم کننده حرکات ماشین تبدیل می‌شود. این امر به نحو درخشانی این پیش‌بینی مارکس را تأکید می‌کند که در مرحله معینی از تکامل فنی تولید زمانی می‌رسد که "کار کارگر دیگر بعنوان کاری که باید صرفاً در پروسه تولید وارد شود، ظاهر نمی‌شود بلکه برعکس بعنوان کاری ظاهر می‌شود که در آن انسان بعنوان کنترل کننده و تنظیم کننده پروسه تولید عمل می‌کند." (۳)

انقلاب علمی و فنی معاصر در جوامع سرمایه‌داری، نتایج اجتماعی متضادی به وجود می‌آورد. ثمرات عظیم این انقلاب اولاً به علت تضادهای ذاتی نظام سرمایه‌داری میدان کاملی برای ظهور و شکوفایی خود نمی‌یابد و ثانیاً درست بخاطر عملکرد همین تضادها تنها به تشدید تضادهای اجتماعی، افزایش فقر و بیکاری و محرومیت اکثریت توده‌ها و تمرکز هرچه بیشتر ثروت در دست اقلیتی استثمارگر و طفیلی منجر

در بررسی تاثیر این عامل باید توجه داشت که شاخص حقوق‌ها اختلاف سطح زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی را بطور کامل و دقیق منعکس نمی‌کند. اختلاف واقعی بسیار کمتر از تفاوت شاخص حقوق‌هاست، زیرا در این مقایسه میزان حقوق‌ها هزینه عظیم مصرف اجتماعی (شامل آموزش و پرورش عمومی، خدمات بهداشتی و درمانی و غیره) که همه بطور رایگان و برابر از آن استفاده می‌کنند ندیده گرفته می‌شود. به ویژه اینکه این هزینه بطور مداوم افزایش می‌یابد بعنوان مثال هزینه مصرف اجتماعی در اتحاد شوروی در فاصله سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۷۶ چهارده برابر افزایش یافته است.

عامل پنجم که در این روند پیشروی به سوی کمونیسم تاثیر می‌کند، تکامل دمکراسی سوسیالیستی و حرکت در جهت همگونی آیدئولوژیکی و معنوی گروه‌های مختلف جامعه است. دمکراسی سوسیالیستی در دوره سوسیالیسم پیشرفته از طریق تامین شرکت هرچه فعال تر مردم در اداره امور عمومی و دولتی، و شرکت هرچه فعال تر آنها در اتخاذ تصمیمات مهم در تمام زمینه‌ها، واگذاری بخش هرچه گسترده‌تری از انجام امور دولتی به نهادهای تسوده‌ای و ارگان‌های نمایندگی آنها و در یک کلام از طریق حرکت در جهت توزیع موزون تر اتوریته اجتماعی در بین توده‌های مردم از یک طرف و تکمیل امر

در بررسی تاثیر این عامل باید توجه داشت که شاخص حقوق‌ها اختلاف سطح زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی را بطور کامل و دقیق منعکس نمی‌کند. اختلاف واقعی بسیار کمتر از تفاوت شاخص حقوق‌هاست، زیرا در این مقایسه میزان حقوق‌ها هزینه عظیم مصرف اجتماعی (شامل آموزش و پرورش عمومی، خدمات بهداشتی و درمانی و غیره) که همه بطور رایگان و برابر از آن استفاده می‌کنند ندیده گرفته می‌شود. به ویژه اینکه این هزینه بطور مداوم افزایش می‌یابد بعنوان مثال هزینه مصرف اجتماعی در اتحاد شوروی در فاصله سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۷۶ چهارده برابر افزایش یافته است.

عامل پنجم که در این روند پیشروی به سوی کمونیسم تاثیر می‌کند، تکامل دمکراسی سوسیالیستی و حرکت در جهت همگونی آیدئولوژیکی و معنوی گروه‌های مختلف جامعه است. دمکراسی سوسیالیستی در دوره سوسیالیسم پیشرفته از طریق تامین شرکت هرچه فعال تر مردم در اداره امور عمومی و دولتی، و شرکت هرچه فعال تر آنها در اتخاذ تصمیمات مهم در تمام زمینه‌ها، واگذاری بخش هرچه گسترده‌تری از انجام امور دولتی به نهادهای تسوده‌ای و ارگان‌های نمایندگی آنها و در یک کلام از طریق حرکت در جهت توزیع موزون تر اتوریته اجتماعی در بین توده‌های مردم از یک طرف و تکمیل امر

بقیه از صفحه ۱۰

شوروی با گامهای...

هدایت طبق نقشه جامعه در تمام عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از طرف دیگر تکامل می‌یابد.

محتوای عمده نزدیک‌تر شدن اعضای جامعه از لحاظ ایدئولوژیک و معنوی عبارتست از: آموزش جهان‌بینی کمونیستی، پرورش موضع کمونیستی در قبال کار، تربیت مردم با روح انترناسیونالیسم پرولتری و مین‌پرستی سوسیالیستی، تبدیل اخلاق کمونیستی به عادات، تسلط بر علم و تکنولوژی و عشق ورزیدن به دستاوردهای هنری تمام بشریت مترقی. هدایت این امر را حزب کمونیست به عهده دارد.

منصر آگاهی سوسیالیستی همچنین در پیشرفت کل جامعه از نقش مهم‌تری برخوردار می‌شود. این نقش در همدل‌مندتر شدن بخش هرچه گسترده‌تری از اقدامات اجتماعی و پیش‌بینی پیامدهای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ظهور پیدا می‌کند. کیفیت اشاره کنیم که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی علاوه بر طرح‌ریزی برنامه‌های پنج‌ساله، برنامه‌های طول‌مدت دیگری نیز پیاده می‌کنند (۱۰ یا ۱۵ ساله). همچنین کشورهای سوسیالیستی برنامه‌های جامع رشد هماهنگ اقتصادی را در اتحاد با همدیگر طرح‌ریزی نموده و اجرا می‌نمایند. در این برنامه‌ها عوامل گوناگونی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، جوی و دموگرافیک در نظر گرفته می‌شود.

نکته فایان توجه در حل این تمایزات اجتماعی - طبقاتی در شوروی آن است که تمام این تمایزات از طریق تکامل بالنده و رو به بالا حل می‌شوند. مارکسیسم - لنینیسم روند محو تمایزات اجتماعی - طبقاتی را یک روند مینمی‌داند و با کوشش برای حذف مصنوعی آنها مخالف است. ایده‌هایی مثل حل اختلاف شهر و ده از طریق گسیل کارگران صنعتی به دهات یا سوسیالیسم و کمونیسم بیگانه است. سوسیالیسم اختلاف بین حوزه‌های مختلف تولید را از طریق تکامل آنها بر اساس آخرین دستاوردهای علم و فن حل می‌کند. تمایزات بین شهر و ده و میان کارگری و کار بیدی در جامعه شوروی از چنین راه انسانی و ملعی و با دورنمای ایجاد جامعه بی طبقه کمونیستی حل می‌شوند. جامعه‌ای که در آن "به آن نوع کاری که در آن انسان آنچه را که می‌تواند اشیاء را به انجام آن برای خودش وادار سازد، خود انجام می‌دهد، پایان داده می‌شود" (۲)

در فاصله ۶۲ سالی که از انقلاب اکتبر می‌گذرد، بر قدرت و منزلت جهانی اتحاد شوروی نیز افزوده شده‌است. در حال حاضر در اثر پیروزی بدست آمده در جنگ جهانی دوم و درهم‌کوبیده شدن فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن که اتحاد شوروی در آن نقش و سهم مهمی بر عهده داشت و به دنبال آن انقلابات دموکراتیک توده‌ای در بعضی از کشورهای اروپا، آسیا و آمریکای لاتین که با پشتیبانی بی‌دریغ اتحاد شوروی به پیروزی رسیدند، دیگر اتحاد شوروی تنها کشور سوسیالیستی در جهان نیست و سوسیالیسم به صورت یک نظام جهانی در آمده است. بخاطر این تحولات سرنوشت ساز و سایر

تغییرات مثبت در عرصه گیتی، تعادل قوای جهانی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم به نفع سوسیالیسم تغییر یافته است و بالاخره در اثر سیاست خارجی اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی که مبتنی بر حفظ صلح جهانی و حمایت از جنبش‌های رهاشی بخش ملی و جنبش‌های انقلابی کارگری در سراسر جهان است، ۲۵ سال است که از جنگ جهانی جدید جلوگیری شده و توده‌های زحمتکش در شرایط مساعدتری به مبارزه علیه امپریالیسم و برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی می‌پردازند.

تمام این پیشرفت‌های عظیم چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی نتیجه تلاش‌های قهرمانانه مردم، دولت و حزب کمونیست اتحاد شوروی است. حزب کمونیست شوروی نمتنها مردم این کشور را به پیروزی در مهم‌ترین و عظیم‌ترین انقلاب جهان هدایت کرده‌است بلکه آنها را در تکمیل ساختمان سوسیالیسم، دفاع از میهن سوسیالیستی در مقابل تهاجم نیروهای فاشیستی و ارتجاعی، کمک فعال به خیزش‌های انقلابی مردم در سراسر جهان، ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته و پی‌ریزی شالوده مادی و فنی کمونیسم رهبری کرده و می‌کند. نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنگره‌های آن که برنامه این حرکت عظیم را که در عین حال گشایشگر راه آینده تمام بشریت بسوی کمونیسم است ارائه می‌دهد و اجرای آن توسط دولت سوسیالیستی و مردم اتحاد شوروی را رهبری می‌کند، از همین جا آشکار می‌شود.

بر این اساس بدون اغراق می‌توان گفت که کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیم‌کننده گام‌های بازم بلندتری در راه ساختمان کمونیسم است. این کنگره می‌بایست نتایج اجرای برنامه پنج‌ساله دهم محبوب کنگره ۲۵ را جمع‌بندی کند و برنامه تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه شوروی را برای ۵ و ۱۰ سال آینده به تصویب برساند.

همچنانکه در طرح‌سند مربوط به "جهت اصلی تکامل اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای سالهای ۸۵ - ۱۹۸۱ و تا سال ۱۹۹۰" آمده است دهه آینده مرحله بزرگ نوینی در ایجاد شالوده مادی و فنی کمونیسم، تکامل روابط اجتماعی و پرورش انسان نوین خواهد بود.

تنها بر این پایه است که می‌توان اهمیت عظیم این گفته رفیق ل. ا. برژنف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در اجلاسیه عمومی ژوئن ۱۹۸۰ را درک کرد:

"هر کنگره دورنماهای نوینی را در مقابل حزب و کشور ما گشوده‌است. من مطمئن هستم که این اصل در مورد کنگره آینده نیز که قرار است استراتژی و تاکتیک مبارزه در مرحله آینده ساختمان کمونیسم را معین نماید، صادق است."

در آستانه‌گشایش کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی ما از صمیم قلب برای مردم، دولت و حزب کمونیست اتحاد شوروی، موفقیت‌های باز هم بیشتری را در راه ساختمان جامعه کمونیستی و پرورش انسان نوین آرزو می‌کنیم.

انقلاب...

بقیه از صفحه ۹

جویانه با هم و کمک متقابل به یکدیگر را ادامه دادند و مستحکم‌تر نمودند. به علت همین وضع آنها در واقع بطور همزمان در سال ۱۹۷۵ بر امپریالیست‌های امریکائی و دست‌نشانندگان آنها پیروز شدند.

اتحاد برادرانه سه‌خلاق هندوچین شکل فدراسیون ندارد بلکه اتحاد کشورهای مستقلی است که تکامل تاریخی، اتحادشان را ضروری ساخته و یکی از عواملی است که به مبارزه موفقیت‌آمیز آنها در راه آزاد، استقلال و ترقی اجتماعی یاری می‌رساند.

توجه شایسته به خصوصیات ویژه

● خصلت و اشکال مبارزه حزب مارکسیست - لنینیست در شرایط ویژه لائوس از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. حزب از همان موقع تشکیل مجبور بود وظیفه دشوار و ویژه اشاعه ایدئولوژی کمونیستی را در بین توده‌های کشوری که اکثریت جمعیت آن را به قول لنین "نه کارگرانی که مکتب کارخانه‌های سرمایه‌داری را از سر گذرانده باشند بلکه نمایندگان تیبیک توده‌های تحت ستم و استثمار تشکیل می‌دهند که قربانیان ستم قرون وسطائی هستند." (۳) لائوس پیشروی خود به سوی سوسیالیسم را از سطح تکامل اجتماعی و اقتصادی بسیار پائینی آغاز کرد: روابط ماقبل سرمایه‌داری در کشور غالب بودند و کشور به علت عواقب سلطه فئودالی و استثمار و برخوردهای چندین‌ساله از لحاظ اقتصادی و فنی بسیار عقب‌مانده بود. چهارمین جلسه عمومی کمیته مرکزی حزب (۱۹۷۷) وظیفه و خط مشی دوره انتقالی را "اجرای همزمان سه انقلاب: انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب در عرصه علم و فن و انقلاب در زمینه ایدئولوژی و فرهنگ" معین نمود.

در فاصله چهارسالگی که از خاتمه مرحله ملی-دموکراتیک انقلاب می‌گذرد، خلق لائوس تحت رهبری حزب انقلابی خلق لائوس با استفاده از تجربه کشورهای سوسیالیستی برادر و با تکیه بر کمک و حمایت همه‌جانبه آنها یک‌سری اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رادیکالی انجام داده‌است. تمام زمین‌های عمومی، جنگل‌ها، منابع آب و همچنین زمین‌های شهری به مالکیت خلق درآمده‌اند. بانک‌های خصوصی، شرکت‌های خارجی و دارائی‌های کمپرادورها و مرتجعین ملی شده‌اند. بخش دولتی به سرعت در حال گسترش است. روند تعاونی‌کردن کشاورزی با موفقیت به پیش می‌رود و کوشش زیادی در جهت بهبود شرایط مادی زندگی زحمتکشان، محو بیسوادی و ایجاد یک فرهنگ نوین انجام می‌گیرد. تجربه انقلاب و ساختمان بنیادهای سوسیالیسم در لائوس بیانگر خدمت با ارزشی به تئوری و پراتیک انقلابی است.

(۱) لنین. کلیات آثار ج. ۴۵ ص. ۲-۴۲۱
(۲) لنین. کلیات آثار ج. ۲۲ ص. ۶۹
(۳) لنین. کلیات آثار ج. ۳۰ ص. ۱۶۱

(۱) لنین. کلیات ج. ۲۹ ص. ۲۲۱
(۲) مارکس. گروندریسه... آلمانی ص. ۵۸۲
(۳) همانجا ص. ۲۹۲
(۴) همانجا ص. ۵۹۲

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت چهارم)

نقل و انتقال سودهای کسب شده به خارج از اقتصاد ملی و انباشت آن در داخل به وسیله انحصارات جهانی گذشته از آنکه مانع در مقابل رشد اقتصادی و جریان سرمایه انباشت شده به دیگر بخشهای اقتصاد می شود، اقتصاد وابسته را ناگزیر می سازد تا هرچه بیشتر برای تامین ارز لازم برای انتقال سود انحصارات به خارج به صدور مواد معدنی و کشاورزی روی آورد. (در مورد ایران صدور نفت خام بوده است.) و نیز بر این اساس است که انحصارات امپریالیستی گسترش تولید در این یا آن زمینه در این یا آن کشور را برنامه ریزی می کنند و به اجرا در می آورند اگر امروز در کشورهای امپریالیستی امکان گسترش صنایعی که محیط زیست را به شدت آلوده می کنند، محدود شده است انحصارات امپریالیستی برپا کردن این صنایع در کشورهای زیر سلطه را برنامه ریزی می کنند. حال این صنایع مورد نیاز کشور زیر سلطه هست یا نیست، بحثی است که در محاسبات انحصارات جهانی نمی گنجد و از این نمونه ها بسیار است. انحصارات امپریالیستی همانطور که در بالا گفتیم از طرق مختلف و با استفاده از پیوندهای گسترده صنایع وابسته با شبکه جهانی آنها، کنترل سرمایه امپریالیستی را بر صنایع وابسته اعمال می کنند. این پیوندها کانالهایی برای انتقال ارزش اضافی به انحصارات امپریالیستی را نیز فراهم می سازند. بدین ترتیب سود انحصارات امپریالیستی در فعالیت صنایع وابسته تنها به آنچه رسماً و متعارفاً به عنوان سود خوانده می شود محدود نیست. سود سهام تنها بخشی از کل ارزشی است که از این صنایع به انحصارات امپریالیستی انتقال می یابد و در مواردی حتی سود سهام نسبت به سودهای کسب شده از طرق دیگر بخش کوچکی را تشکیل می دهد. از این روست که سیاست های ملی کردن سهام انحصارات امپریالیستی در صنایع وابسته به تنهایی نمی تواند به معنای از بین رفتن قدرت کنترل سرمایه امپریالیستی بر این صنایع باشد و نیز این سیاست به تنهایی نمی تواند مانع انتقال ارزش از این صنایع به انحصارات امپریالیستی شود. انحصارات امپریالیستی علاوه بر آنچه در ابتدای کار بابت نام تجاری و تکنولوژی انحصاری خود دریافت می کنند، پرداختهای معینی را طی سالهایی که شرکت وابسته در حال فعالیت است، بابت گرایه (رانت) تکنولوژی طلب می کنند. به عبارت دیگر انحصار علاوه بر آنچه به عنوان سود کسب می کند بابت اجزای مختلف تکنولوژی که عرضه می کند مبالغی به صورت مقطوع و جاری (بر حسب مقدار تولید یا فروش شرکت وابسته) به دست می آورد. این پرداختها یکی از منابع مهم انتقال ارزش از اقتصاد وابسته به شبکه انحصارات امپریالیستی است. از سویی دیگر قراردادهای

استفاده از تکنولوژی انحصارات امپریالیستی که از اسارتبارترین جنبه های وابستگی اقتصادی است، برای شرکتهای انحصاری امپریالیستی این حق را قائل می شود که بر چگونگی پروسه تولید، عرضه کالا، رشد و گسترش واحد تولیدی نظارت داشته باشند. این خود حربه ای است که این انحصارات برای مقابله با مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک اقتصادهای زیر سلطه و شدت بخشیدن به بحران اقتصادی این جوامع به کار می گیرند تا دولتهای مستقلی را که در نتیجه این مبارزات به قدرت می رسند، تضعیف کنند.

بخش عظیم مواد، قطعات و ماشین آلات مورد نیاز صنعت وابسته انحصارات توسط شبکه جهانی انحصارات تامین می شود و این نکته (همچون نکات دیگر) صریحاً در قرارداد میان انحصارات جهانی و صنعت وابسته داخلی قید می شود که شرکت وابسته باید مواد، قطعات و ماشین آلات مورد نیاز را از انحصار شریک خود یا از منابعی که به وسیله آن تعیین می شود و به قیمت هایی که انحصار تعیین می کند، خریداری کند. این خود یکی از منابع مهم انتقال ارزش به شبکه انحصارات و یکی دیگر از مجراهای اعمال کنترل انحصارات بر صنایع وابسته است. نیاز صنایع وابسته به مواد، قطعات و ماشین آلاتی که در شبکه انحصارات امپریالیستی تولید می شود، اقتصاد وابسته را به واردات وسایل تولید از این انحصارات هرچه بیشتر وابسته می سازد. اگر در دهه های نخست قرن بیستم کشورهای وابسته خریدار و واردکننده کالاهای مصرفی ساخته شده انحصارات امپریالیستی بودند، اکنون این کشورها خریداران و واردکنندگان مواد اولیه صنعتی، قطعات منفصله و ماشین آلات برای به راه انداختن صنایع وابسته ای هستند که این انحصارات در این کشورها برپا کرده اند.

همانطور که در مقالات بعدی نشان خواهیم داد، بیش از ۷۰٪ واردات ایران در سالهای گذشته کالاهای " واسطه " و " سرمایه ای " (وسایل تولید) بوده است که بخش عظیم آن در این صنایع به کار برده می شده است. حجم عظیم این واردات خود یکی از بارزترین عوارض رشد اقتصادی وابسته در کشورهای زیر سلطه است و از نبودن رشدی هماهنگ میان بخشهای مختلف اقتصادی و پروسه تشدید وابستگی این کشورها حکایت می کند. بدیهی است ارز مورد نیاز این واردات می بایستی از راه فروش مواد اولیه کشاورزی و معدنی که انحصارات امپریالیستی خریداران آنها هستند، تامین گردد. در ایران در سالهای گذشته دیده ایم که صادرات روزافزون نفت خام ممر درآمد ارزی برای واردات این کالاها بوده است. وابستگی این صنایع به واردات مواد، قطعات و ماشین آلاتی که در شبکه جهانی انحصارات امپریالیستی تولید می شود حربه دیگری است که انحصارات امپریالیستی برای مقابله با جنبش های ضد امپریالیستی - دمکراتیک

خلقهای جهان و تضعیف دولتهایی که در نتیجه این مبارزات به قدرت می رسند، به کار می گیرد. این یکی از مهم ترین جنبه های سیاست تحریم اقتصادی وابسته توسط امپریالیسم است. این سیاستی است که امپریالیسم برای شکست دادن جنبش انقلابی مردم شیلی به کار گرفت و یکی از ضربات سنگینی بود که زمینه سقوط دولت ملی سالوادور آلنده را فراهم کرد و این سیاستی بود که امپریالیسم برای شکست دادن انقلاب کوبا به کار بست و مفتضحانه شکست خورد.

بدین ترتیب می بینیم که صنایع وابسته با پیوندهایی گسترده و عمیق به انحصارات امپریالیستی اتصال دارند و موجودیت، رشد و فعالیت آنها در تابعیت به این انحصارات و شبکه جهانی آنها است. از این روست که نمی توان انتظار داشت حتی با ملی کردن تمامی سهام انحصارات امپریالیستی در شرکتهای وابسته، این صنایع را از وابستگی رها کنید. باید تمامی پیوندهای صنایع وابسته با انحصارات امپریالیستی (قراردادهای خرید کالا، استفاده از تکنولوژی و ...) قطع گردد. از طریق همین پیوندهاست که انحصارات امپریالیستی اقتصاد کشورهای زیر سلطه را به وابستگی هرچه شدیدتر و عمیقتر کشانده اند. از طریق همین پیوندهاست که انحصارات امپریالیستی بخش عظیمی از ثمره کار کارگران و زحمتکشان جوامع زیر سلطه را تصاحب می کنند و از طریق همین پیوندهاست که امپریالیستها می کوشند با تشدید بحران اقتصادی، جنبش های انقلابی خلقهای جوامع زیر سلطه را به شکست کشانند و موقعیت سرمایه داران وابسته را در این جوامع تثبیت و تحکیم کنند. نمی توان بدون قطع کامل پیوندها میان این صنایع با انحصارات امپریالیستی پایه ای برای رشد اقتصاد ملی و زمینه ای برای فعالیت خلاق در جهت قطع وابستگی اقتصادی به امپریالیسم برداشت. سیاست مبارزه در راه قطع وابستگی، در زمینه صنایع، باید با دگرگونی اساسی در ترکیب صنایع وابسته همراه باشد. صنایع وابسته فاقد پیوندهای ارگانیک و متقابل با دیگر صنایع و با دیگر بخشهای اقتصادی کشور است. برنامه اقتصادی در جهت قطع وابستگی باید با توجه به اولویت های رشد مستقل اقتصادی در زمینه تامین تولیدات اساسی و رشد صنایع مادر و ایجاد پیوندهای ارگانیک با صنایع خود و دیگر بخشهای اقتصادی به ویژه کشاورزی تدوین گردد. علاوه بر این صنایع وابسته که بخش عمده ای از آنها صنایع مصرفی است، برای پاسخگویی به نیازهای رشد وابسته برپا شده و نه تنها در جهت رشد تولید ملی نیست بلکه تامین کننده نیازهای اساسی توده وسیع مردم زحمتکش نیز نیست. برنامه اقتصادی در جهت قطع وابستگی باید با توجه به اولویت تامین نیازهای اساسی کارگران و زحمتکشان تدوین گردد و صنایعی که از اولویت برخوردار نیستند به صنایع ضروری تبدیل گردند.

همانطور که در این مقاله و نیز در مقاله پیشین نشان دادیم، وابستگی نتیجه رابطه سلطه آمیزی است که از جانب انحصارات امپریالیستی بر اقتصادهای وابسته تحمیل می شود و این کشورها را به پذیرش نقشی در تقسیم کار جهانی می کشاند که رشد سرمایه های انحصاری کشورهای امپریالیستی و تشدید وابستگی اقتصادهای زیر

بقیه در صفحه ۲۵

گسترده باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

مصاحبه با رفیق عزیز محمد دبیر اول حزب کمونیست عراق

انقلاب ایران ضربه‌ای دردناک به امپریالیسم

منطقه اشغال شده است. در این مدت خلق کرد بر اثر سیاست تروریستی و خونین رژیم حاکم که برای نابودی شخصیت ملی خلق کرد در پیش گرفته شده است، فشار بیشتری را متحمل شده است.

حزب ما در پلنوم کمیته مرکزی در ماه اوت ۱۹۷۹ بعد از مباحثات و مسالعات دقیق، سیاست خود را در فبال این رژیم فاشیستی، ماهیت سیاست ضد مردمی آن و مخالفت آن با مصالح نیروهای ترقیخواه منطقه و جهان مشخص کرد.

باند فاشیستی حاکم با شعله‌ور کردن جنگ علیه کشور همسایه ایران و درگیر کردن ارتش و خلق عراق در ورطه هولناک آن وضعیتی فراهم کرده که خروج از آن به سلامت امکان پذیر نیست.

تنها راه نجات کشور و اجتناب خلق و ارتش عراق از دادن قربانی و تلفات بیشتر، تشدید مبارزه علیه رژیم حاکم و تحکیم فعالیت و اتحاد همه جانبه بین نیروهای تشکیل دهنده جنبه

میهنی و سایر احزاب و نیروهای میهن پرست است. به نظر ما این نیروها باید در ارتباط تنگاتنگ با توده‌های مبارز و همه عناصر میهن پرست ارتش برای تسریع در سقوط دارودسته

دیکتاتور سرکوبگر حاکم و تشکیل یک دولت ائتلافی دمکراتیک فعالیت کنند. بطوری که به عنوان وظایف فوری و اساسی به سیاست سرکوب خونین مردم توسط رژیم پایان دهد و

نیروهای عراقی از اراضی اشغال شده ایران خارج گردد. برای حل اختلافات دو کشور باید به طریق مسالمت آمیز و به نحوی که مصالح دو کشور همسایه را تامین کند، اقدام شود. حل اختلافات ایران و عراق باید به صورتی باشد که زمینه مبارزه

مشترک آنان را علیه امپریالیسم، صهیونیسم و فعالیت برای پیشرفت اجتماعی و بازگشت عراق به صف جنبش آزادیبخش میهن عربی را فراهم کند. در واقع تشدید بحران درونی رژیم حاکم و

منفرد شدن کامل آن در داخل و خارج و افزایش فشار توده‌ها در دو سطح کشوری و لشکری و ظهور دشواری‌ها و تنگناهای جدید در پایه‌های رژیم و

ارگان‌های آن به تدریج زمینه‌های لازم را برای سرنگونی این رژیم به وجود آورده است. ضعفی که در رژیم دیکتاتوری فاشیستی عراق وجود دارد تشدید شده و پایان عمر آن نزدیک شده است.

هم‌اکنون امکانات پیروزی خلق در همه زمینه‌ها گسترش و افزایش یافته است.

س: نظر شما در مورد جنگ جنایتکارانه‌ای که باند صدام به خلق ما تحمیل کرده چیست و شما چه سیاستی در برابر آن دارید؟

ج: کمیته مرکزی حزب ما در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ یعنی دو روز پس از آغاز جنگ، طی بیانیه‌ای این جنگ را که باند فاشیستی حاکم در عراق به خلق ایران و انقلابش تحمیل کرده است، محکوم کرد و از مردم عراق کلیه اقشار و طبقات و نیروهای میهن پرست خواست با تمام توانائی و امکانات خود برای پایان دادن به جنگ و خروج نیروهای عراق از خاک ایران و سرنگونی

بقیه در صفحه ۱۴

در اول فوریه، ۱۲ بهمن ماه ۵۹، بر زمینه گسترش همکاری‌های متقابل و برادری ما با نیروهای انقلابی و ترقیخواه منطقه، بین هیئت نمایندگی حزب کمونیست عراق، به ریاست رفیق عزیز محمد دبیر اول حزب و هیئت نمایندگی سازمان ما، ملاقات رفیقانه پرارزشی صورت گرفت.

در این ملاقات که بر پایه مصالح عالی انقلاب مردم ایران و مردم عراق و عمیق‌ترین احساسات و اعتقادات انترناسیونالیستی ما و حزب کمونیست عراق استوار بود، پیرامون مسائل مهم منطقه و به ویژه تحول اوضاع در جمهوری اسلامی ایران و کشور عراق، تبادل نظرهای لازم به عمل آمد.

تشدید بحران در عراق، بخصوص پس از اقدام رژیم صدام در درگیر کردن ارتش عراق علیه ایران و انقلاب مردم میهنمان، تشدید سرکوب نیروهای میهن پرست و ترقیخواه عراق توسط رژیم صدام و به کار گرفتن همه روش‌های کثیف و جنایتکارانه توسط این رژیم در سرکوب مخالفان از دستگیری، حبس و اعدام انقلابیون عراقی گرفته تا گشتن مخالفان با "سم" و اخراج هزاران نفر از خانواده‌های عراقی و از آن جمله کودکان، پسر مردان و پسر زنان بی گناه و مصادره اموال آنان در شمار مسائلی بود که مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در راس مسائل مورد گفتگو، بررسی و بحث پیرامون دشمنی رژیم فاشیستی عراق با انقلاب و خلق ایران قرار داشت. طرفین اعتقاد داشتند که جنگ جنایتکارانه کنونی از جانب رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران تحمیل شده است. جنگ جنایتکارانه تحمیلی، در این مدت خسارات و تلفات فراوانی به بار آورده است که جز به نفع امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و مرتجعین و مزدوران آن در منطقه نیست.

ارتباط رژیم عراق با امپریالیسم جهانی و رژیم‌های مرتجع و خائن منطقه و گوش رژیم صدام برای تامین و حفظ مصالح ضد خلقی امپریالیسم و رژیم‌های مرتجع نیز مورد مذاکره دو هیئت قرار گرفت.

هر دو هیئت در اطراف دیگر مسائل اساسی خلق‌های ایران و عراق به تبادل نظرهای موثر و سازنده‌ای توفیق یافتند که در مجموع نویدبخش تحکیم روابط انترناسیونالیستی ما و حزب کمونیست عراق بود.

در پایان اجلاس، هیئت نمایندگی حزب کمونیست عراق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران "اکثریت" رفیق عزیز محمد، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق "الشیوعی" در یک مصاحبه با چند تن از اعضای هیئت تحریریه "کار" شرکت کرد و به سؤالات آنان پاسخ داد. مشروح این مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

س: سرمایه‌داری دنیا، تعمیق و گسترش یافته است. به طوری که تعداد شرکت‌های سرمایه‌داری که در عراق فعالیت می‌کنند در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۳۵۱ شرکت رسیده است.

رژیم خونخوار و تروریستی حاکم با سیاست خود مصیبت‌های بزرگی در عراق به وجود آورده و به خلق عراق و خلق‌های منطقه خسارات جبران‌ناپذیری وارد کرده است. رژیم حاکم

سیاست سرکوب و ستم و خفقان شدید را در پیش گرفته و تاکنون با اعدام‌های پیاپی هزاران نفر از مخالفان رژیم اعم از کمونیست‌ها، دمکرات‌ها و میهن پرستان کرد و افراد ملی ترقیخواه و

طرفداران جنبش مذهبی و حتی افراد بعثی مخالف سیاست دارودسته صدام را از بین برده است. این رژیم به تمام روش‌های سرکوب‌گرانه و استبدادی در برابر مردم متوسل شده و از سرکوب و خفقان عمومی به عنوان وسیله‌ای برای حفظ حکومت خود استفاده می‌کند.

ادامه سیاست دشمنی شدید با خلق کرد عراق و تشدید اعمال و مظاهر شوینیستی در کردستان نیز از سیاست‌هایی است که رژیم حاکم در پیش گرفته است. رژیم حاکم بر عراق، خلق کرد را برای حق تعیین سرنوشت با اراده خود از هر وسیله‌ای محروم کرده و به سیاست وحشیانه عربی کردن منطقه کردنشین و تخلیه مناطق مرزی از ساکنان آن ادامه می‌دهد. رژیم حاکم بر عراق تاکنون

صدها میلیون دینار برای ایجاد قلعه‌ها و پادگان‌ها و پاسگاه‌های نظامی در این منطقه مصرف کرده است چنانکه گویی کردستان یک

س: نظر حزب شما راجع به رژیم صدام چیست؟ و در برابر آن چه سیاستی در پیش گرفته‌اید؟ آیا سقوط آن را نزدیک می‌بینید؟

ج: کشور ما هم اکنون در اوج یک بحران عمومی است و سیاست باند حاکم بر عراق، کشور را با خطر نابود کننده‌ای مواجه کرده است. جنگ صدام بر علیه انقلاب ایران مصیبت بزرگی است که ادامه طبیعی خط مشی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و طبقاتی این دارودسته و بینش

نژادپرستانه و شوینیستی آنان و هم‌پیمانی عراق با رژیم‌های ارتجاعی عرب و ارتباطات مشکوک آن با وابستگان امپریالیسم است. حزب ما از پیش، خطرات این سیاست و پی‌آمدهای وخیم آن را مشخص کرده است.

رژیم حاکم کنونی به خاطر مواضع خائنانه خود و افزایش دشمنی آن با کلیه سازمان‌ها و نیروهای ترقیخواه در منطقه و از جمله جنبش آزادیبخش میهن عربی به صورت هم‌پیمان سازمان‌ها و رژیم‌های ارتجاعی عرب و به ویژه عربستان سعودی و اردن در آمده است. رژیم عراق با آنان

هم‌پیمان‌های نظامی به نام "پیمان امنیت" بسته و علاوه بر همکاری و ارتباط با اسپانیا، برزیل و غیره در جهت توسعه و گسترش زمینه‌های همکاری با انحصارات نظامی فرانسه، آلمان غربی و ایتالیا گام برمی‌دارد. همه این کارها به نام تنوع دادن به منابع تامین اسلحه کشور صورت می‌گیرد در چارچوب این گرایش به غرب وابستگی اقتصادی عراق به سرمایه‌داری جهانی و بازار

مصاحبه با رفیق عزیز محمد . . .

صفحه از صفحه ۱۳

به قدرت رسیدن نمایندگان جناح جنگ افروز انحصارات بزرگ (ریگان) تهدیدات آمریکا با تمرکز نیروهای نظامی و کشتی‌های جنگی در آب‌های خلیج و شام آب‌های عربی افزایش یافته و مانورهای نظامی آمریکا نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا تصمیم دارد که با همه رژیم‌های ارتجاعی عرب و از جمله رژیم شونیستی عراق علیه انقلاب ایران همکاری کند. هدف آمریکا از برانگیختن عراق به تحمیل و شعله‌ور کردن جنگ علیه انقلاب ایران و بازداشتن آن از دنبال کردن هدف‌های اساسی ضد امپریالیستی و دفاع از استقلال میهن و منابع نفتی بود. اینها هدف‌های فوری است که با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در ارتباط می‌باشد. هدف‌های درازمدت آمریکا در منطقه از یک سو عبارت است از مباشرت در ضربه‌زدن به کشورهای جبهه پایداری و تحمیل قرارداد تسلیم طلبانه و خائنانه "کمپ‌دیوید" و وادار کردن خلق‌های منطقه به تسلیم در برابر سلطه‌طلبی‌های امپریالیسم و توطئه علیه خلق فلسطین و از طرف دیگر از سرگرفتن مسابقه تسلیحاتی است. ایجاد تشنج در اوضاع بین‌المللی و تهدید صلح جهانی و جنگ افروزی علیه کشورهای سوسیالیستی نیز از هدف‌های درازمدتی است که امپریالیسم آمریکا دنبال می‌کند. امپریالیسم می‌خواهد با جنگ افروزی و افزایش تشنجات بین‌المللی کشورهای سوسیالیستی را تضعیف و توانایی‌های آنان را فلج کند.

علاوه بر اینها امپریالیسم می‌خواهد با فعالیت‌های خود و همکاری با رژیم‌های ارتجاعی عرب و وارد کردن رژیم دیکتاتوری عراق در این فعالیت‌ها، به آنچه که نتوانسته است آن را در ۲۵ سال گذشته تحقق بخشد، دست یابد. امپریالیسم با استفاده از "جنگ صدام" به سرعت دامنه نفوذ مخفی و آمد و رفت نیروهای نظامی خود را در خلیج و سواحل آن افزایش داده است. این اقدامات اوضاع خطرناکی به وجود آورده که سرنوشت و منافع و استقلال خلق‌های منطقه و صلح جهانی را با مخاطرات زیادی مواجه کرده است.

در این شرایط و هنگامی که جنگ دشمنانه بر علیه انقلاب ایران ادامه دارد، رفیق لئونید برژنف موضع اتحاد شوروی را در این موارد اعلام کرد و گفت: باید تضمینات لازم برای همه کشورهای جبهه پایداری صلح جهانی و آزادی و استقلال کشورها برایشان مهم است، در نظر گرفته شود. اصول پنجگانه طرحی که از جانب اتحاد جماهیر شوروی اعلام شد، همه کشورهای منطقه و تمام دولت‌های معین دیگر و از جمله ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی و اروپای غربی را ملزم می‌کند که از ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه خلیج و جزایر نزدیک به آن خودداری کنند و از به‌کار بردن سلاح اتمی و یا سلاح‌های مخرب و نابود کننده دیگر در این منطقه احتراز شود. اصول پنجگانه طرح اتحاد شوروی به‌کار بردن هر نوع نیرو یا تهدید علیه کشورهای منطقه را محکوم کرده و همه کشورها را از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر برحذر داشته است. این طرح از همه کشورهای جهان می‌خواهد که به سیاست عدم تعهد کشورهای منطقه خلیج و دریای عمان و عدم انعقاد پیمان‌های نظامی و حق حاکمیت این کشورها در تعیین سرنوشت خود احترام بگذارند و از ایجاد هر نوع خطر برای انجام مبادلات بازرگانی و آزادی، رفت و آمد در راه‌های دریایی که منطقه را به نقاط دیگر جهان وصل می‌کند، ممانعت

چنانکه سیاست ضد امپریالیستی و مخالفت با توطئه‌های امپریالیسم در منطقه و رژیم‌های ارتجاعی عرب و صهیونیسم را تشدید و تعمیق بخشد، می‌تواند به نتایج بازم مهم‌تری دست یابد. هر چه زمینه همکاری و اتحاد همه نیروهای ملی سالم در انقلاب ایران و وحدت صفوف خلق بیشتر شود و تفاهم بیشتری در میان اقشار خلق به وجود آید و اختلافات درونی به شکل سالم حل شود، انقلاب ایران به پیروزی‌های مهم‌تری نائل خواهد شد. در خاتمه می‌توانم بگویم: خلق بزرگی که با کار سترگ خود از سلطه ارتجاع و امپریالیسم رهایی یافته، می‌تواند راه خود را به پیش ادامه دهد و دستاوردهای شگفت‌انگیز دیگری را به دست آورد. خلق‌های منطقه به دستاوردهای انقلاب ایران و مبارزه قهرمانانه خلق ایران در سرکوب و رسوا کردن توطئه‌های امپریالیسم و نابودی پایگاه‌های آمریکائی در ایران ارج می‌گذارند و از دستاوردهای اجتماعی اقتصادی که در خلال دو سال عمر انقلاب در زمینه‌های مختلف تحقق یافته، خرسند می‌باشند به نظر ما اگر کلیه نیروهای سالم و اقشار مختلف خلق ایران به وضوح اهمیت شکل و بسیج توده‌ها و وحدت مبارزاتی را درک کنند، می‌توانند در تعمیق ریشه‌های انقلاب ایران نقش مهم و جدی داشته باشند. وحدت عمل و مبارزه نیروهای ضد امپریالیست و مدافعین واقعی انقلاب و هدف‌های آن در اوضاع جاری برای حرکت انقلاب به سوی آینده روشنی که برای آن پیش‌بینی شده و همچنین تحقق آمال و هدف‌های عالی مردم ایران حائز اهمیت ویژه‌ای است.

س: اخیراً امپریالیسم آمریکا نیروهای خود را در خلیج فارس متمرکز و تقویت کرده است. به نظر شما هدف‌های فوری و درازمدت آمریکا در منطقه چیست؟

ج: امپریالیسم آمریکا همواره عوام‌فریبانه از بحران انرژی و دفاع از چاه‌های نفت و منابع منطقه دم می‌زند و از مدتی پیش، از طریق امضاء کنندگان قرار داد کمپ‌دیوید در سلطان‌نشین عمان، سوماتالی و مصر به تقویت مواضع خود در منطقه دست زده است. امپریالیسم همچنین به گسترش همکاری خود با رژیم‌های ارتجاعی و سرسپرده خلیج اقدام کرده است. پس از شعله‌ور کردن آتش جنگ از سوی رژیم صدام، امپریالیسم آمریکا به علت دشمنی با خلق ایران و انقلاب آن شروع به مداخله در منطقه کرده و حکومت‌های ارتجاعی منطقه هم تسهیلات و پایگاه‌های نظامی را برای ناوگان‌های آمریکایی و نیروهای ضربتی که قادر به مداخله سریع باشند در اختیار آمریکا قرار داده‌اند. هم‌اکنون هواپیماهای جاسوسی آمریکا تحت پوشش دفاع از منافع و حوزه‌های نفتی منطقه به‌طور مدام برفراز منطقه پرواز می‌کنند. همه این ظواهر و دلایل نشان می‌دهد که ماجراجویی رژیم صدام به تحمیل جنگ غافلگیرانه به ایران انقلابی که در آن واحد چند هدف را دنبال می‌کند، با سیاست استراتژیک آمریکا که از طرف "واشنگتن" دیکته می‌شد هماهنگ بود. بعد از آزادی گروگان‌ها و

رژیم دیکتاتوری که میهن و ارتش ما را با درگیر کردن در آتش این جنگ خانمانسوز در خدمت امپریالیسم و عملی شدن توطئه‌های آن قرار داده است، مبارزه کنند.

حزب ما از پیش خطرات ناشی از توسل رژیم فاشیستی به برافروختن آتش خصومت با انقلاب ایران را مشخص کرده بود. همچنین حزب ما توسل باند دیکتاتوری حاکم را در تحمیل این جنگ علنی به کشور همسایه ایران نتیجه منفرد شدن و افزایش بحران‌هایی می‌داند که از داخل دامنگیر رژیم شده و رژیم این جنگ را بهانه‌ای ساختگی برای شانه‌خالی کردن از زیر بار وظایفش در برابر قضیه فلسطین و مبارزه عربی علیه دشمن صهیونیستی قرار داده است.

فرزندان خلق و ارتش عراق می‌دانند که جای آنها در صف مبارزه با دشمن اصلی خود، صهیونیسم و امپریالیسم است و نه در مقابله و دشمنی با خلق دوست و همسایه ایران و انقلاب پیروزمند آن

"جنگ صدام" با انگیزه و احساسات توسعه‌طلبی و رهبری جویانه و به قصد به دست آوردن عظمت دروغین گذشته است که رژیم حاکم بدون در نظر گرفتن خواست مردم با عنوان دروغین مصالح عالی خلق، میهن و امت عربی به آن دست یازیده است. به نظر ما ماجراجویی دیوانه‌وار با برافروختن جنگ کنونی کار ساده‌ای بوده است. اما خروج از آن کار سختی است و با بهای گرانی تمام می‌شود. فشار و اثرات ویرانگر جنگی که باند حاکم بغداد برافروخته است قبل از همه به خود رژیم حاکم برگشته و موجب ایزوله شدن بیشتر رژیم و تشدید بحران داخلی تا حد انفجار شده است. حکام بغداد و شرکای آن باید بهای سنگینی به خاطر اقدام به این جنگ ویرانگر و جرایم خود در حق خلق عراق و خیانت‌هایشان به مصالح خلق‌های عرب بپردازند، البته بهای آن کمتر از سقوط دیکتاتور حاکم و نابودی آثار ترس‌آور آن نخواهد بود و بدیهی است که چنین سقوطی تنها و تنها کار مردم و نیروهای انقلابی مردمی، ترقیخواه و استقلال طلب عراق است.

س: نظر شما در مورد جمهوری اسلامی ایران چیست و آینده انقلاب ایران را چگونه می‌بینید؟

ج: به نظر ما انقلاب خلق ایران به پیروزی‌های بزرگی دست یافته است. انقلاب ایران حکومت ضد خلقی شاه را که نقش زاندارم منطقه و به‌ویژه خلیج را داشت سرنگون کرد و آشکارا نشان داد چنانکه خلق متحد باشد، می‌تواند خواست‌ها و هدف‌های خود را تحقق بخشد. انقلاب ایران ضربه‌ای قوی و دردناک به منافع امپریالیسم در منطقه زد و جنبش انقلابی منطقه را به‌طور جدی تقویت نمود تا آنجا که به ما مربوط است، معتقدیم که انقلاب ایران کمک بزرگی به جنبش آزادیبخش عربی و به‌ویژه جنبش آزادیبخش خلق فلسطین کرده است. انقلاب ایران از آغاز پیروزی آن، مبارزات خلق فلسطین را تأیید و از آن پشتیبانی کرده و دشمنی خود را با دشمنان خلق عرب فلسطین اعلام داشته است. ما معتقدیم انقلاب ایران با این دستاوردهایش

مصاحبه با رفیق عزیز محمد...

به عمل آید. اما شک نیست که با تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم‌های ارتجاعی و وابسته که سرنوشت آنان با امپریالیسم گره خورده است، تمامی توطئه‌های امپریالیسم و تهدیدات آن با دست‌های توده‌های خلق ما و خلق‌های منطقه درهم کوبیده می‌شود.

س: کدام جریان‌های سیاسی عراق را به‌عنوان نماینده خلق‌های عراق به رسمیت می‌شناسید؟

ج: مسئله هم‌پیمانی نیروهای میهنی از مدتها پیش در تاریخ جدید عراق مطرح بوده و به کوشش و بسیج تمام نیروها، احزاب میهنی، ملی و ترقیخواه و دمکراتیک بستگی دارد. با توجه به ماهیت وظایف میهنی و ملی و اجتماعی، تحقق آن مستلزم کوشش‌های همه‌جانبه طبقات و گروه‌های اجتماعی است که تحقق این وظایف را از تکالیف اساسی مرحله کنونی انقلاب عراق می‌دانند.

تجارب مبارزات گذشته ثابت کرده است که دستاوردهای گذشته و پیروزی‌ها همیشه زمانی تحقق یافته که وحدت و هماهنگی بین نیروها وجود داشته است. در همان حال عقب‌نشینی و شکست‌های خلق عراق همواره در غیاب این هم‌پیمانی و هماهنگی بین نیروها بوده است. به همین جهت حزب ما نیروهائی را که موفق به تشکیل جبهه میهنی شده‌اند و برای سقوط رژیم دیکتاتوری در عراق فعالیت می‌کنند، به‌عنوان نیروهای اساسی که از منافع طبقاتی - اجتماعی و ملی مردم عراق دفاع می‌کنند، می‌شناسد. این نیروها هم‌اکنون در راه تحقق هدف‌های مشترک فعالیت می‌کنند. حزب ما با همکاری هم‌پیمانان فعلی در راه تقویت جبهه میهنی و گسترش پایه‌های آن به‌نحوی که همه نیروهای انقلابی صادق را در برگیرد، فعالیت می‌کند. حزب ما می‌کوشد به‌خاطر جلوگیری از ایجاد شکاف، رفع مشکلات و حل اختلافات گذشته و تحکیم وحدت نیروهای جبهه و پشتیبانی از مبارزات همدیگر، اقدامات لازم را به‌عمل آورد. ما آرزو می‌کنیم، گام‌های مثبتی که برداشته شده، ما را یاری کند که با همکاری و هماهنگی بیشتر بین نیروها، شعار اساسی که همه نیروهای خلق و احزاب میهنی بر سر آن به‌توافق رسیده‌اند تحقق یابد. شعار اساسی ما در این مرحله سرنگونی رژیم دیکتاتوری و تشکیل یک‌حکومت میهنی ائتلافی دمکراتیک برای تمام خلق عراق است که خودمختاری حقیقی را هم برای کردستان تضمین کند.

لازم به یادآوری است که در عراق نیروهای میهن‌پرست دیگری از جمله نیروهای مذهبی هم وجود دارند که بر علیه نظام دیکتاتوری عراق مبارزه می‌کنند و تاکنون شهدائی در این راه داده‌اند. ما ضمن تقدیر و گرامی‌داشت شهدای آنان، آنها را به‌همکاری و نزدیکی با جبهه میهنی دعوت می‌کنیم. همچنین احزاب و گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که از آمال و

خواست‌های مردم دفاع می‌کنند و هنوز به جبهه نپیوسته‌اند.

س: مناسبات نیروهای جبهه میهنی عراق با سایر نیروهای سیاسی چگونه است؟ آیا امکان تشکیل یک جبهه واحد ضد امپریالیستی - ضد دیکتاتوری که تمام نیروها را در برگیرد، هم‌اکنون وجود دارد؟ چه موانعی در راه ایجاد چنین جبهه‌ای وجود دارد؟ نظر شما راجع به نیروهای اسلامی مخالف رژیم عراق چیست؟

ج: در پاسخ به سؤال قبلی اشاره کردیم که نیروهای میهنی و از جمله نیروهای مذهبی دیگری نیز وجود دارند که برای سرنگون کردن رژیم صدام در عراق مبارزه می‌کنند و تاکنون شهدائی نیز داده‌اند. اما این نیروها تاکنون به جبهه میهنی نپیوسته‌اند تا با شیوه‌های مناسب و همکاری و هماهنگی با نیروهای دیگر علیه دیکتاتوری حاکم مبارزه کرده و با سرنگونی آن خلق عراق را از لوث وجود این دیکتاتوری خلاص کنند...

یقیناً زمینه تشکیل جبهه واحدی که همه نیروهای مخالف با امپریالیسم و دیکتاتوری را در برگیرد، هم‌اکنون در عراق فراهم شده است. به‌ویژه زمانی که گفتگوی همه آنها در اطراف یک هدف مشترک باشد. اگر در اینجا دشواری‌هایی به‌وجود آید، مطمئناً همه نیروهای خلق، کلیه امکانات و توانائی‌های خود را برای حل آن و رفع مشکلات و تحقق خواست‌های حق‌طلبانه خود به‌کار خواهند گرفت. تاکید می‌کنیم که در مصلحت کلیه این نیروهاست این رژیم دیکتاتوری را که چون کابوسی بر کشور ما عراق چنگ انداخته است، سرنگون کنند و حکومتی ائتلافی و دمکراتیک را که پاسخگوی هدف‌های مبارزاتی خلق ما باشد بر روی کار آورند.

س: می‌دانید که سالهاست نیروهای پیشرو در ایران و عراق مشترکاً برای حل مسئله ملی در کردستان تلاش می‌کنند. راه‌حل‌های اساسی و عاجل حزب شما برای حل مسئله کردستان چیست

ج: به‌نظر ما مسئله کردستان مسئله خلقی است که از حقوق ملی خود محروم است و مبارزات خلق کرد برای کسب حقوق ملی در امتداد تاریخ جدیدش همواره ادامه یافته و علیرغم آنکه به این خلق خیانت‌هایی شده، اما همیشه مبارزاتی بوده‌اند که از حقوق ملی خلق کرد دفاع کرده‌اند نه سرکوب و خفقان و نه قلع و قمع. که خلق کرد در عراق و ترکیه با آن مواجه بوده است، نتوانسته و نخواهد توانست خلق کرد را از ادامه مبارزات خود برای تحقق خواست‌هایش بازدارد. تا آنجا که به حزب ما مربوط است ما همیشه حقوق مشروع خلق کرد را تأیید کرده و می‌کنیم. حزب ما در این راه به شیوه‌های مختلف مبارزه کرده و شهدای زیادی را نیز در این مبارزات داده‌ایم. به اعتقاد ما حل مشکل خلق کرد در زمان حاضر و یا در گام اول برای حل آن ابتدا

فهم ماهیت مسئله خلق کرد است. از نظر ذهنی در اینجا مسئله خلقی مطرح است که باید از حقوق حقه خود بهره‌مند باشد ولی از لحاظ عینی این مسئله به شرایط عینی موجود که خلق کرد اینجا و آنجا در آن زندگی می‌کنند، ارتباط دارد.

به‌نظر ما مسئله خلق کرد به‌طور کامل با مسئله دمکراسی در کشورهایی که خلق کرد در آن زندگی می‌کنند، ارتباط دارد. به‌همین جهت این وظیفه اکنون در برابر خلق کرد است که مبارزه خود را با مبارزات نیروهای ترقیخواه و انقلابی این کشورها پیوند زند. همچنین این حق خلق کرد است که انتظار داشته باشد جنبش‌های انقلابی این کشورها خواست خلق کرد را تأیید و از آن دفاع کند.

حزب ما هم در برنامه خود و هم در اعلامیه‌ها و منشور جبهه میهنی که حزب کمونیست یکی از اعضای آن می‌باشد، به‌شکلی ملموس از حقوق خلق کرد در عراق دفاع کرده و می‌کند و خواستار تحقق خواست‌های آنان می‌باشد.

اما نسبت به مسئله کردستان در ایران به این اعتبار که ما آن را جزئی از قضیه خلق کرد بدانیم، باید گفت: این مسئله‌ای است مربوط به ایران و به مبارزات خلق‌ها و نیروهای انقلابی ایرانی ارتباط دارد. به نظر ما لازم است در این شرایط به مسئله خلق کرد توجه شود و در چارچوب دستاوردهائی که انقلاب ایران آن را تحقق بخشیده است مسئله خلق کرد که از مسائلی است که از جانب نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی هدف‌گیری شده حل شود.

طبیعی است که ما حق خلق کرد می‌دانیم که انتظار داشته باشد که از جانب حکومت جمهوری اسلامی ایران به مسئله کردستان پایان داده شود و مشکل کردستان با تفاهم و به شکل صلح‌آمیز، دمکراتیک و با توجه به منافع خلق کرد و خلق‌های ایران حل گردد. ما به‌عنوان دوستان انقلاب ایران امیدواریم که جمهوری اسلامی ایران به‌حل مناسب و عادلانه این مسئله مبادرت ورزد و ما حاضریم همه کوشش‌های صلح‌طلبانه خود را در این راه به‌کار بندیم. حل عادلانه مسئله کردستان راه تمامی توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع را که می‌خواهند از طریق کردستان به انقلاب ایران ضربه بزنند، خواهد بست.

در پایان میل داریم به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ایران تبریکات و درودهای خود را به خلق ایران، رهبری آن و همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه تقدیم داریم و ادامه پیشرفت انقلاب ایران را برای تحقق آمال و خواست‌های خلق دوست ایران برای سرکوب همه توطئه‌های امپریالیسم به سرکردگی آمریکا آرزو مندیم. همچنین از نشریه "کار" تشکر می‌کنم و به رفقای عزیز سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت): رهبری، کادرها، اعضاء و هواداران آن درود می‌فرستم و پیروزی بیشتر آنها را در خدمت به مصالح خلق قهرمان ایران و تداوم دوستی بین خلق‌های همسایه ایران و عراق خواستارم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

از برخوردهای واقع بینانه برای حل بحران کردستان پشتیبانی کنیم

● بعد از پیام اول بهمن ماه امام خمینی سازمان ما با توجه به مضمون امیدبخش این پیام و در تعقیب سیاست پیگیر خود در قبال مسئله کردستان از نیروهای انقلابی و از جمهوری اسلامی دعوت کرد با استقبال از پیام وحدت آفرین امام در جهت حل مسئله کردستان گام برداشته و صف خلق را در برابر تجاوزات امپریالیسم جهانی و متحدان آن، و دسائیس لیبرالها مستحکم سازند. انعکاس این پیام در نگرش نیروهایی که در جهت مبارزه با امپریالیسم و در خط امام عمل می کنند تغییرات امیدبخشی در راه دستیابی به حل مسأله - آیز مسئله کردستان پدید آورد. که از جمله آن انتشار سلسله مقالاتی به نام "نگاهی به مسائل سیاسی آذربایجان غربی" در روزنامه جمهوری اسلامی است که نگرش حاکم بر آن در مجموع سمت گیری واقع بینانه ای در رابطه با مسئله کردستان دارد. و نیز روح نقادانه حاکم بر این مقالات مجموعاً ملهم از این دیدگاه امام خمینی است که:

"اگر یک چیزی را دیدید که واقعا خلاف کردید اعتراف کنید"

نویسنده مقاله در بررسی عللی که بحران کردستان را پیچیده کرده است. سیاست دولت موقت و تکیه آن بر عناصر ضدانقلابی و فتوادلها و سران "شاه - پرست" عشایر کرد را افشاء می کند و می نویسد:

رئیس ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران در زمان دولت موقت طرحی ارائه داد مبنی بر مسلح کردن فتوادلها اعم از کرد و ترک ساکن در آذربایجان غربی تا از این طریق یعنی بواسطه تکیه بر فتوادلها موفق به سرکوب خود انقلاب بشوند! ضمناً لازم به تذکر نیست که

تایید چنین طرحی با بافت فکری دولت موقت کاملاً هماهنگ و (لذا) بی هیچ اشکال اساسی با آن موافقت (نیز) شد.

این سلسله مقالات سپس به افشاء نقش فتوادلها و مورد پشتیبانی دولت موقت پرداخته و بدرستی معبودی را به عنوان سرمایه دار وابسته به ساواک مرادقاری را به عنوان ساواکی کتیفی که در کشتن اسماعیل شریفزاده سلیمان معینی و ملاآواره در سال ۱۳۴۷ دست داشته و از سازمانگران "کمیته اقدام ملی حزب رستاخیز" برای سرکوب مردم بوده افشاء می کند. نویسنده مقالات، فتوادلهایی مانند دکتر بهمن خسروی، دکتر امیر فلاح و روحانی نمایی مانند حاج میرزا ابراهیم محرر و بعضی سران ضدانقلابی ارتش مانند نجفی را که در ایجاد بلوا و آشوب در منطقه دست داشته اند افشاء می کند و در متن این افشاجاریها شخصیت محررانچنین تصویر می کند که:

"در عین حال که خود را سرسخت ترین روحانی مبارز و مجاهد در آذربایجان غربی و شرقی می داند! عمل تقسیم اراضی را یک کار کمونیستی تلقی می کند و به علت داشتن چنین بیثشی از پافشاری جهادسازندگی و سپاه پاسداران نفعه بر تقسیم اراضی فتوادلها و عقیده به دستگیری ضد انقلاب و... اینطور برداشت کرده که در شورای فرماندهی سپاه و جهاد فدائیان رخنه کرده اند و این تندرویها از سوی آنان است و سنت بر این نکته تاکید می کند که در اسلام مساوات نداریم چون مساوات عقاید کمونیستی است!"

سازمان ما در گذشته بارها و بارها نسبت به عملکرد خائنانه و ضدانقلابی عناصری که جمهوری اسلامی در کردستان به حمایت از

آنها برخاسته هشدار جدی داده است.

ما قبلاً نقش جریانات ضد انقلابی از قبیل حزب آمریکایی خلق مسلمان و عناصری چون معبودی، حسنی، قطاری و بعضی سران خائن ارتش را در تیز کردن آتش جنگ در کردستان و ایجاد فجایعی چون قارنا، قلعتان، ایندرفاش نشان داده بودیم. و اکنون ملاحظه می کنیم که روزنامه جمهوری اسلامی پس از مدتها سکوت نسبت به ماهیت عملکرد این جریانات در کردستان، بروی واقعیت چشم گشوده و قسمتی از حقایق را بیان کرده است. اگر چه هنوز بسیاری از حقایق ناگفته مانده است. از جمله نویسنده فراموش کرده است که خلق کرد خواستار تامین حقوق حقه خویش است و سیاستهای ضدانقلابی لیبرالها و برخوردهای خشن رژیم جمهوری اسلامی ایران که تاکنون سعی در نفی حقوق ملی خلق کرد داشته باعث رشد ضدانقلاب گردیده و زمینه عوامفریبی و تفرقه افکنی را فراهم نموده است. نویسنده صرفاً از فراهم بودن شرایط رشد ضدانقلاب در کردستان و آذربایجان غربی صحبت کرده و چنین وانمود می نماید که گویا در کردستان از همان ابتدا حاکمیت با ضدانقلاب طرف بوده و اشکال کار او هم در این بوده که در برخورد با ضدانقلاب از عناصر ضدانقلاب بهره گرفته است!

این مقالات در حالی که باهیت ضدانقلابی حرکت لیبرالها را در کردستان نشان می دهد از طرح خواستهای تاریخی خلق کرد و از علت توطئه لیبرالها و فتوادلها علیه خلق کرد سخنی نمی گوید و همچنین در نظر نمی گیرد که اگر سیاست جمهوری اسلامی در برخورد با مسئله کردستان

سیاستی واقع بینانه و متکی بر مطالبات حق طلبانه مردم کرد بود، و اگر بجای شبکه های ضدانقلابی محلی وابسته به جمهوری اسلامی، مردم با مسئولینی مواجه بودند که قلبشان برای انقلاب مردم می زد و به خواستهای برحق مردم کردستان که برای تحقق آن بیش از نیم قرن بهترین فرزندان خود را قربانی کرده اند به دیده احترام می نگریستند، امروز آن نیروی ناسیونالیسم کور و تنگ نظری که در خدمت ضدانقلاب قرار گرفته، فاقد اثر تخریبی کنونی می گردید و به سخن دیگر نیرویی که هم اینک در پشت سر آن قرار گرفته به پشتوانه انقلاب مبدل می شد.

سازمان ما بارها اعلام کرده که یک سیاست واقع بینانه در کردستان سیاستی است که بر ویژگی های تاریخی و ملی مردم کردستان و بر تامین حقوق ملی خلق کرد استوار باشد. نادیده گرفتن حقوق ملی مردم کردستان و یکسان پنداشتن وضع کردستان با سایر استانها ضرباتی جبران ناپذیر بر پیکر انقلاب وارد آورده است. بدین جهت سازمان ما بر تامین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران پافشاری نموده و آن را شرط لازم برای حل عادلانه مسئله کردستان می داند.

از دیگر نقاط قابل تاکید در این نوشته ها آن است که نقش شخصی چون ملاحسنی را در همسویی با ضدانقلاب و تطهیر عوامل ساواکی روشن ساخته و می نویسد:

"ملاحظه می شود که آقای حسنی علاوه بر اینکه از مراد قطاری به خاطر کشتن چریکهای ضدشاه دفاع می کند به صرف توبه می خواهد آنان را از تمامی مکتبهای گذشته شان مبرا

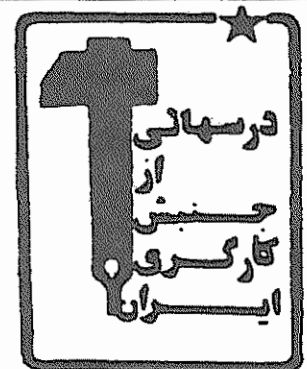
کند و همچون حُر بیندارشان حال آنکه اگر قاعده آقای حسنی را ملاک خوب و بد قرار دهیم باید آب توبه رابه دست ساواکیها بریزیم و آنان را به خاطر کشتن و شکنجه کمونیستها در رژیم پیشین مورد تحسین و احترام قرار دهیم. آیا آقای حسنی نمی اندیشد که مراد قطاری به صرف نوکرمنشاش نسبت به حکومت کفرپیشه سابق برایش مسلمان و کمونیست به مثابه دشمنان رژیم محسوب می شدند و کاری به مسلمان بودن و کمونیست بودن آنان نداشته و گذشته از آن طبق چه ضابطه های در رژیم گذشته کمونیست کشتن مجاز بوده؟ مگر نه اینکه آنهایی را که ایشان نام بردند همگی بر علیه شاه مبارزه می کردند و به همین دلیل جناب مراد قطاری کشتن آنان را وظیفه مند گردیده؟"

و در جایی دیگر باز هم راجع به ملاحسنی می نویسد با توجه به ارادت ایشان نسبت به معبودی و قطاری جای تعجب نیست که آقای معبودی مقام معاونت نظامی را در نزد آقای حسنی داشته باشد و معبودی را سرباز رشید جمهوری اسلامی بداند."

اما تاسف آور است در ضمیمه ای که بر این مقالات نوشته شده، نویسنده به یکباره دچار تناقض گویی شده و سعی می کند این اعمال ملاحسنی را ناشی از بی سیاستی و در عین حال حسن نیت ناشیانه او بداند حال آنکه به نظر ما چنین برخورد غلط و محافظه کارانه ای چیزی جز امتیاز دادن به کسی که با اعمالش، عملاً علیه مصالح انقلاب اقدام نموده، و به انقلاب مردم ایران اتفاقاً از پیشرو خنجر می زند، نمی باشد

بقیه در صفحه ۲۴

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



شورا، سندیکا و اتحادیه های کارگری

(قسمت پنجم)

● در شماره های گذشته، مفاهیم عمومی سندیکا و اتحادیه های کارگری و عملکرد آن در نظام های مختلف اجتماعی را شرح دادیم. قبل از آنکه به بررسی مشخص شکل، در جنبش کارگری ایران بپردازیم، ضروری است که مفاهیم عمومی و کلی شورا و تفاوت آن با سندیکا را نیز شرح داده و آنگاه به بررسی مشخص شورا و سندیکا در ایران بپردازیم:

شورا، در کلی ترین تعریف سازمان قدرت توده های است. سازمانی که تبلور اعمال قدرت توده های در درجه معینی از اعتلاء و گسترش مبارزه طبقاتی است. اوج گیری مبارزه طبقاتی در جامعه سرمایه داری، اشکال نوینی از اعمال قدرت توده های را به جهان عرضه داشت، که کمون پاریس نخستین تجلی آن بود و حکومت شورایی اکتبر، اولین تجربه پیروزمند آن. اساسی ترین مشخصه شورا از حیث مضمون، اتکاء به عمل مستقیم و ابتکار بلاواسطه توده هاست، که این مضمون، درهم شکستن ماشین دولتی کهن و تسخیر انقلابی قدرت را در دستور کار خود دارد به عبارت روشن تر، شورا نه تنها بطور بی واسطه، متکی به اقدام مستقیم و انقلابی توده هاست، بلکه خود نوعی عمل مستقیم است یعنی ایجاد شورا توسط توده ها، ابتکار انقلابی بلاواسطه ای است با مضمون مقابله مستقیم طبقاتی علیه طبقه و قدرت ضدانقلابی حاکمه. شورا، بیش از آنکه به قانون مقید و متکی باشد به انقلاب، متکی است، یعنی تنها به قانونی که انقلاب با خود می آورد گردن می نهد. شورا (شورای نمایندگان طبقات انقلابی) که همان پارلمان نمایندگان طبقات انقلابی است، هم خود قانونگذار است و هم نیروی مجریه آن نکته اساسی دیگر در رابطه با این شکل نوین دولتی، این است که شورا از نظر سیاسی و تاریخی، محصول درجه معینی از برآمد سیاسی و انقلابی توده هاست و برخلاف شکل های سندیکایی که از همان آغاز پیدایش طبقه کارگر، بتدریج به مثابه اتحاد صنفی - طبقاتی اولیه کارگران، بوجود می آیند و چه در شرایط اعتلاء مبارزه طبقاتی و چه در شرایط رکود آن، چه در نظام سرمایه داری و چه در سوسیالیسم، ضرورت وجودی خود را حفظ می کنند. شوراها نمی توانند در شرایط رکود مبارزه طبقاتی بوجود آیند و یا خود را حفظ کنند. شوراها بمثابة تجلی و تبلور عالیترین اشکال عمل مستقیم توده ها، به شرایط عینی معینی نیاز دارند. یعنی شرایطی که عمل مستقیم توده ها در جریان گسترش اعتلای خود، آنچنان تمرکز یابد، که منشاء قدرت جدیدی (شورای قدرت حاکمه موجود و در مقابل آن) گردد و قدرت دوگانه به امری عینی بدل شود. این قدرت نوین، از تکامل مبارزات توده های از درون اشکالی چون کمیته های اعتصاب راه اندازی دفاع از کارخانه، نظارت بر تولید و کنترل کارخانه و... در کارخانه ها و کمیته های انقلابی دیگر در ادارات، مدارس، ارتش و... فزا می رویند و موجبات آن را فراهم می کنند که قدرت توده ها (کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا) در مقابل قدرت ضدانقلابی حاکمه، صف آرای کند. یا این

مقابله تاریخی و طبقاتی به درهم شکستن قدرت کهن و تصرف کامل قدرت توسط شورا منجر می شود و یا بخاطر ضعفش (به دلائل مختلف) در مقابل دشمن نابود می شود و از مضمون انقلابی و خصلت سیاسی اش تهی شده، و به زائده ای از آن حاکمیت بدل می شود. راهی غیر از این برای شوراها متصور نیست. حفظ و تکامل شورا و یا نابودی آن تابع توازن قوای طبقات و کم و کیف سیاست پرولتاریا و سازمان رهبری کننده آن است. آنچه که به عنوان مختصات شورا گفتیم می توان در چند نکته به ترتیب زیر خلاصه کرد:

- ۱- شورا، سازمان قدرت توده های است.
- ۲- شورا مقید به انقلاب است نه به قانون (منشاء قدرت شورا، عمل مستقیم و ابتکار بلاواسطه توده های است)
- ۳- ایجاد شورا تابع درجه معینی از رشد و اعتلای مبارزه طبقاتی و برآمد انقلابی توده هاست.
- ۴- سرنوشت شورا (تحکیم و یا نابودی آن) در گروی کیفیت توازن قوای طبقات درگیر و سیاست پرولتاریاست.
- ۵- خصوصیت عمل مستقیم آنچنان است که به شورا در شرایط انقلابی، بعد توده ای وسیعی (حتی وسیع تر از سندیکا) می دهد. حال که مفهوم عمومی و تاریخی شورا را بیان کردیم، ضروری است که اجزا و پایه های آن یعنی شورای محلات و شورای واحدها را نیز مختصراً شرح داده و سپس مفهوم "شورای" کارگری یا کمیته فابریک (کارخانه) را نیز با توجه به تفاوت آنها، روشن گردانیم:

شورای محلات از اجزاء و پایه های شورای نمایندگان طبقات انقلابی است، آنچنان که شورای نمایندگان... از طریق آن، اعمال قدرت توده های نموده و پاسخگوی حوائج انقلابی توده ها می گردد. شورای محلات بنوبه خود مشتمل بر اجزاء و پایه هایی است که اهزم های اعمال قدرت شورایی در مقیاس واحدهای تولیدی و خدماتی اند.

شورای واحد (کارخانه و...) یا شورای مدیریت -

این شورا از همه کارکنان یک واحد اعم از نمایندگان کارگران، کارمندان و مدیران تشکیل می شود. شورای واحد، همان شورایی است که برای اداره و کنترل واحد تشکیل می شود (شورای مدیریت). این شوراها تابع شوراهای محلات و بالاتر از آن شورای نمایندگان طبقات انقلابی است. شورای واحد، در چارچوب سیاست های انقلابی شورای نمایندگان... و زیر نظر شورای محلات، مسئولیت اداره واحد (کارخانه و...) مربوطه را دارد.

کمیته فابریک یا شورای کارگری

این تشکل، برخلاف تشکل های فوق الذکر منحصر از اجزاء و پایه های شورای نمایندگان طبقات انقلابی نبوده بلکه جزیی از تشکل صنفی طبقاتی پرولتاریاست، یعنی کمیته ای است درون سندیکای انقلابی. ترکیب این تشکل بر خلاف شورا صرفاً کارگری بوده و مضمون آن، دفاع از

حقوق و منافع کارگران در "شورای واحد" است به عبارت دیگر کمیته فابریک یا "شورای" کارگری نماینده سندیکای انقلابی کارگران در شورای مدیریت هر واحد است. و در کنار دیگر نمایندگان عضو شورای مدیریت (نمایندگان کارمندان و مدیران) و بر اساس منافع صنفی - طبقاتی کارگران، مبارزه های هماهنگ را در راستای انقلاب به پیش می برد، مضمون این مبارزه می تواند سازماندهی و تداوم مبارزه علیه ضدانقلاب حاکم باشد (از طریق کمیته های اعتصاب، اشغال کارخانه و...) و یا (پس از انقلاب) تحکیم نظم انقلابی در کارخانه (راه اندازی کارخانه کنترل تولید و اداره کارخانه و...) کمیته فابریک یا "شورای" کارگری از نظر شکل مبارزه خصوصیتی شورایی دارد یعنی به ابتکار بلاواسطه و عمل مستقیم متکی بوده و دارای جوهر انقلابی و توده ای است. ولی باید تاکید کرد که این مبارزه علیرغم خصوصیت شورایی اش تنها بخشی از مبارزات سندیکای انقلابی محسوب می شود. به عبارت دیگر مبارزه کمیته فابریک یا "شورای" کارگری فصل مشترک دوگونه مبارزه متمایز ولی هماهنگ است. یکی مبارزه شورایی (مبارزه شورای واحد در امر کنترل تولید و اداره کارخانه و...) و دیگر مبارزه سندیکایی (مبارزه سندیکای انقلابی در دفاع از منافع صنفی - طبقاتی کارگران) ولی در تحلیل نهایی، مبارزه کمیته فابریک در چارچوب مبارزات سندیکای انقلابی مورد بحث قرار می گیرد و سیاست حاکم بر سندیکای انقلابی، مضمون وظایف آن را تعیین می کند. درک مضمون واقعی این فصل مشترک، چیزی است که نه از عهده رفرمیست ها ساخته است و نه از عهده آنارشیست ها. رفرمیست ها آن را نمی فهمند، چون به سندیکای زرد خو گرفته اند و مبارزه سندیکایی را در چارچوب مطالبات صنفی روزمره محصور می کنند و ورای مبارزه قانونی برای سندیکا وظیفه ای نمی شناسند. و بدین ترتیب مانع از آن می شوند که سندیکا با مضامین و عملکردهای انقلابی پیوند یابد. به عبارت دیگر، رفرمیست ها، سندیکالیست ها و اکونومیست ها در عمل، سندیکا و شورا را دو چیز کاملاً متفاوت و مانع الجمع می دانند. که یکی کار صنفی می کند و دیگری کار سیاسی. رهنمود آنها این است:

"کارگران مبارزه صنفی کنند و مدیران و... کار سیاسی" و آنارشیست ها نیز عاجز از درک آنند زیرا ضرورت وحدت مساعی میان سندیکا و شورا را با تاکید یکجانبه بر شورا و نفی اصولیت دفاع از منافع صنفی خدشه دار می کنند. تاکید بر این نکته ضروری است که هم شورا و هم سندیکا از اهرم های ضرور مبارزه طبقاتی پرولتاریا هستند که بدون آنها براندازی نظام سرمایه داری و برپایی نظم نوین اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود. حزب طبقه کارگر تنها با اتکاء به این تشکل ها و پراتیک انقلابی روزمره آنهاست که قادر می شود به نیرویی مادی و دوران ساز بدل شود. تنها با وجود پیوند ارگانیک میان پیشاهنگ انقلابی آگاه (حزب طبقه کارگر) و این سازمان های توده ای و طبقاتی است که می تواند در اتحاد با دیگر زحمتکشان شهر و روستا قدرت سیاسی را تصرف کند و مناسبات کهن را نابود نماید. این بحث که در این مرحله معین از روند مبارزه طبقاتی، شکل منحصر بفرد تشکل توده ای طبقه کارگر سندیکاست یا شورا، غیر علمی و انحرافی بوده و همانند آن است که بیرسیم از دوتیغه قیچی کدامیک ضروری تر است. استالین در جمع بندی اصول لنینیزم، تشکل های

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

پرستی‌های مردم خراسان از رئیس جمهور

● هواداران سازمان در خراسان با انتشار اعلامیه‌ای از رئیس جمهور خواسته‌اند که برنامه و راه‌حل‌های خود را در مورد رفع بیکاری، کمبود مایحتاج، بی‌مسکنی، بی‌زمینی و بی‌آبی، بهداشت و آموزش و فرهنگ اعلام کنند. آنها خطاب به رئیس جمهور اعلام نموده‌اند:

"... صحبت کردن از برخی مشکلات مردم کافی نیست. راه حل برطرف کردن مشکلات را نشان دهید."

سخنی چند با حاکم شرع میانه

● هواداران سازمان در میانه با انتشار اعلامیه‌ای خطاب به حاکم شرع این منطقه چنین نوشته‌اند:

"ما با احساس مسئولیتی که نسبت به انقلاب داریم، با کسانی که اقدامشان عملاً در خدمت امپریالیسم قرار می‌گیرد، سرسخن را باز می‌کنیم و در این رابطه طرف خطاب ما آقای "میرزا موسی سلیمی" است. ما از آقای میرزا موسی سلیمی سؤال می‌کنیم که شما با چه کسانی سرچنگ دارید؟ یا زحمتکشان یا غارتگران؟ کارنامه شما از هنگامی که بر صدر کار آمده‌اید نشان می‌دهد که شما با زحمتکشان می‌جنگید نه با اربابان فئودال نه با محتکرین آرد و نه با محتکرین زمین آقای سلیمی چرا با تقسیم شدن زمین‌های موات "دکتر رسولی" و امثال او بین زحمتکشان بی‌مسکن مخالفید؟ شما یک روز مدافع "حاجی یدالله" فئودال

معروف "طوق" شده و آب تطهیر بر سرش ریخته‌اید. دفاعیات شما از فئودال‌های روستاهای دیگر نیز تکرار شده است و در برابر عمل مترقی هیئت هفت نفره ایستاده‌اید. شما محتکر آرد (حاج‌اللهوردی) را آزاد کردید و حالا می‌خواهید فرشته نجات دکتر رسولی و... باشید."

مصادره ویلاهای سرمایه‌داران و زمین‌های تبدیلی به نفع انقلاب است

● هواداران سازمان در نوشهر - چالوس اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کرده و در آن از اقدامات انقلابی بنیاد مستضعفین نوشهر و چالوس که در جهت منافع هزاران کشاورز زحمتکش منطقه می‌باشد حمایت کرده‌اند. سپس اعلام داشته‌اند:

"ما به مسئولین هشدار می‌دهیم که هرگونه تعلل و مسامحه‌کاری در این امر برخلاف مصالح انقلاب و منافع توده‌های زحمتکش منطقه است و از آنان می‌خواهیم که با مصادره زمین‌های تبدیلی و ویلاهای سرمایه‌داران، آنها را در اختیار صاحبان واقعی خود، روستائیان و زحمتکشان شهر و ده قرار دهند."

اتحاد علیه امپریالیسم

● دانش‌آموزان پیشگام ایلام با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان "با افشاء لیبرال‌ها گامی به سوی اتحاد خود در برابر امپریالیسم آمریکا برداریم" چنین اعلام داشته‌اند:

"دوستان دانش‌آموز! آزادی‌ئی که لیبرال‌ها مدافع آنند، آزادی سرمایه‌داران وابسته علیه کارگران و زحمتکشان است. آنها آزادی برای مردم نمی‌خواهند، چون آزادی زحمتکشان یعنی به بند کشیدن لیبرال‌ها و سایر دشمنان خلق است. وظیفه ما دانش‌آموزان است که ماهیت سازشکار چنین کسانی را که برای دانش‌آموز ارزشی قائل نیستند، افشاء و آنها را طرد نمائیم."

بعد نظر تک تک آنها را می‌شنوم و با آنها صحبت می‌کنم.
مرگ بر آمریکا جنایتکار و صدام خائن
یا شاسین کارگر

به کدامین گناه پاکسازی شده‌ام

هیئت تحریریه روزنامه کار (اکثریت) اکنون چند ماهی است که از امر پاکسازی در آموزش و پرورش شهرستان بندرماهشهر می‌گذرد. امر پاکسازی ابتدا متوجه عناصر ساواکی و وابستگان به رژیم طاغوت اعلام شد، ولی بعدها به دلایل نامعلومی گریبان معلمان انقلابی و زحمتکش آموزش و پرورش را هم گرفت...

در این خصوص دولت و مجلس با تصویب کمیسیون اصل ۹۰ (که به صورت بخشنامه به سراسر ایران اعلام شد) کلیه پاکسازی‌های بعد از تاریخ ۵ شهریور ۵۹ غیرقانونی اعلام گردید و اضافه نمودند که اگر کسی دست به چنین کاری بزند تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت. ضمناً قیل از این بخشنامه، از طرف دولت آقای رجائی اعلام شده بود تا تصمیمات بعدی از طرف مجلس کلیه پاکسازی‌ها متوقف گردد.

با توجه به تصمیمات اعلام شده از طرف دولت و مجلس مبنی بر توقف کلیه پاکسازی‌ها، آقای

سازمان پیکار

مجری سیاست‌های لیبرال‌ها و خلق مسلمان

● عنوان اعلامیه‌ای است که شاخه آذربایجان سازمان در رابطه با حوادث اخیر آذربایجان که توسط گروهک پیکار و خلق مسلمان‌ها اتفاق افتاد منتشر کرده‌اند. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

"ما ضمن محکوم کردن حرکات ماجراجویانه "پیکار" که سودی جز برای دشمنان انقلاب در بر ندارد، به مسئولین جمهوری اسلامی هشدار می‌دهیم که نسبت دادن این حرکات ضدانقلابی به سازمان ما و عدم جلوگیری از تبلیغات مسموم عناصر غیر مسئول چیزی جز ضربه زدن به انقلاب و نیروهای انقلابی در بر نخواهد داشت."

رزم کارگر

● بیست‌وهشتمین شماره "رزم کارگر" نشریه شاخه گیلان منتشر شد. "آیا انتخاب حجت‌الاسلام احسانبخش با سابقه معلوم الحالش گرهی از مشکلات استان گیلان خواهد گشود؟" عنوان سرمقاله "رزم کارگر" این شماره است. در قسمتی از سرمقاله آمده است:

"ما از تمامی عناصر ضد امپریالیست حکومت جمهوری اسلامی و به‌ویژه نمایندگان مردم رشت می‌خواهیم تا در جهت روشن نمودن ماهیت "احسانبخش" امام جمعه رشت که تاکنون ضربات بی‌شماری به امر تداوم انقلاب وارد نموده است برای مسئولانی که در انتخاب احسانبخش نقش داشته‌اند، و به‌ویژه برای "دفتر امام" عمل نمایند.

در دیگر صفحات "رزم کارگر" این مطالب را می‌خوانیم:

"دولت جمهوری اسلامی باید با حمایت از جای‌کاران زحمتکش، تولید چای را به حد خودکفائی برساند"، "مدیران لیبرال در کارخانجات، بر علیه مردم و انقلاب به توطئه‌گری مشغولند." و "مسئول‌نابسامانی‌های کارخانجات توشیبا چه کسی است؟"

بلادیان، مدیر کل آموزش و پرورش خوزستان ضمن بی‌توجهی نسبت به دستورات دولت و مجلس در جلسه‌ای که در مورخه ۱۳ آذرماه ۵۹ در محل اداره آموزش و پرورش منطقه آغاچاری (امیدیه) به دستور خود ایشان ترتیب داده شده بود، طی دستورات شفاهی به روسای آموزش و پرورش شهرستان‌ها (که بعداً به صورت بخشنامه درآمد) خودسرانه و بدون توجه به وضعیت جنگی منطقه و موقعیت حساس کشور که در حال جنگ با رژیم ضدمردمی صدام است، اعلام کرد که معلمین اخراجی بعد از تاریخ ذکر شده (۵ شهریور ۵۹) منتظر خدمت گردند، که پس از بحث و مجادله (در محل جلسه) با رئیس آموزش و پرورش شهرستان بندرماهشهر آقای هاشمی، و اینکه این دستور خلاف قانون می‌باشد، مورد موافقت آقای هاشمی قرار نگرفت و در حال حاضر این موضوع (منتظر خدمت) از طرف آقای هاشمی رئیس آموزش و پرورش ماهشهر همچنان مسکوت گذارده شده است...

من به سهم خود اینگونه اعمال را که باعث تشمت و دودستگی در محیط آموزش و پرورش می‌گردد، محکوم نموده و آن را در خدمت امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی‌اش، لیبرال‌ها و عناصر وابسته می‌دانم.

با تشکر: معلم اخراجی - بندرماهشهر

از میان نامه‌ها

حرف‌های زحمتکشان

نامه یک زن کارگر:

گمونیست‌ها دشمن سرسخت آمریکا هستند

من نزدیک ۲۵ سال است که در حمام کار می‌کنم و دارای سه فرزند فدایی هستم خودم هم هوادار سازمان شما هستم. بچه‌هایم نشریه "کار" را برایم می‌خوانند و من هم تا آنجا که بتوانم موضع سازمان را در محل کارم برای زنها می‌گویم. به آنها می‌گویم که چه کسانی دوستان و چه کسانی دشمن ما و انقلاب هستند. موقعی که با مردم صحبت می‌کنم می‌گویم که چه کسانی الان در جبهه‌ها هستند که علیه رژیم ضد مردمی عراق مبارزه می‌کنند و به آنها می‌گویم که کمونیست‌ها دشمن سرسخت آمریکا هستند.

من نشریه "کار" را در آنجا که کار می‌کنم پخش می‌کنم و به آنها می‌گویم که برایم بخوانید

اخبار شهرستانها

سناد بسیج عشایری باید از چنگ فتوادلها آزاد شود

● بسیج عشایری کرمانشاه که تحت نظر فتوادلها و خوانین و سرکردگان ضدانقلاب در منطقه تشکیل شده در طول چند ماه گذشته هدفی جز مسلح کردن افراد وابسته به خوانین نداشته است. در سناد بسیج عشایر، خوانین سنجایی به رهبری دکتر کریم سنجایی و پسرش سعید سنجایی (که سهجانی و مشاور خارجی رئیس جمهور است) نقش عمده را دارند. در کنار اینها سایر خوانین همچون "قدرت الله خان داودی" در گیلانغرب و سید نصرالدین حیدری (رهبر مذهبی اهل حق) و سید مجید حیدری (کسی که در زمان شاه معدوم برای استاندار شدن پالیزبان امضاء جمع می کرد) و بقیه بزرگ مالکان در منطقه گوران، و نیز عناصر مزدور منطقه "بیوه نیژ" مانند حمید بازگیر، علی مرادیان و سرکردگان تیموریها و یآوریها و فتوادلهای روانسر و... به فعالیت ضدانقلابی مشغولند. اینان با مسلح کردن دارودستههای خود و سوء استفاده از امکانات بسیج به جای جنگیدن با رژیم عراق، با روستائینی که مخالف فتوادلها و خوانین هستند مبارزه می کنند. به عنوان مثال در روستاهای "ویله"، "سرتنگ" و "ناسولاب" مانع اقدامات انقلابی روستائیان شده اند.

خوانین و سران عشایر علاوه بر مسلح کردن دارودسته خود، افراد وابسته به باند پالیزبان بختیار را نیز مسلح می کنند. بطوری که در منطقه گوران، در هر روستا بطور متوسط ۳ تا ۴ نفر و در روستای "داره رش" تا ۱۵ نفر از عناصر وابسته به این باند را مسلح کرده اند. در پایگاه عمده بسیج عشایری که در منطقه "بیوه نیژ" قرار دارد در حدود ۵۰۰ نفر از افراد وابسته به ایلات قلخانی عثمانوند و سنجایی آموزش می بینند. سرپرستی این اردوگاه را ایرج سنجایی (پسر عسگر خان) به عهده دارد و افرادی که در این اردوگاه آموزش می بینند و مسلح می شوند عموماً وابسته به جریانهای ضدانقلابی هستند. تاکنون چندین بار دیده شده که این افراد با اسلحه برنو راهزنی و دزدی کرده اند.

خوانین و سران عشایر که از رئیس جمهوری حمایت می کنند، پس از تصویب طرح ادغام بسیج در سپاه پاسداران و فعال تر شدن جریانهای خط امام و نیز مخالفت زحمتکشان منطقه با اقدامات آنان، در تدارک توطئه های تازه ای هستند. بسیاری از آنان داراییها و اموال منقول و احشام خود را فروخته اند. در این رابطه عسگرخان (برادر کریم سنجایی) که به همراه سه فتوادل دیگر چندی پیش از زندان آزاد شد، خانه چند میلیون تومانی و سایر اموال و احشامش را فروخته و خانواده اش را به تهران فرستاده است. بسیاری

از فتوادلهای دیگر نیز دست به اینگونه اقدامات زده اند. آنان که از حضور سپاه و نیروهای خط امام در بسیج عشایری به وحشت افتاده اند، خود را برای پیوستن به باندهای پالیزبان - بختیار آماده می کنند. اینجاست که می بایست مسئولان سپاه و نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی، نقشه های دشمن را به موقع خنثی کنند و ضمن برکنار کردن خوانین و سران عشایر از فرماندهی بسیج، آنان و وابستگان شان را خلع سلاح نمایند. باید با اقدامات سریع و انقلابی از قدرت گرفتن فتوادلها جلوگیری به عمل آورد. سلاحهایی را که در اختیار آنان است، بازپس گرفت و در اختیار عشایر رزمنده و روستائیان زحمتکش قرار داد.

اراضی موات شهری را در اختیار زحمتکشان بدون خانه قرار دهید

● آذربایجان - اراضی موات شهری که براساس مصوبه قانونی مورخ ۲۳ مرداد ماه ۵۸ می بایست در اختیار افراد بی خانه گذاشته شود، همچنان بدون استفاده مانده و یا در تصرف زمینداران و نزولخواران قرار دارد.

کارشناسیها و یا اعمال کاریهایی که در اجرای این مصوبه قانونی صورت می گیرد، نتیجه ای جز دامن زدن به نارضایتیها و ایجاد بدبینی در میان زحمتکشان - که ستون اصلی انقلاب هستند - ندارد.

شهرک ایلخچی از توابع تبریز از جمله مناطقی است که اراضی موات آن در تصرف زمینداران است. زحمتکشان این شهرک در عریضه ای که دهها نفر آن را امضاء کرده اند برای "عمران اراضی آذربایجان شرقی" فرستاده اند. چنین نوشته اند:

"... هکتارها زمین موات که در تصرف افراد ثروتمند و زورمند است، در حال حاضر با گرانترین قیمت بطور غیر رسمی به فروش می رسد ضمناً شهرداری طبق حکم شماره ۳/۶۱۷۵-۲۴ خرداد ماه ۵۹ دادگاه انقلاب تبریز، خود را مالک زمینها می شناسد و اعلام کرده است آنها را در اختیار افراد فاقد زمین خواهد گذاشت. ولی متأسفانه تاکنون نه از طریق شهرداری و نه از طریق "عمران اراضی" حتی یک قطعه زمین در اختیار کسی قرار نگرفته است..."

اهالی شهرک ایلخچی در پایان نامه خود خواهان جلوگیری از ادامه چپاولگریهای سرمایه داران و غاصبان زمینهای موات شده و از مقامات مسئول خواسته اند هرچه زودتر اینگونه زمینها را در اختیار زحمتکشان و افراد بدون خانه قرار دهند.

توطئه های مدیر عامل لیبرال کارخانه

فرنج و مه نخ

● کارگران کارخانه فرنج و مه نخ ضمن افشای مدیر عامل لیبرال این کارخانه خواهان اخراج وی شدند. مدیر عامل لیبرال می کوشد با حمایت از مدیران ضدانقلابی، عدم همکاری با شورای کارگران، اخراج کارگران انقلابی و شکاف انداختن میان کارگران، موقعیت خود را تثبیت کند. اما کارگران یکپارچه در برابر او و عواملش

ایستاده اند و اجازه نمی دهند توطئه هایش به مرحله اجرا درآید.

حمایت کارگران شهر صنعتی البرز از سخنان وزیر کار

● کارگران شهر صنعتی البرز به همراه نهادهای انقلابی این منطقه از نمایش فیلم مردمی "از خاک تا خاک" که نمایانگر زندگی سراسر رنج کارگران کوره پزخانه ها بود و نیز سخنان انقلابی وزیر کار در پایان این فیلم تلویزیونی حمایت کردند. شوراها و کارگری و سپاه پاسداران شهر صنعتی با امضای نامه ای خواهان ادامه اینگونه فعالیت های سازنده و تحقق وعده های وزیر کار شدند. آنها در این نامه ضرورت مبارزه پیگیر علیه چپاولگران و سرمایه داران وابسته و دفاع از زحمتکشان را یادآور گردیدند.

اخبار کوتاه

● روستائیان اطراف هندیجان (خوزستان) به دلیل نداشتن تراکتور و روغن موتور، برای برداشت محصول با مشکلاتی روبرو هستند. با توجه به اینکه این منطقه پشت جبهه قرار دارد و محصولات آن می تواند مورد استفاده رزمندگان و جنگ زدگان قرار گیرد، باید به خواست آنها توجه شود.

● یکی از فتوادل های شوشتر که لباس روحانیت به تن دارد به همراه چند روحانی دیگر، جلساتی علیه دولت در خانه خود ترتیب می دهد. سپاه پاسداران پس از شناسایی و پیگیری قضیه، افراد مزبور را دستگیر و زندانی می کند. ● چندی پیش ۵۷ تن از کارگران و کمسک رانندگان شرکت واحد ارومیه از کار برکنار می شوند. این اقدام نادرست و غیرمسئولانه، در کنار اقدامات مرتجعانه دارودسته ملاحسنی، علاوه بر افزودن بر نارضایتیها و مشکلات مردم، بهترین خوراک برای ضدانقلاب است. زحمتکشان ارومیه خواهان بازگشت این کارگران بر سر کار هستند.

دولت در تبصره ۲ ماده ۳ لایحه پیشنهادی در مورد بازرسی می گوید:

" صرف اعتقاد به مکاتب غیر اسلامی و مسلک های انحرافی و غیر قانونی و عدم اعتقاد به اصل ولایت فقیه موجب عدم صلاحیت برای خدمت در آموزش و پرورش خواهد بود

ما معلمین می پرسیم:

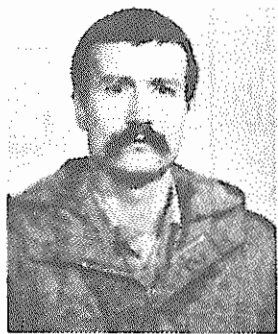
حتی اگر این "مکتب غیراسلامی" دشمن امپریالیسم و در جهت انقلاب باشد باز مردود است؟ تقسیم بندی و اخراج معلمین وفادار به انقلاب به دلائل عقیدتی در شرایطی که ضرورت انقلاب وحدت نیروهای ضدامپریالیست را می طلبد خدمت به منافع امپریالیسم و ضدانقلاب است.

جمعی از معلمین متعهد

به انقلاب (بلا تکلیف آماده به خدمت)

تهران و شهرستانها

استقلال - کار - مسکن - آزادی



از زندگی پر بار فدائی خلق، کازم صادقی بناب پیاموریم

مرگ رفیق کازم در اثر سرمازدگی در گوه "میشو"،
فقدان تالم باری برای رفیقان اوست.

و سعادت دیگران میسر نیست
کازم خصایل مشخصه یک
انسان واقعی مبارز را در عمل
و رفتار خود و طرز برخوردش
به من و سایر رفقا نشان
می داد. او در همه کارها،
اعم از کارهای شخصی و
جمعی جدی و منضبط بود.
با همه رفقا مسئولانه برخورد
می کرد و انتظار داشت رفقای
هم به نوبه خود با هر
مسئله ای برخورد جدی و

مسئولانه داشته باشند. او
در این مورد خیلی به رفقا
کمک می کرد و هیچ وقت
عصبانی نمی شد. او همیشه
سعی داشت به رفقا یاری
رساند و آنها را بالا بکشد نه
اینکه خود به سطح آنها تنزل
کند.

یکی از خصائل برجسته
کازم که در زندگی مشترک
کوتاهمان، روی من تاثیر
گذاشته بود و سایر رفقایم
نیز متوجه این تاثیر عمیق
من شده اند انضباط آگاهانه او
بود. من تا قبل از آشنایی
با کازم به مفهوم حقیقی و
واقعی انضباط پی نبرده بودم
او در عمل به من یاد داد که
معنی و مفهوم انضباط چیست
او می آموخت که بعد از
آموزش تئوری هدف های اولیه
و آموزش عملی این هدف ها
برای اینکه بتوانیم یک دستور
تشکیلاتی را به بهترین
وجهی انجام دهیم، باید
نه تنها بر هدف نهایی خود
بلکه برای علت اجرای آن
دستور، نیز آگاهی داشته
باشیم. او از ما انتظار
داشت که همواره آماده اجرای
وظایف محوله همچون خود
او باشیم و در این راه از هیچ
مشکل و مانعی نهراسیم.

خلاصه باید بگویم که
کازم انسانی بود واقعی و
مبارز فداکار و
برای من و سایر رفقایم مایه
بسی تاثیر و تاسف است. ما
سعی خواهیم کرد برای
جنبش، کازم های دیگری
باشیم جنبش برای پیروزی
به خیلی از کازم ها نیاز دارد
خیلی از کازم ها همین الان
وجود دارند و بسیاری دیگر
بوجود خواهند آمد.
قلب پرتوان رفیق کازم
ضمن یک برنامه کوهنوردی
در ارتفاعات "میشو" در
اطراف مرند بر اثر سرمازدگی
باز ایستاد ولی جان شیفته اش
با ما و در کنار ماست.
یادش گرامی باد.

با چشمان خودش می بیند.
می گفت تمامی بچه ها به
مدرسه خواهند رفت و
بهترین لباس ها را خواهند
پوشید. همه بچه ها امکان
خواهند داشت استعداد های
جسمی و روحی و فکری خود
را همه جانبه رشد دهند،
بهداشت و امکانات پزشکی به
رایگان در اختیار همه
خواهد بود و... می گفت:

" دگرگون کردن زندگی
اجتماعی تخیل نیست.
کارگران کشورهای
سوسیالیستی با گرفتن قدرت
به دست های با کفایتشان
شرایطی را پدید آورده اند که
وسیع ترین توده ها از زندگی
شاد و پر بار، امکان لذت
بردن از زیبایی های طبیعت
بهره گرفتن از علم و دانش،
موسیقی، ادبیات و فیلم و
تئاتر، پرورش ذوق و فرهنگ
انسان و بالاخره امکانات
تربیت انسان طراز نوین
برخوردارند.

رفیق کارگری که یک سال
با رفیق کازم در دل
کارگاه های رنج و کار،
مبارزه های مشترک را بر علیه
سرمایه داران و کارفرمایان،
پیش می بردند دریافت های
خود را درباره زندگی رفیق
فدایی خلق کازم صادقی
چنین بیان می کند:

" کازم رفیق من بود من
یک سال و اندی بود که با او
آشنا بودم و با او زندگی
می کردم من معنی زندگی
حقیقی و واقعی و بدور از
هرگونه تخیلات واهی را در
عمل از او یاد گرفته ام. من
و سایر رفقایم از او یاد
گرفته ایم که برای چه زندگی
می کنیم و همچنین آموخته ایم
که چگونه باید از زیبایی های
زندگی لذت ببریم، چگونه
برای ایجاد جامعه ای که
سعادت و خوشبختی توده ها
را میسر می سازد مبارزه کنیم
ما فهمیده ایم که خوشبختی و
سعادت ما بدون خوشبختی

خطرناکترین قسمت کار
مشترک را تقبل می کرد و با
تمام نیرو به انجام می رساند
برای انجام هر کار
داوطلبانه ای پیشقدم بود.
روحیه جمعی نیرومندی
داشت و رعایت منافع جمع
قانون زندگی اش بود. نیروی
زندگی در چشمان پر فروغش
می تراوید و به زندگی عشق
می ورزید. طبیعت را بسیار
دوست داشت و برای کشف
زیبایی های آن از ذوق
نیرومندی برخوردار بود.
دوست داشت طلوع و غروب
آفتاب را از بالای گوه نظاره
کند.

پستی های زندگی
جامعه سرمایه داری، استثمار
فقر و فساد، محرومیت شدید
توده ها را با پوست و گوشت
خود لمس می کرد از دیدن
همه اینها قلبش لرزید،
احساسات پر شور انسانی اش
شدیدا متاثر می شد. می گفت
زندگی توده ها ناشاد و ملالت
بار است، باید زندگی را
دگرگون ساخت، باید برای
بهر روزی زحمتکشان مبارزه کرد
خشم و کینه اش نسبت به
دشمنان خلق هر دم افزون تر
می شد و انگیزه نیرومندی
برای تداوم مبارزه
مستحکم تر و عزمش استوارتر.
می گفت:

مقدر نیست که همیشه
زحمتکشان زندگی رفت باری
داشته باشند. باید شرایطی
بوجود آورد که تامین حداقل
زندگی تمامی شیره جان
زحمتکشان را نبلعد. باید
شرایطی را فراهم آورد که
اندوختن دانش، بهره گرفتن
از پیشرفت های علمی و
فرهنگی برای همه توده های
مردم امکان پذیر گردد.
به سوسیالیسم عمیق ایمان
و اعتقاد داشت. او وقتی از
سوسیالیسم و کمونیسم
صحبت می کرد چشمان
پر فروغش برق می زد. گویی
دارد چیزهایی را می گوید که

زمان به بعد، گسترش دائمی
دامنه فعالیت انقلابی، غلبه
بر مشکلات و موانع،
بالا بردن مستمر کیفیت کار،
مسائلی بود که ذهن کازم را
همواره به خود معطوف
می داشت. زندگی اش تابع
برنامه و نظمی دقیق بود. با
افراد و محافل که آشنا
گردیده بود پیرامون مسائل
سیاسی به بحث می پرداخت
و برای سؤال همیشگی اش
"چه باید کرد؟" پاسخ
می جست.

رفیق در دوران سربازی اش
توسط ساواک دستگیر و به ۵
سال زندان محکوم گردید.
در سال ۵۳ در اوج وحشیگری
ساواک در کمیته بود. کینه و
نفرتش از رژیم و نوکرانش را
پنهان نمی ساخت و همه چیز
را مردانه تحمل می کرد.
شرایط فوق العاده غیر انسانی
و چنگال نفرت انگیز دژخیمان
را یاری آن نبود که بر روی
انسانیت بی پیرایه وی سایه
اندازد. او در غم پاهای
خون آلودش نبود و با رفتار
ساده اش از هر وسیله و امکان
ناچیزی بهره می گرفت تا
شرایط را برای دیگران قابل
تحمل تر سازد و فضای
ملاطمت بار را در هم شکند.
روحیه قوی، صمیمیت و
چهره بشاش و پیکارجویی اش
حتی در اشخاص ضعیف
روحیه مقاومت برمی انگیزت
کازم که در نگاه اول جز
صلابت و جدیت نمی توانستی
در چهره اش ببینی از عواطف
و احساسی نیرومند برخوردار
بود. چه شگوه مند است
لحظه ای که دژخیمان شاه
می خواستند او را از رفیقان
همرزمش جدا سازند و اشک
که تبلوری از عشق به توده ها
و کینه به دشمنان آنان بود
در چشمان همیشه امیدوار
کازم می درخشید.
کازم از خطر کردن
کوچکترین هراسی نداشت.
همواره سنگین ترین و

● رفیق کازم نمونه برجسته
یک کارگر آگاه کمونیست بود.
خصائل نیرومندی در طول
یک زندگی کوتاه اما سرشار از
تلاش و مبارزه سرسختانه شکل
گرفته بود. رفیق در مهرماه
۱۳۳۳ در محله دوه چی تبریز
در خانواده ای زحمتکش چشم
به جهان گشود. پدرش در
نانوایی کار می کرد و مردانه
در برابر کار طولانی
طاقت فرساختن به ابرو نمی آورد
و مادرش چون کوهی استوار
خانواده را با شایستگی راه
می برد. خصائل نیرومند
پدر و مادر زحمتکشش در
کازم موثر افتاد و کازم از
کودکی یاد گرفت که استوار
و محکم روی پاهای خود
بایستد. تا کلاس هشتم
بیشتر درس نخواند. در
سالهایی که به مدرسه
می رفت اوقات فراغتش را در
نانوایی محل کار پدرش بکار
می پرداخت و تابستان ها که
مدرسه تعطیل می شد در
کارگاه آهنگری مشغول کار
می شد. از کودکی با کار و
زحمت آشنا شد و از همان
زمان ناهنجاری های اجتماعی
بر ذهنش فشار می آورد. او
به مطالعه و آموختن علاقه
فراوانی داشت ولی فشار
زندگی او را وادار به ترک
تحصیل کرد. کازم بعد از
ترک تحصیل در اغلب
شهرهای ایران مانند تبریز،
میاندوآب، مهاباد،
آبادان، اهواز، اندیمشک
به کارهای آهنگری، مکانیکی
و تراشکاری پرداخت.
با مسائل زحمتکشان
عمیقتر و وسیعتر آشنا گردید
و در پشت ماشین تراش،
تفکراتش درباره مسائل
اجتماعی شکل گرفت. همپای
کار کردن و سفرهایش به
شهرهای مختلف اشتیاقش
به مطالعه و آموختن افزوده تر
می شد و در پایان کار طولانی
هر روز هاش با جدیت به
مطالعه می پرداخت.

رفیق در سال های ۴۹
۴۸ با کتاب های رفیق صمد
بهرنگی آشنا شد. صمد را
عمیقاً درک می کرد و تجربیات
وسیع خود را با افکار صمد
هماهنگ می دید. پس از آن
کتاب هایی از گورکی
ماکارنکو را به دقت مطالعه
کرد. همیشه با احترامی
عمیق از این نویسندگان یاد
می کرد و مطالب بسیاری از
آنها آموخته بود. از این

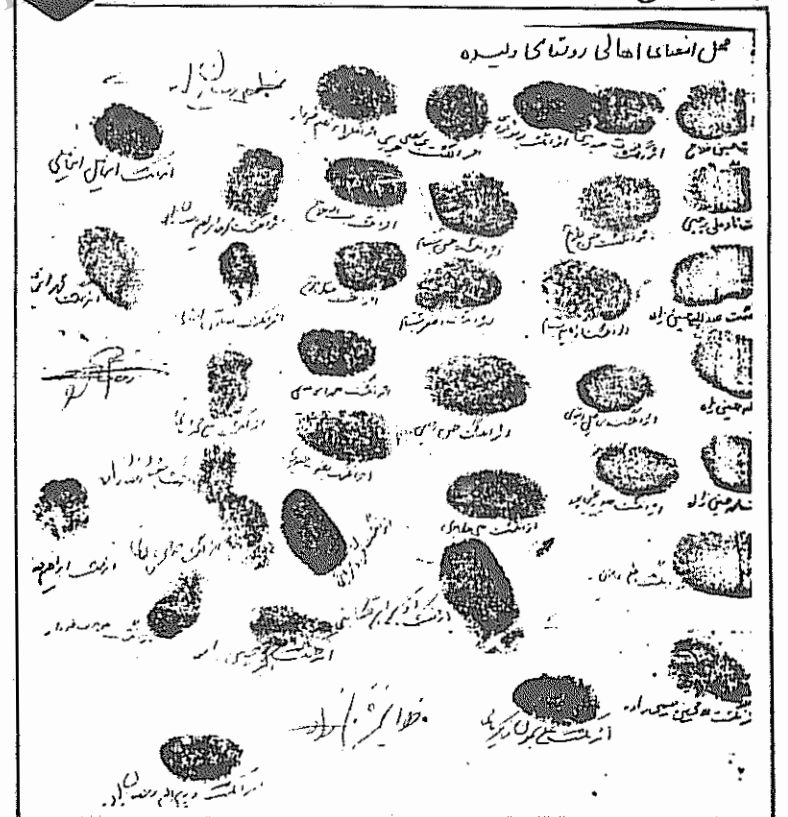
دست این مالکین غاصب را از سر مبار و ستائیان

ستم‌دیده کوتاه کنید

رونوشت به :
۱ - سپاه پاسداران
۲ - دادگاه انقلاب
بسمه تعالی :

عصانه ملت ، مجلس شورای اسلامی ایران !
ما نه طرفدار فتودال هستیم نه طرفدار سرمایه‌داران !
(امام خمینی)
تقاضا داریم تا به ما مردم مسلمان و مستضعف روستای " ولیده " از توابع شهرستان آمل در این وضعیت خطر توجه نموده تا جلوی تحقق یک جریان ضدانقلابی و ضد خلقی و ضد اسلامی را سد نمایید .
این فتودال‌ها (مهدی جباری و پسران) با یکار بستن انواع دسیسه‌ها و نیرنگ و برچسب زدن و خطر چماق کشی که چندین مرتبه

در حال رج دادن بود ماع کار می‌شوند و سعی دارند با محیط آرام این روستا را و احتمالاً منطقه را به اغتشاس و آشوب بکشید و زمینه را برای ناخوت و نار ضدانقلاب مساعد نمایند تا بدین طریق ضرباتی هم بر دهقانان این روستا و هم بر پیکر جمهوری جوان و مترقی و انقلابی و اسلامی ایران وارد نمایند .
نما داریم دست این مالک غاصب و پسران انگلش را از سر ما روستائیان ستم‌دیده کوتاه کنید .
امیدواریم تصمیم بحا و به موقع مسئولان تمام توطئه آنها را نقش بر آب سازد .
با سپاس فراوان اهالی روستای ولیده
محل امضای اهالی روستای ولیده



این مکتوبان کلاس در روستای مستم سلام به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اکثریت ارفرازی نشکره را که چون آنها بر علیه عراق جنگ می‌کنند و از خدایها در جنگ گشته می‌شوند و شما ما خدایها را که از رادر روزن به چاپ کشید من در منطقه آذربایجان زندگی می‌کنم .
هدا احسان شریکان
سائیمان به شما می‌دم

توضیح و تصحیح :
نام شهید محمد ابراهیم مفتاح در " کار " ۹۷ ویژه سالگرد انقلاب و حماسه سپاهک به عنوان شهید فدایی درج شده بود که بدین وسیله ضمن گرامیداشت خاطره او ، اعلام می‌گردد شهید مذکور جزو شهدای سازمان مانی باشد .

کمکهای مالی دریافت شده

بدون حرف اول نام	۲۵۵۲ ۱۱۱۲ ۱۵۵۵	۱۰۱۲۰ ۱۵۰۵ ۱۰۰۶ ۵۱۲۵	۲۱۱۱ ۹۸۰ ۵۰۶۰ ۵۵۳۹	۲۰۱۱۱ ۴۰۰۲۲ ۳۷۲۱ ۸۰۵۰ ۴۰۶۰	کمکهای مالی دریافت شده			لف و آ
					۴۵۴۹	۲۰۸۸۵	۲۲۷۸	
۴۰۴۱				۴۰۰۴	۲۰۸۸۵	۲۲۷۸	۵۱۶۸	
۲۱۰۲	۱		۶۱۲	۱۰۲۷۷	۱۰۲۲۲	۲۰۲۲	۳۰۱	
۳۲۱۰۵			۲۰۹۸۷	۵۰۱۱۱	۱۰۹۹۹	۱۸۵۰۰	۱۷۰۵	
۳۱۹۳	۱۰۰۶			۱۱۲۰	۱۳۰۰	۱۱۱۱	۴۵۵۴	
۲۰۲۲۲	۳۹۸۷			۵۷۲۱		۲۶۴۳	۲۰۱۷-م	
۱۲۲۲	۷۶۰۵			۱۵۳۳۲			۲۰۰۲	
۱۸۲۴	۱۳۰۵			۱۳۲۵	۱۱۲۳		۱۹۹۷	
۵۹۵۰	۳۴۲۴			۵۵۱۷	۱۲۳۴		۴۵۳۲	
	۱۵۱۱۱			۳۰۰۵	۲۲۵۰	۳۰۰۹	۵۰۰۰	
رفیق م - ۲۱۲۲ گزارشات رسید				۱۰۱۱۱	۳۰۰۳	۳۲۲۶	۱۵۶۱۱	
هوادار ۱۰۰۰ ریال				۱۲۲۰	۱۱۲۳	۵۰۱۲	۵۱۵۵	
رفیق جلال هدیه‌شما رسید				۴۴۹	۱۲۲۲	۴۰۰۰	۱۳۴۰	
آرخالیق ۲۰۰۰ ریال				۱۹۰۹	۲۲۵۰	۹۹۹۹	۶۵۰	
م - تورج ۱۰۰۰ ریال رسید				۷۰۸۶	۱۱۱۱		۱۱۱۱	
صوفیانی - ۱۲۱ - ۳۰۰۰ ریال				۲۵۰۰	۱۲۳۴		۵۰۱	
عبدالهنا ۷۲۲				۱۶۶۶	۲۲۵۰		۵۲۰۰	
۱۹ بهمن - پ - ۳۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۲۲۵۰		۱۰۱۲	
تواجه ۷۰۰				۲۳۰۰	۱۱۲۳		۵۳۲۶	
جمشید ۵۰۰				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۲۲۱۶	
یوریا ۲۰۰۰				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۶۱۵	
گروهان ۱ - ۱۲۰۰ تومان				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۲۱۰	
رفیق کارگرمواد غذایی ۲۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۴۰۰	
رفیق ۱۱۳۱ عکسها رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
راه شهیدان راه‌ماست تقدیم به				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
سازمان ۵۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۳۰۰۰۰ ریال هوادار درجه‌دار				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
منتفی خدمت ۵۶ از فوق العاده				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۳ - ۵۶ - ۵۰۰۰۰ ریال درجه‌دار				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
هوادار از جبهه کرخه				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
مسعود - ۱۹ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
دارمشتات آلمان غربی ۳۰۰۰ م رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
ع - ۹۲۲ - ک مبلغ شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
ه - ۱۴۴۵ - م مبلغ شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
پیشگام بهشت آئین کرمانشاه :				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
۱۷۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
هواداران دختر تربت جام :				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
۱۵۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
دانش آموزان پیشگام تربت جام :				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
۴۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
هواداران تربت جام ۱۰۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
رفیق مزدک هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
دختران دبیرستان شریعی ضیابار :				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
۷۳۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
دکه‌گوراب زرمیخ ۱۰۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
هواداران گبوترا بکش ۶۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
آزاده - لاهیجان ۱۰۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
هدیه هواداران ماهشهر ۵۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
رفیق ج زحمود آباد هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
رفقای زحمتکش ج - ۵۰ - ۶۵۰۰ ریال رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۲۰۰۵				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
رفقای خیاط از کرمانشاه ۲۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
رفیق مادر شاز کرمانشاه ۴۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
کارگران پیشرو معدن ۱۶۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
آلا دپوش قائم شهر ۵۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
رفیق کارگزار گلگاه ۱۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
رفیق کارگزار بابل ۱۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
لاله آباد بابل ۷۷۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
پیشگام ایراندخت ۵۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
کارگران بیکار ۲۶۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
دانش آموزان بهشهر ۵۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
دانش آموز پیشگام بهشهر :				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۲۱۵۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
پرستار قائم شهر ۲۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
یولداشلار ۳۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
ن - م هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
ا - خ رفقای انگلیس هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
رفقای هوادار در راه ۸۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
رفیق ک - ۱۲۳ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
رفیق حسن ۲۱۰ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۳ سوئد ۴۰۰۰ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
۴ سوئد ۴۰۰۰ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۵ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
۶ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۷ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
پیشگام برق آستوم ۵۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
دائی مهران ۱۰ - م هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
خ - ۱۲۵ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
بهزاد هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
سرباز وظیفه علی ۵۰۰۰ ریال رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
۳۰۰۰۰ ریال هدیه رفقای کارگر				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
بنزخاور				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
منوچهر - ج - ۵۰۰ هدیه‌شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
پیشگام رونوی ۱۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
پیشگام طالقانی ۲۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
پیشگام پیشاهنگ ۱۲۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	
ف ۴۵۴ هدیه شما رسید				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۵۲۲	
شهره ۵۰۰۰ ریال				۲۳۰۰	۱۲۳۴		۱۰۳۰۰	

اخیرا شورای عالی قضائی و هیئت دولت لوایحی تهیه و به منظور ارائه به مجلس شورا مورد تصویب قرار داده‌اند که نشانگر انجماد فکری، بی‌اعتنائی به علم و پیشرفت اندیشه بشری در حل مشکلات اجتماعی، نادیده گرفتن حقوق مردم و بی‌تفاوت بودن در رعایت ابتدائی‌ترین مبنای قانون اساسی، عدم توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص جامعه و منافع توده‌های زحمتکش و بی‌چیز است. از جمله این لوایح، لایحه قصاص است. سازمان ما قبل از انتشار رسمی و چاپ کامل این لایحه در مطبوعات، دو متن ۵۵ و ۶۹ ماده‌ای آن را در اختیار داشت لیکن برخورد با لایحه مزبور را موکول به طرح رسمی آن از طرف مقامات مسئول نمود زیرا انتظار می‌رفت که مسئولین امر خود به وضع اسف‌بار لایحه پی برده و از طرح آن خودداری نمایند. لیکن با کمال تأسف شاهد آن هستیم که با اضافاتی بر لایحه، مجموعه ۸۰ ماده‌ای جدید توسط شورای عالی قضایی و هیئت دولت تصویب و به مجلس ارائه شده است و آقای رئیس‌جمهور نیز در کارنامه همیشگی خویش در "انقلاب اسلامی" آن را تائید و عادلانه بودن قصاص را تاکید نموده‌اند.

ما از شورای عالی قضائی و هیئت دولت می‌پرسیم کدام انگیزه، شما را به تهیه چنین لایحه‌ای برانگیخته است؟ آیا نادیده گرفتن همه پیشرفت‌هایی که بشریت در زمینه شناخت جرائم، درک علل و ریشه‌های اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و طبقاتی جرم بدان دست یافته است، چیزی جز بی‌اعتبار کردن جمهوری اسلامی و آب به آسیاب دشمنان رنگارنگ آن ریختن است؟ آیا برای شما واقعا دشوار است تا درک کنید که جامعه کنونی ایران را در خیالات خود هم که شده، نمی‌توان به قهقرا برد؟ گذشته از همه اینها آیا قصدتان از تهیه این لایحه جلوگیری از جرائم قتل و ضرب و جرح است یا اشاعه چنین جراثیمی! در این لایحه ارزش انسان همپای گاو و گوسفند مورد معامله قرار گرفته است. آیا برای شما زندگی و حیات یک انسان تا بدین حد بی‌ارزش شده‌است که خیلی راحت ماده‌هایی را

برای قتل و بریدن دست و پای آنان و وضع می‌کنید؟ لایحه قصاص آقایان، جواز قانونی برای کشتار و ناقص - العضو کردن مردم، میهنمان است و تنها به کاراهم‌پاشی خانواده‌ها می‌خورد. این لایحه مایه نگرانی همه کسانی است که در راه نامین حقوق مردم ایران مبارزه می‌کنند. ما پیشاپیش نسبت به عواقب تصویب اینگونه لوایح به مسئولین امر هشدار

است (باشد. پس موضوع و مسئله یک طرف بیشتر ندارد و آن هم ولی‌دم (ورثه مقتول) در این میان چه چیزی نقش درجه اول را بازی خواهد کرد؟ مسلما پول و ثروت. اگر قاتل صاحب ثروت بود و ولی‌دم تهیدست ولی‌دم پول را بر قصاص ترجیح خواهد داد و در آن صورت قاتل صاحب ثروت از مجازات خواهد گریخت و اگر قاتل تهیدست باشد مسلما

کواهی دهند که زید مثلا قاتل فلان شخص است و دو شاهد عادل دیگری کواهی دهند که قاتل او عمرو است در این مورد هم قصاص ساقط است و هم دیه " صاحبان ثروت از مجازات خواهند گریخت؟

۲ - بر عدم تساوی بین زن و مرد استوار است. آیا گفته نشد که رژیم منفور سابق زنان را مورد ستم مضاعف قرار میداد و انقلاب

لایحه قصاص لایحه پایمال کردن حقوق مردم است

می‌دهیم. این لایحه زندگی تمام اقشار خلق را بگونه‌ای مورد تهدید و مخاطره قرار می‌دهد و اصولا ناقص - ابتدائی‌ترین حقوق مردم است. ما در این مقاله سعی کرده‌ایم به این لایحه نه از زاویه عام و حقوقی آن که با هر مقیاسی بدوی و غیر قابل توجیه است، بلکه از زاویه موقعیت اقشار تهیدست و محروم جامعه نگاه کنیم تا نشان دهیم که چگونه این لایحه برخلاف نیت و تصور تصویب‌کنندگان آن بیشترین زیان را برای تهیدستان و محرومان جامعه در بردارد. از نظر ما بر این پایه لایحه قصاص:

۱ - علیه توده‌های زحمتکش مردم و به سود ثروتمندان است. در سراسر لایحه تیره مجرمین پولدار امکان پذیر شده است. ماده ۴۵ لایحه بطور اخص می‌گوید: "قتل عمدی قصاص است لکن با رضایت ولی‌دم و قاتل به مقدار دیه یا به مبلغی کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می‌شود پس نه ولی‌دم حق دارد به تنهایی قصاص را به دیه تبدیل نماید و نه قاتل". آقایان دقت کنید کدام قاتلی است که بخواهد قصاص شود در صورتی که قادر به پرداخت دیه (منظور از دیه پول خون مقتول

پولی نخواهد داشت تا بدان وسیله (پرداخت دیه) رضایت ولی‌دم را کسب کند و بالاچار قصاص و کشته خواهد شد. در سراسر لایحه و علی‌الخصوص ماده فوق‌الذکر پول نقش بارزی را ایفا می‌کند و در مجازات یا عدم مجازات نقش تعیین کننده می‌یابد یا به عبارتی کوتاه آنکس که داشت می‌کشد و آنکس که نداشت کشته می‌شود. ماده ۲۲ لایحه می‌گوید: "هرگاه نابینایی کس را بکشد قصاص نمی‌شود...". مضمون واقعی این مواد چیست؟ آیا اجیرکردن نابینا فرض محال و بعیدی است؟ آیا صاحبان ثروت در دشمنی خویش نسبت به زحمتکشان چه در روستا و چه در شهر از این حربه و این لایحه سود نخواهند داشت؟ آیا واقعا موضوع به راحتی قابل پیش‌بینی نیست که چه خواهد شد و در آینده با چه فجایعی روبرو خواهیم بود آیا زمانی که در ماده ۳۳ لایحه گفته می‌شود: "قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود" بسیاری از جنایات لوٹ نخواهد شد و مجرمان با ارائه ۲ شاهد عادل علیه مردم بی‌پناه پرونده‌سازی خواهند کرد؟ آیا با استناد به ماده ۳۷ لایحه که می‌گوید: "هرگاه دو مرد عادل

بایستی برابری آنان را با مردان به‌آنان بازگرداند؟ آیا در مقدمه قانون اساسی نوشته نشد... زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود؟... آیا در اصل سوم قانون اساسی بندهای ۹ و ۱۴ نوشته نشده است "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی...". نامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؟ اگر انقلاب چنین خواسته است پس چه شده افرادی علیه این دستاورد لایحه تنظیم می‌کنند و می‌نویسند: "هرگاه مردی زنی را به قتل برساند ولی‌دم مخیر است بین قصاص یا پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین مطالبه دیه زن از قاتل". (ماده ۴۶)

"الف - قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود.

ب - قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود." (ماده ۳۳ لایحه)

۳ - بر تبعیض بین دارندگان

ادیان مختلف تکیه دارد. تفکیک مسلمان از غیر مسلمان که در مواد ۵ و ۶ و ۷ و ۸ لایحه صورت گرفته است و حاکی از مبهم قرار دادن قتل یک غیر مسلمان به دست مسلمان است نه پایمال کردن حقوق مردم غیر مسلمان است بلکه به وحدت عام نیروهای مردمی علیه امپریالیسم و عوامل داخلی ضربات جبران ناپذیری وارد خواهد ساخت که مسئول مستقیم آن تهیه کنندگان و تصویب کنندگان چنین لوایحی خواهند بود.

۴ - علیه خانواده و کودکان ماست. در لایحه آمده است که: "هرگاه پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود...". آیا به جنایت‌های پی‌آمده آن فکر کرده‌اند و یا به نتایج اسفبار اجتماعی و خانوادگی آن اندیشیده‌اند؟ تنظیم کنندگان این لایحه چگونه به خود جرات داده‌اند جواز قتل و کشت و کشتار صادر کنند و دست پدر و یا جد پدری را در کشتن فرزندان باز گذارند؟ در کدامین آیین و مسلک کشتن کودکان چنین با سادگی تلقی می‌شود که در ماده ۱۹ لایحه آمده است: "هرگاه بالغی نابالغی را بکشد قصاص می‌شود لیکن بهتر است اولیاء دم برای رعایت احتیاط شرعی از قصاص صرف‌نظر کنند و به دیه راضی شوند".

۵ - جامعه و حقوق عمومی مردم را نادیده می‌گیرد. گویی جامعه در لایحه قصاص هیچگونه محلی از اعراب ندارد. جنایت مانند معامله‌ای همانند معاملات بازار دو طرف دارد خریدار و فروشنده. در خرید و فروش کالا هم جامعه دخالت و کنترل دارد چه رسد به جنایت. لیکن در سراسر این لایحه صحبتی از حقوق جامعه نیست و در اینجاست که می‌بینیم ذهنیات تهیه کنندگان لایحه تا چه حد بدور از واقعیت اجتماعی است. در سراسر لایحه با اعلام رضایت ولی‌دم موضوع منتفی خواهد شد و مجرم طیب و طاهر به میان جامعه باز می‌گردد تا دیگر بار دست خویش را به جنایتی دیگر آلوده سازد و جامعه هیچگونه حقی در جلوگیری از تکرار بقیه در صفحه ۲۷

عامل افزایش قیمت چای

تجارت بزرگ هستند

★ تنها با ملی کردن تجارت خارجی می توان چای و دیگر کالاهای ضروری را با قیمتی ارزان در دسترس زحمتکشان قرار داد.

● ماه گذشته ، قیمت چای نیز مانند قیمت بسیاری از کالاهای دیگر در بازار رو به افزایش نهاد . افزایش قیمت چای واکنش تجار واردکننده و عمده فروشان بزرگ چای در مقابل اعمال برخی سیاستها از جانب دولت برای کنترل بازار چای بود . کالا را محدود کردند تا هم دولت را در اعمال کنترل بر بازار دچار مانع سازند و بدین ترتیب بر دولت فشار وارد آوردند و هم ، از سوی دیگر ، از این راه قیمت های بالاتر و سودهای بیشتری به چنگ آورند .

ما بارها بر این نکته تاکید کرده ایم که برای پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی ، برای پیشبرد سیاست بازی اقتصادی در جهت قطع وابستگی اقتصادی و برای مقابله با گرانی و بیکاری تجارت خارجی باید بطور کامل ملی اعلام گردد و صادرات و واردات کالاها انحصارا در دست دولت قرار گیرد و به دست دولت انجام شود . اکنون که گرانی قیمت چای ، همچون گرانی قیمت دیگر کالاها ، کارگران و زحمتکشان میهن ما را تحت فشار قرار داده است می توانیم ببینیم چه تاثیری ملی کردن تجارت خارجی بر تجارت چای ، قیمت آن و تولید داخلی آن خواهد داشت . موضوع چای را به عنوان نمونه ای ساده از ملی کردن تجارت خارجی و تاثیرات آن را بر اقتصاد داخلی مورد توجه قرار می دهیم .

صرف سالانه چای در ایران در حدود ۵۰ هزار تن است که ۳۰ هزار تن آن از تولید داخلی بدست می آید و بقیه از طریق واردات تامین می شود . سازمان چای کشور هر ساله محصول برگ سبز باغ های چای شمال را که محصول آنها در زمره بهترین چای های جهان است خریداری می کند . چای سبز در کارخانه های دولتی و

کارخانه های خصوصی (در مقابل پرداخت هزینه معینی) خشک می شود . توزیع این محصول در حال حاضر توسط سازمان چای و واردکنندگان چای خارجی صورت می گیرد . روال کار بدین ترتیب است که واردکنندگان چای به ازای هر کیلو چای وارداتی موظف به خرید ۱/۵ تا ۲ کیلو چای داخلی از سازمان چای هستند . این محموله ها برای آن است که از تولید چای داخلی حمایت شود . اما از آنجا که سود تجار چای از چای خارجی بیشتر از سودی است که از فروش چای داخلی بدست می آورند واردکنندگان عموماً تمایلی به خرید و فروش چای داخلی ندارند . واردکنندگان بهترین نوع چای را در هندوستان به بهای حداکثر ۲۵ تومان می خرند و حداکثر ۲۰ کیلویی ۲۰ تومان هزینه حمل و نقل و عوارض گمرکی می پردازند . این چای را واردکنندگان با چای داخلی مخلوط می کنند و به ۲ تا ۳ برابر هزینه تمام شده می فروشند . بدیهی است که در چنین تجارتی خرید و فروش چای داخلی به اصطلاح واردکنندگان " صرف نمی کند (یعنی سود آن کمتر از سود خرید و فروش چای خارجی است) .

نتیجه این می شود که پیوسته تقاضا برای چای داخلی کاهش یابد ، مزارع چای و کارخانه های چای خشک کنی داخلی ورشکسته شوند ، کارگران چایکار و کارگران کارخانه های چای خشک کنی کار خود را از دست بدهند و قیمت چای هر روز در بازار افزایش یابد . با ملی کردن تجارت خارجی این مسائل را می توان برطرف کرد ، صنعت چای را در کشور رشد داد و چای را به قیمتی ارزان در اختیار مردم میهن قرار داد . چگونه ؟ دولت باید همانطور که هم اکنون چنین می کند چای را از چایکاران به قیمت های تضمین شده

قیمت هایی که به تولید کننده اجازه و امکان آبادانی بیشتر مزارع چای و به کارگران فرصت برخورداری از زندگی بهتر را بدهد ، خریداری کند . آنرا در کارخانه های چای خشک کنی ، با استفاده از روش های پیشرفته و با دقت و توجه به حفظ کیفیت چای ، خشک کند .

دولت باید خود چای خارجی مورد نیاز را برای مخلوط کردن با چای محصول داخل از خارج خریداری کند و پس از مخلوط کردن با چای داخلی بسته بندی کرده و به بازار عرضه کند . بدیهی است چنانچه دولت خود خریدار انحصاری چای برای ایران در بازارهای خارج باشد قیمتی که انواع چای خارجی خریداری خواهد شد کمتر از آن خواهد بود که هم اکنون تجار ایرانی می پردازند .

علاوه بر آن ، از آنجا که دولت در پی کسب سود نیست قیمت چای را به ترتیبی که هم اکنون در بازار دیده می شود تعیین نخواهد کرد . و گذشته از اینها چایی که بدین ترتیب به دست هم میهنان ما می رسد علاوه بر ارزانی آن مرغوبتر نیز خواهد بود . دنبال کردن این سیاست باعث افزایش مصرف چای مرغوب داخلی و رشد صنعت چای خواهد شد دولت برای آنکه از قرار گرفتن تجارت بزرگ عمده فروش بر سر راه شبکه توزیع چای جلوگیری کند باید آن را از طریق شبکه تعاونی ها و مراکز فروش دولتی (فروشگاه های شهر و روستا ، فروشگاه های قدس و ...) توزیع کند .

بدین ترتیب هم چایکاران هم کارخانه های چای خشک کنی و کارگران آنها از این سیاست بهره خواهند برد ، و هم خرده فروشان که عرضه مورد نیاز چای مرغوب را به قیمت مناسب فراهم خواهند داشت و هم کارگران و زحمتکشان میهن با قیمتی ارزان چای مرغوب در دسترس خواهند داشت . کارگران و زحمتکشان میهن

نمایندگان هیئت های هفت نفره

۷ استان خواهان اجرای

فوری بند (ج) شدند

★ در صورت عدم اجرای فوری ، سریع و قاطع بند " ج " زیان های بزرگی به امر کشاورزی و میلیونها کشاورز زحمتکش وارد می آید .

سر نداشته باشد ، بویژه تاکید اعضاء هیئت ها بر ضرورت حل مبرم ترین مسائل زحمتکشان ده و در راس همه اجرای کامل بند " ج " اصلاحات ارضی این حمایت را فعال و فعال تر می کند . نتایج سودمند اینگونه اقدامات ، در درجه اول قبل از هر چیز نصیب میلیون ها روستایی زحمتکش می شود که صاحبان اصلی انقلاب و مدافعین راستین آن هستند . ابتکاراتی از این دست باید تداوم یابد . خصلت سراسری به خود بگیرد ، متمرکز و مستمر با سازماندهی مناسب پیش رود تا در تداوم خود موانع ساخته امپریالیسم آمریکا ، سرمایه داران لیبرال و بزرگ مالکان را از پیش پای انقلاب بردارد . لیبرالیسم و بزرگ مالکی این سرسخت ترین دشمنان انقلاب را نزد توده ها افشا کند ، طرح و توطئه های شان را برای خرابکاری در روند انقلاب افشا نماید و همگامی آنها را با امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا آشکار و آشکارتر سازد .

باید چنین کرد . در همه عرصه ها اگر چنین شود ، با اطمینان فزاینده ، مطمئن تر از هر زمان دیگر ، می توان گفت که :

انقلاب نه تنها حفظ می شود ، نه تنها به حیات خود ادامه می دهد ، بلکه به نیروی حمایت بیکران کارگران و زحمتکشان ، در راه اصلی تعمیق و گسترش ، سنگرهای استقلال ، آزادی و ترقی اجتماعی را یکی پس از دیگری از آن خود می کند .

● سمینار هیئت های هفت نفره استان های فارس ، اصفهان ، بوشهر ، هرمزگان ، چهارمحال بختیاری و سیستان و بلوچستان که در دانشگاه شیراز تشکیل شده بود ، به کار خود پایان داد . اعضای هیئت های هفت نفره پس از بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی اجرای کار هیئت ها ، هماهنگی در اجرای بند " ج " و دیگر مسائل زحمتکشان روستا با صدور قطعنامه ای به کار خود پایان دادند . در قطعنامه پایانی سمینار پشتیبانی هیئت های هفت نفره از رهبری امام خمینی و روحانیت مبارز ، مخالفت با جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام حسین و اجرای سریع بند " ج " مورد تاکید قرار گرفته است . شرکت کنندگان در سمینار اعلام کردند که در صورت عدم اجرای فوری ، سریع و قاطع بند " ج " زیان های بزرگ به امر کشاورزی و میلیون ها کشاورز زحمتکش وارد می آید . در قطعنامه سمینار همچنین ملی شدن بازرگانی خارجی کوتاه کردن دست واسطه ها ، تضمین خرید محصولات کشاورزان ، و نیز تجدید نظر در آئین نامه های مربوط به امور بانکی و ضوابط اعطای وام از دولت و مجلس جمهوری اسلامی خواسته شده است .

ابتکار انقلابی هیئت های هفت نفره در زمینه هماهنگ کردن فعالیت به منظور حل مشکلات مبتلا به روستاها و روستائیان زحمتکش کشور نمی تواند حمایت فعال و همه جانبه همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی را پشت

از دولت می خواهند هر چه زودتر تجارت خارجی را ملی کند . تعلل دولت در کار ملی کردن تجارت خارجی مانعی است در مقابل پیشرفت مبارزه ضدامپریالیستی ، در مقابل

بازسازی اقتصادی در جهت قطع وابستگی و معنا و نتیجه ای جز بازگذاشتن دست تجار انحصاری ، تشدید گرانی و تشدید بحران اقتصادی در بر ندارد .

لیبرال‌ها و انتقاد به انقلاب!

اسلامی نه برای تجهیز آن به شیوه‌های اصولی مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، نه برای آگاه کردن دولتمردان به شیوه‌های مناسب تعمیق انقلاب بلکه برعکس برای تخطئه کلیه اقدامات ضد امپریالیستی و مردمی این دولت است. انتقاد لیبرالها به دولت جمهوری اسلامی برای مشوب کردن اذهان مردم از واقعیت‌ستیز و جنگی است که خلق ما علیه امپریالیسم و متحدان آن می‌کند. در واقع لیبرالها که سالوسانه ادعا می‌کنند که مخالفتشان با نظام جمهوری اسلامی نیست بلکه تنها با این یا آن دولتمرد مخالف هستند! آنها که مزورانه خود را مدافع جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند در واقع تنها از ظاهر جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند و برای این‌کار نیز البته مجبورند! آنها فقط آن جمهوری اسلامی را می‌خواهند که دوست امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌ها باشد، مدافع فئودال‌ها باشد، در خدمت سرمایه‌داران و تجار عمده باشد و به نیروهای ضد امپریالیست اجازه ندهد تا اقدامات سازشکارانه آنان را افشاء کنند. لیبرالها به سردمداری بازرگان در عمل نشان داده‌اند که جمهوری اسلامی دلخواه آنها از چه قماش است. مردم قهرمان ما یکبار آنها را در عمل آزموده‌اند!

آزادی می‌خواهند تا از گسترش روابط جمهوری اسلامی با کشورهای دوست جنبه پایداری و کشورهای سوسیالیستی انتقاد کنند. آنها آزادی می‌خواهند تا به آزادی نیم‌بند نیروهای مرفعی و کمونیست انتقاد کنند. آنها آزادی می‌خواهند تا به عدم آزادی ضدانقلاب انتقاد کنند. آنها آزادی می‌خواهند تا به اصلاحات ارضی اجرا نمی‌شود چرا هیئت‌های هفت‌نفره فعالیت خود را آغاز نمی‌کنند، و چه کسانی باعث متوقف ماندن این بند از اصلاحات ارضی شده‌اند و چرا تجارت خارجی ملی نمی‌شود، ناشی از فراموشکاری لیبرالها نیست. لیبرالها به هیچ‌وجه انتقادی به این موارد ناپیگیری و تعلل دولت جمهوری اسلامی ندارند. آنها "آزادی‌انتقاد" را برای پیشبرد مبارزه مردم در راستای مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک نمی‌خواهند به عکس آنها آزادی می‌خواهند تا به همان اقدامات نامکفی و نارسائی که در جهت استقلال و دمکراسی انجام گرفته، انتقاد کنند. آنها آزادی می‌خواهند تا به مصادره اموال و سرمایه کله - گنده‌ها انتقاد کنند. آنها

می‌انگاشتنند و امروز با "سعه صدر" دم از لزوم "آزادی انتقاد" می‌زنند، یک امر تصادفی نیست. اینکسه "انتقاد" لیبرالها به عملکرد دولت جمهوری اسلامی حتی یکبار برای نمونه! متوجه عدم قاطعیت این دولت در مبارزه ضد امپریالیستی نشده اتفاقی نیست. اینکه مردم ما تاکنون از لیبرال‌ها شنیده‌اند که چرا بند ج اصلاحات ارضی اجرا نمی‌شود چرا هیئت‌های هفت‌نفره فعالیت خود را آغاز نمی‌کنند، و چه کسانی باعث متوقف ماندن این بند از اصلاحات ارضی شده‌اند و چرا تجارت خارجی ملی نمی‌شود، ناشی از فراموشکاری لیبرالها نیست. لیبرالها به هیچ‌وجه انتقادی به این موارد ناپیگیری و تعلل دولت جمهوری اسلامی ندارند. آنها "آزادی‌انتقاد" را برای پیشبرد مبارزه مردم در راستای مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک نمی‌خواهند به عکس آنها آزادی می‌خواهند تا به همان اقدامات نامکفی و نارسائی که در جهت استقلال و دمکراسی انجام گرفته، انتقاد کنند. آنها آزادی می‌خواهند تا به مصادره اموال و سرمایه کله - گنده‌ها انتقاد کنند. آنها

سلطه و نفوذ تجار بزرگ و محتکران زالوصفت درآید و ملی گردد، طرح طبقه بندی مشاغل با در نظر گرفتن خواسته‌های بحق کارگران به نفع این طبقه اجرا شود، آزادی فعالیت و آزادی‌های سیاسی برای نیروهای ضد امپریالیست تضمین گردد و... در مقابل این جنبه، جنبه‌های از ضدانقلابیون وابسته به امپریالیسم که سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، فئودال‌ها و تجار گردن کلفت‌ها و لیبرال‌ها را شامل می‌شود، قرار دارد نیروهای این جنبه می‌کوشند چرخ پیشرونده انقلاب را از حرکت باز ایستانند و انقلاب را به شکست بکشانند. نظم سابق را بازگردانده و بساط چپاول و غارت دیرینه خود را بگسترانند. بدین طریق درخواست پیگیرانه لیبرالها و اعوان و انصارشان برای "آزادی انتقاد" بدون در نظر گرفتن تمایلات آشکار آنها در مورد بازگشت نظم گذشته قابل فهم نخواهد بود. اینکسه لیبرالها زمانی که خود بر کرسی وزارت و دولت موقت تکیه زده بودند، هر نوع انتقاد از عملکرد خود را "چوب لای چرخ دولت"

"آزادی انتقاد" یکی از تازه‌ترین شعارهای لیبرالها است که علیه نیروهای مرفعی خط امام و بالاخص علیه دولت مطرح می‌شود. نشریات میزان و انقلاب اسلامی مدام دم از "آزادی انتقاد" می‌زنند و تکرار می‌کنند که "انتقاد از دولتمردان، انتقاد از انقلاب نیست." در نظر اول مشکل بتوان ماهیت واقعی این شعار و سر و صدای تازه را دریافت اما هر شخصی اگر این شعار تازه را که لاینقطع در نشریات و محافل لیبرالی تکرار می‌شود، بشنود باید از خود بپرسد که "مطلب نباید به این سادگی‌ها باشد!" این مطلب روشنی است که امروز جامعه پس از انقلاب ما در کشاکش ستیز بین دو جریان انقلاب و ضد انقلاب به سر می‌برد. جنبه نیروهای انقلاب در راستای اهداف اساسی انقلاب یعنی استقلال و دمکراسی در حرکت است. نیروهای مرفعی و مردمی این جنبه با تعمیق و گسترش مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و همچنین بسط اقدامات دمکراتیک به نفع اکثریت عظیم زحمتکشان بیش از پیش در راستای رسیدن به ایرانی مستقل و دمکراتیک قرار می‌گیرند. جنبه نیروهای انقلاب می‌خواهند اصلاحات ارضی دمکراتیک به سود توده‌های وسیع دهقانی انجام پذیرد تجارت خارجی ما از قید

فئودال‌ها، سران عشایر و خوانین، برخی از ایادی رژیم سابق که چهره عوض کرده‌اند، سرمایه‌داران قاچاقچی، مولوی‌ها و مزدوران افغانی که هم‌اکنون توطئه‌های جدیدی را در بلوچستان، کرمانشاهان، نارس و... تدارک می‌بینند و می‌خواهند با همان سلاح‌هایی که از جمهوری اسلامی تحویل گرفته‌اند تا علیه آن اقدام کنند، منجر گردد. ما معتقدیم که مسئله کردستان هنگامی به صورت اصولی حل خواهد شد که حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی و پیام ۲۶ آبان ماه امام خمینی مورد تأیید قرار گیرد و دولت در جهت تأمین حقوق حقه مردم کردستان مجادله گام بردارد.

و دشمنان انقلاب نتیجه دیگری در بر ندارد و مخدوش کردن مشی اصولی سازمان ما در کردستان تنها به سود ضدانقلاب است. ما ضمن پشتیبانی از مواضع واقع‌بینانه روزنامه جمهوری اسلامی ایران در افشای اعمال ضدانقلابی دولت موقت و ضدانقلابیونی که خود را تحت پوشش جمهوری اسلامی ایران در کردستان پنهان ساخته‌اند، امیدواریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران هر روز بهتر درک نمایند که مشکل کردستان تنها به افشای ضد انقلاب محدود نمی‌شود. ما امیدواریم این جوانه‌های یک نگرش واقع - بینانه نسبت به مسئله کردستان بارور شود و ثمر دهد و نیز محدود به کردستان نگردد و به تجدید نظر جدی‌تر در سیاست کنونی تسلیح ضدانقلابی

که با کمال تاسف و تعجب از برنامه "در کردستان چه می‌گذرد" چهره کریه کسی را دیدیم که به علت وابستگی به رژیم گذشته از کارخانه تصفیه شده و اکنون در راس یک نهاد انقلابی قرار دارد. به نظر ما جمهوری اسلامی باید برای تصفیه عناصر وابسته و نابودی تشکل‌های ضدانقلابی که در نهادهای حکومتی نفوذ کرده‌اند تصمیمات جدی‌تری اتخاذ نماید. در همین برنامه تلویزیونی سرهنگ شیرازی در توضیح موضع انقلابی و صلح‌طلبانه سازمان کردستان عنوان نمود که فدائیان در کردستان جا زده‌اند! چنین سخنانی غیرمسئولانه و تفرقه‌افکنانه از جانب مسئولین جمهوری اسلامی در کردستان جز مخدوش نمودن صف دوستان

بقیه از صفحه ۱۶

از برخورد های ...

مناطق کردنشین نفوذ کرده و مشغول خرابکاری هستند، منجمله در برنامه تلویزیونی "در کردستان چه می‌گذرد" با شخصی به نام "ابوالحسن صادقی" مسئول بنیاد شهید در کردستان مصاحبه‌ای انجام شد که این شخص قبلاً از کارخانه داروپخش تصفیه گردیده بود و با ظاهر شدنش در تلویزیون انجمن اسلامی کارکنان کارخانه داروپخش و اهالی وردآورد و قلعه حسن‌خان "شرکت قدی" در عریضه‌ای که به عنوان دادستانی کل انقلاب تهیه می‌کنند درباره او می‌نویسند

امال ملاحسنی‌ها بیش از هر کس دیگری دشمنان انقلاب ایران را خشنود می‌سازد، زیرا بسیاری از ضدانقلابیون این مسئله را بخوبی دریافته‌اند که اگر بتوانند به نحوی خود را وابسته به جمهوری اسلامی جلوه داده و اعمال جنایتکارانه خود را ناشی از سیاست‌های جمهوری اسلامی جا بزنند قادر خواهند بود بیشترین ضربه‌ها را بر پیکر جمهوری اسلامی وارد آورند. متأسفانه تعداد این چنین افرادی کم نیست و بسیاری از آنان هم اکنون در نهادهای انقلابی در

بقیه از صفحه ۱۷

شورا، سندیکا و اتحادیه‌های...

اتحادیه‌ای و سازمان‌های قدرت شورایی را مکتوماً به مثابه "تسمه‌ها و اهرم‌هایی" می‌داند که بدون وجود هر یک از آنها، نیروی هدایت‌کننده و سازمانگر حزب، در مبارزه‌اش برای غلبه بر "سرمایه متشکل و مسلح" ارتشی بی‌سلاح خواهد بود. واز تعمیق و تکامل مبارزه طبقاتی و تربیت سیاسی و سازمانی پرولتاریا باز خواهد ماند. این سازمان‌ها برای پرولتاریا به آن سبب مورد لزومند که پرولتاریا در مبارزه خود به منظور واژگون کردن بورژوازی، در مبارزه برای تحکیم حکومت خویش، در مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم، بدون آنها قطعاً شکست خواهد خورد.

(استالین، مسائل لنینیسم)

آنچه را که در مورد خصوصیت شورایی کمیته‌های فابریک گفتیم برپایه شرایط عینی شکل‌گیری شورا استوار است یعنی شکل‌گیری کمیته‌های فابریک، نیز همانند شورا، محصول درجه معینی از گسترش مبارزه طبقاتی و برآمد انقلابی جنبش توده‌ای است ولی مبارزه سندیکایی تنها در محدوده مقاطع انقلابی جریان نداشته و حتی در مقاطع رکود جنبش کارگری نیز می‌تواند در چارچوب مبارزات صنفی - طبقاتی روزمره، کم و بیش اتحاد و تشکل مبارزاتی کارگران را حفظ نماید، از این رو اهمیت تدارکاتی عظیمی را در بسیج و حفظ نیرو و تداوم سنت‌های مبارزاتی متشکل دارا است. و بیورش‌های سرنوشت‌ساز آتی، چیزی جز ادامه و تکامل منطقی این اشکال ابتدایی و مستمر مبارزه نیست. در این رابطه است که آموزگاران پرولتاریا مبارزه سندیکایی را "مکتب کمونیسم" نام نهاده‌اند. درک این نکته در تبیین علل ضعف آگاهی و تشکل پرولتاریای ایران، حائز اهمیت اساسی است. وقتی که مبارزات ضداستبدادی و ضدامپریالیستی توده‌های مردم ما اوج می‌گیرد وقتی که کارخانه‌ها و کارگاه‌ها عرصه اعتصابات همگانی می‌شوند و کمیته‌های اعتصاب به مثابه نطفه‌های شورا و تبلور برآمد انقلابی توده‌ها شکل می‌گیرند می‌بینیم که چگونه علیرغم غنای مبارزاتی عظیمی که در این برآمد انقلابی وجود دارد، فقدان آموزش‌های مبارزاتی متشکل ضعف سنن مبارزات سندیکایی، و فقدان یک رهبری انقلابی پرولتری که خود محصول علل عینی و ذهنی متعددی است، جنبش کارگری ما را به سردرگمی و اغتشاش می‌کشانند. و موجب می‌شود تا کمیته‌های اعتصاب و شوراها نتوانند پایه‌های سندیکاهای انقلابی را بر ویرانه‌های سندیکاهای سیاه آریامهری استوار نمایند. چنانکه روند شکل‌گیری شوراها و کمیته‌ها در اینجا تاکنون نه با نفی سندیکاهای زرد بلکه با نفی اصولیت سندیکا، طی شده است. سندیکا، "طاغوتی" قلمداد شده و موقتاً به همان سرنوشت "طاغوت" دچار می‌آید. حاصل ۱۵۰ سال تجربه مبارزاتی، تجربه اتحاد و تشکل طبقاتی کارگران جهان مورد بی‌مهری جنبش کارگری ایران و رهبران جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. لنین در یکی از آثارش ضرب‌المثلی روسی را نقل می‌کند که معنا و مفهومش مصداق خوبی

برای سندیکا و "طاغوت" ماست. داستان از این قرار است که: "مادری بچه‌اش را در طشت آب می‌شوید و تمیزش می‌کند و بعد همراه آب گتیف طشت، بچه‌اش را نیز غفلتاً دور می‌اندازد! آری، جنبش کارگری ما نیز با سندیکا چنین کرد. در کشورهایی که در آنها جنبش کارگری از پشتوانه سنن مبارزه اتحادیه‌ای برخوردار است روند عمومی شکل‌گیری تشکل‌های انقلابی از قبیل شورا و سندیکای انقلابی از این قرار است که: سندیکاهای (عموماً سندیکاهای زرد) در جریان اعتلای مبارزات انقلابی توده‌ای بتدریج وظایفی فراتر از وظایف صنفی و قانونی روزمره‌شان را پیش پای خود می‌یابند و تعمیق روند مبارزه. وظایف آنها را متدرجاً از مبارزه‌های قانونی به مبارزه‌های انقلابی سوق می‌دهد و اعتصابات و اشکال حادث‌تر مبارزه کارگری در دستور کار سندیکا قرار می‌گیرد آنچنانکه سندیکاهای ناگزیر می‌شوند برای سازماندهی وظایف نوین‌شان تشکل‌هایی (کمیته‌هایی) با وظایف انقلابی نوین در درون خود بوجود آورند، و همروند با گسترش مبارزات انقلابی به سندیکاهای انقلابی ارتقاء یابند. بدین ترتیب از یک طرف سندیکاهای انقلابی دست به ایجاد کمیته‌های فابریک (شوراهای کارگری) می‌زنند و از طرف دیگر ممکن است ابتدا کمیته‌ها در دل سندیکاهای زرد بوجود آیند و با اعمال نفوذ انقلابی‌شان سندیکای انقلابی را (پس از انحلال سندیکای زرد) بوجود آورند. در هر صورت این دو اصولاً می‌توانند وظایف متقابل نسبت به هم داشته باشند. و رابطه‌ای مکمل و ضرور که متکی بروحدرت درونی آنهاست با یکدیگر دارند. سندیکای انقلابی بدین ترتیب از طریق کمیته‌های (شورای کارگری) در شورای واحد (شورای مدیریت کارخانه) شرکت می‌نماید. ولی در ایران به دلایلی که مختصراً برشمردیم در جریان انقلاب. از درون کمیته‌های اعتصاب، شوراهای واحد (بیشتر شورای کارکنان و مدیریت و نه "شورا" یا کمیته فابریک) بوجود آمد. که این شورا در غالب موارد هویت متناقض خود را (هم بجای تشکل مستقل کارگری و هم بجای شورای مدیریت) بتدریج حفظ کرد. یعنی هم سندیکا بود و هم شورای مدیریت. از این رو مضمون وظایف سندیکا و شورا بطور عینی در یکدیگر تداخل نمود و اغتشاش در مرزبندی میان تشکل‌ها بالا گرفت که ما در شماره آینده کم و کیف تاثیرات این اغتشاش و آشفتگی در جنبش کارگری ایران را در چارچوب بررسی انتقادی و موضع‌گیری‌های گروه‌های مختلف در قبال تشکل‌های کارگری مورد بحث قرار خواهیم داد.

بقیه از صفحه ۱۲

چگونه...

سلطه را به همراه دارد. آنان که می‌کشند وابستگی را از مفهوم امپریالیسم جدا کنند، علیرغم هرگونه ادعائی که داشته باشند، توجیه - کنندگان امپریالیسم هستند. انیان که وابستگی را صرفاً در وجود رابطه با "خارج" قلمداد می‌کنند آنگاه که فشارهای امپریالیسم بر پشت اقتصاد وابسته کشور سنگینی کند، آنگاه که بحران اقتصادی اقتصاد وابسته در نتیجه خرابکاری‌ها و اخلاص‌گری‌های سرمایه‌داران وابسته و سازشکاران و فشارهای انحصارات امپریالیستی تشدید شود، راهی جز تحکیم مجدد روابط سلطه‌آمیز اقتصادی با انحصارات امپریالیستی امریکائی، اروپائی و ژاپنی در پیش نمی‌گیرند. راه مبارزه درجهت قطع وابستگی صنایع، قطع تمامی پیوندهای اتصال و تابعیت میان این صنایع و انحصارات امپریالیستی و ایجاد دگرگونی اساسی در ساخت و ترکیب صنایع وابسته است به ترتیبی که بتوان نیروهای تولید ملی را درجهت برپائی اقتصادی مستقل و تأمین نیازهای روزافزون کارگران و زحمتکشان میهن رشد داد. در این راه باید از کمک‌های کشورهای سوسیالیستی و مرفقی جهان و امکانات عظیم تکنولوژیکی و اقتصادی آنها بهره جست تا با خنثی کردن فشارهای اقتصادی امپریالیسم امکانات دگرگونی صنایع وابسته اقتصاد زیر سلطه امپریالیسم را فراهم ساخت. آنان که گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی و مرفقی جهان را که حامیان مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای جهان هستند، به معنای وابستگی قلمداد می‌کنند، چه بخواهند و چه نخواهند عملاً راه به بن‌بست کشاندن مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای زیر ستم جهان را نشان می‌دهند چرا که زمینه توطئه‌گری و اعمال فشار امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داران وابسته را باز نگاه می‌دارند. امپریالیسم که اینان را صاحبان "خرد"، "اهل منطق"، "میانرو"، "متمدن" و "تجددطلب" می‌خواند، نیک می‌داند چه خدمتی برای به شکست کشاندن مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای زیر ستم جهان انجام می‌دهند در شماره آینده برای درک روشن‌تر و دقیق‌تر ابعاد وابستگی صنایع وابسته ایران، ضمن بررسی اجمالی رشد این صنایع در ایران به نمونه‌های مشخص از رابطه این صنایع با انحصارات امپریالیستی اشاره می‌کنیم و سپس به بحث درباره دیگر جنبه‌های وابستگی ادامه می‌دهیم.

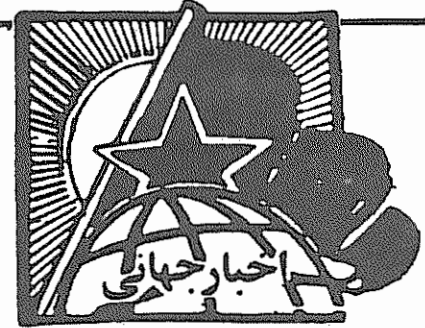
ادامه دارد

بقیه از صفحه ۷

باندهای سیاه را افشاء کنیم...

جایی است که حتی مانع پخش اسامی بعضی از شهدای جنگ توسط رادیو و تلویزیون کرمانشاه می‌شوند، و در جبهه‌ها مبارزینی را که جان بر کف در دفاع از میهن به ایثار مشغولند مورد تصفیه قرار داده و اخراج می‌کند. تمامی این اعمال نفوذ و قدرت در دستگاه‌های دولتی بدون یاری برخی مسئولین استان نمی‌تواند انجام‌پذیرد و اکنون با افشاگری‌های نیروهای مرفقی و مبارز منطقه و از جمله هواداران سازمان ما، ارتباط "گروه شیت" با برخی مسئولین بسیج شهری کرمانشاه، ارگان‌های مبارزه با مواد مخدر، هلال احمر و حتی عناصری مانند احمد مفتی‌زاده آشکار شده است.

۶ - اخلاص در امر نگهبانی در شهر در هفته‌های اول جنگ تحمیلی. هواداران سازمان ما نیز در کرمانشاه، بارها و بارها علیه این باندها ضدانقلابی افشاگری نموده و عواقب خطرناک حمایت‌های آشکار و پنهان برخی مقامات مسئول منطقه را گوشزد کرده‌اند. ولی باوجود رسوایی این گروه در نزد اهالی آگاه کرمانشاه و غرب کشور، حمایت‌های برخی مسئولین و سکوت مسئولین دیگر، هر روز بر نفوذ آنان در نهادها و دستگاه‌های دولتی از جمله در رادیو تلویزیون کرمانشاه، بسیج عشایری و شهری، استانداری، سپاه و... افزوده است. نفوذ افراد این دار و دسته تا



پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

رفقا!

صمیمانه‌ترین تبریکات ، درود و ستایش ما را به مناسبت تشکیل این کنگره و همچنین بخاطر همه پیروزی‌های عظیم نیروهای صلح و سوسیالیسم بپذیرید .

هر زمان که می‌گذرد ، توده‌های میلیاردری جهان شکست‌های بازهم بیشتری بر نیروهای ارتجاع وارد می‌آورند . خلق‌های جهان یکی پس از دیگری به راه سوسیالیسم گام می‌نهند . طبقه کارگر جهانی و قبل از همه سیستم جهانی سوسیالیستی در نوک پیکان تحول تاریخی به پیش می‌تازد . امپریالیست‌ها قادر نیستند روند تحول جهان را متوقف سازند ، آنها به تشنجات بین‌المللی دامن می‌زنند ، به مسابقه تسلیحاتی متوسل می‌شوند . امپریالیست‌ها با تحریکات تجاوزکارانه و به کمک تبلیغات عوام‌فریبانه و دروغین می‌کوشند مرگ محتوم خود را به تعویق بیندازند . اما عمر بهره‌کشان ، غارتگران ، زورگویان و تجاوزکاران بسر آمده است . افق تاریخ یکپارچه سرخگون است . خورشید اکثریت جهان را سراسر فروزان می‌کند .

رفقا!

در فاصله دو کنگره حزب شما خلق ما یکی از ستمکارترین و ضدمردمی‌ترین رژیم‌های تاریخ را به گور سپرد . انقلاب ما که با اعجاز یک ارتش واقعا بیست‌میلیونی به این پیروزی عظیم دست یافت ، امروز بیش از هر زمان دیگر مورد توطئه و تعرض امپریالیسم آمریکا و همه دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته است . خلق ما روزهای سرنوشت‌سازی را در پیش دارد . در این کار سترگ نیروی اتحاد خلق و نیروی همبستگی خلق با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه بنا به تجربه همه خلق‌ها بطور قطع مهمترین تضمین‌ها برای درهم شکستن آن توطئه‌ها و تعرضات خواهد بود . این تصادفی نیست که در تمام دنیا حتی یک کشور آزاد ، مستقل و دمکراتیک هم وجود ندارد که در پیکار علیه امپریالیسم جهانی با اتحاد شوروی و دیگر ملل سوسیالیست پیوندی عمیق و دوستانه نداشته باشد . خلق ما نیز که در راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی می‌رزد ، هر روز که می‌گذرد بیشتر ایمان می‌یابد که تکیه‌گاه اصلی دشمنان ما با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست . خلق ما هر روز که می‌گذرد ، دوستان خود را بهتر می‌شناسد . نیروهای آگاه خلق ما امروز درمی‌یابند که اتحاد شوروی دوست و متحد بزرگ و نیرومند همه خلق‌های تحت ستم جهان در پیکار بخاطر صلح استقلال ملی ، دمکراسی و سوسیالیسم است .

اخطار به موقع اتحاد شوروی به امپریالیسم آمریکا در مورد عدم مداخله در امور داخلی ایران در آستانه انقلاب و اعلام حمایت قاطع از پیروزی آن و همچنین پیشنهادها و صلح‌جویانه اخیر اتحاد شوروی درباره صلح و امنیت خلیج فارس ، مشی اصولی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در برخورد با انقلاب ایران بازگو می‌کند . ماروزهای روشنی را برای تحکیم پیوندهای دوستی و اتحاد میان خلق‌های شوروی و ایران پیش‌بینی و آرزو می‌کنیم . بسیار خوشوقتیم از اینکه علیرغم تمام دشواری‌ها مناسبات میان نیروهای خلق و میان نیروهای هوادار سوسیالیسم علمی نیز در میهنمان چشم‌اندازی از نزدیکی و یگانگی را نوید می‌دهد . و این دو بی‌گمان از مهمترین پیروزی‌های نیروهای انقلابی و انقلاب ایران است .

رفقا!

سازمان ما ، پس از یک دهه تجربه اندوزی و رشد و پس از یک دوره دو ساله پیکار علیه مائوئیسم آوانتوریسم و آنارشیزم ، به دگرگونی‌های اساسی در نگرش خویش دست یافته است . ما هرگز فراموش نخواهیم کرد که نقطه اتکای اساسی رهبری سازمان ما در این مبارزات همانا آثار همیشه جاودان لنین کبیر بنیانگذار حزب شما و آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان بوده است . کار تئوریک عظیم حزب شما در راه گسترش خلاق مارکسیسم - لنینیسم و تطبیق آن با اوضاع متحول دوران معاصر در تصحیح تئوری و خط مشی سازمان ما نقش بسیار موثری ایفا کرده است .

این حقیقتی است که امروز کمونیست‌های همه کشورها در کار تجهیز خود به آموزش‌های خلاق مارکسیسم - لنینیسم بیش از همه از دست‌آوردهای تئوریک حزب دوران ساز لنین بهره می‌جویند ، زیرا درست به همان گونه که مارکسیسم محصول تکامل تاریخی است ، تکامل آن نیز در آنجا صورت می‌پذیرد که متکامل‌ترین ساختار اجتماعی - اقتصادی را به بشریت ترقی خواه هدیه کرده است . و اکنون کشور شما در عالیترین مدارج تکامل اجتماعی به یک الگوی عینی و به یک رویای تحقق یافته برای همه زحمتکشان جهان بدل گشته است . زندگی خلق‌های شوروی سوسیالیستی عالیترین نمونه و سرمشقی است که فرا راه همه خلق‌هایی قرار گرفته است که در راه گسیختن زنجیر اسارت امپریالیسم و سرمایه‌داری و در راه ساختمان سوسیالیسم پیکار می‌کنند .

رفقا!

بی‌گمان دست‌آوردهای این کنگره نیز بسان دیگر کنگره‌های حزب لنین پیام‌آور پیروزی‌های هرچه بیشتر سوسیالیسم ، یکپارچگی خدشه ناپذیر اردوی سوسیالیسم و همبستگی عمیق جنبش کمونیستی جهانی است . بیگمان این کنگره نیز تعالی و پیشرفت عظیم مردم شوروی را در همه شئون زندگی بیش از پیش تضمین خواهد کرد .

با پرفروغ‌ترین درودهای کمونیستی و صمیمانه‌ترین آرزوها برای موفقیت‌های بازم بیشتر

۲۷ بهمن ۱۳۵۹ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی
۱۶ فوریه ۱۹۸۱ خلق ایران (اکثریت)

کوشش‌های ضدانقلابی امریکادور السالوادور

محکوم به شکست است

● درحالی که نبرد بین نیروهای انقلابی جبهه آزادیبخش ملی - فاراباندومارتی با مزدوران دولت نظامی حاکم بر السالوادور ادامه دارد ، امپریالیسم آمریکا تدارک برای مداخله نظامی مستقیم در این کشور را افزایش می‌دهد . موج تبلیغات علیه انقلابیون خلق السالوادور در رسانه‌های گروهی وابسته به انحصارات امپریالیستی در هفته‌های اخیر شدیداً افزایش یافته است . در حالی که امپریالیسم آمریکا کمک‌های نظامی و مالی گسترده‌ای را برای حفظ حکومت نظامی تروریستی به السالوادور اعزام می‌دارد و هم اکنون بیش از ۱۰۰۰۰ مستشار آمریکایی مشغول رهبری عملیات تروریستی نظامیان حاکم هستند ، رسانه‌های گروهی آمریکا برای توجیه مداخلات این کشور در السالوادور تبلیغات وسیعی را در مورد کمک‌های نظامی شوروی ، ویتنام ، نیکاراگوئه و ... به انقلابیون السالوادور به راه انداخته‌اند . و این در حالی است که سپاهیان رژیم‌های وابسته به آمریکا در هندوراس و گواتمالا نیز در مرزهای السالوادور برای کمک به نظامیان این کشور مستقر شده‌اند .

از طرف دیگر نیروهای انقلابی السالوادور اعلام کرده‌اند که عمده سلاح‌های خود را از نیروهای دولتی به دست آورده‌اند و تبلیغات امپریالیسم را به شدت محکوم کرده و غیر واقعی نامیده‌اند . یکی از رهبران جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور اعلام نمود که آمریکا در صد گسترش دامنه جنگ السالوادور به نیکاراگوئه و جزایر کارائیب است .

کنترش جنبش‌های اعتراضی

در کشورهای سرمایه‌داری

● با حدت یافتن بحران ، تورم و بیکاری در کشورهای سرمایه‌داری ، جنبش‌های اعتراضی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان این جوامع رشد و گسترش بیشتری می‌یابد . از آغاز سال جدید میلادی تاکنون کشورهای سرمایه‌داری بخصوص کشورهای نظیر انگلستان ، یونان و آلمان شاهد تظاهرات و اعتصابات گسترده در اعتراض به سیاست‌های رژیم‌های حاکم این کشورها بوده است .

طی هفته گذشته در انگلستان ابتدا صد هزار کارگر معدن در مخالفت با تصمیم دولت مبنی بر کاهش تعداد کارگران (قریب ۳۰ هزار تن) دست به اعتصاب زدند . پس از آن در همین کشور ۳۰ هزار بیکار انگلیسی در راهپیمایی طولانی‌ای در شهر گلاسکو صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان رساندند . همزمان با این تظاهرات ۱۰ هزار انگلیسی دیگر در تظاهرات دیگری به نقش انگلستان در ایرلند اعتراض کردند . اسپانیا با اعتصاب صدها هزار کارگر که به شکنجه در باسک معترض بودند ، فلج شد .

مسببن کشتار مردم کاخک را محاکمه و مجازات کنید!

● به واسطه اعمال خودسرانه استانداری و تحریکات آیت‌اله مدنی توسط سپاه پاسداران در کاخک ۵ تن کشته و بیش از ۲۰ تن مجروح شدند.

مقامات استان برای حفر چاه اعلام می‌شود در این روز اکیپ مامور حفر چاه با آگاهی کامل از اعتراض قطعی مردم به همراه ۵۰ پاسدار مسلح (از تربت و بیرجند) به محل اعزام می‌شوند مردم پس از اطلاع از آمدن اکیپ همگی بطرف محل حفر چاه حرکت می‌کنند قبل از رسیدن مردم به محل سپاه پاسداران به روی مردم آتش می‌گشاید که ۴ نفر بلافاصله و یک نفر چند ساعت بعد به شهادت رسید و بیش از ۲۰ تن دیگر مجروح می‌شوند. پاسداران پس از شلیک به سوی مردم جاده‌ای را که به گناباد منتهی می‌شود می‌بندند و بدین وسیله مانع از رساندن مجروحین به بیمارستان می‌گردند. پس از وقوع حادثه مردم خشمگین کاخک در نقاط مختلف شهر اجتماع می‌کنند این حادثه همچنین با واکنش اعتراضی شدید کاخکی‌های مقیم مشهد و مقیم تهران همراه می‌شود. مردم کاخک در قطعنامه‌های که پس از این

برای زحمتکشان منطقه هیچ شکی باقی نمی‌ماند که مقامات مسئول تصمیم اکید به حفر این چاه بدون توجه به منافع آنان گرفته‌اند.

۳ - اعزام معاون فرمانداری گناباد به کاخک جهت سخنرانی و تاکید مصراانه بر حفر چاه

۴ - پخش خبر دروغ توافق مردم و مقامات برای حفر چاه از رادیو که با واکنش اعتراضی وسیع مردم همراه بود.

۵ - برگزاری یک میزگرد تلویزیونی کاملاً تحریک‌آمیز با شرکت معاون استانداری که در آن شخصاً مردم زحمتکش کاخک ضدانقلابی! معرفی می‌شوند در این برنامه معاون استانداری اعلام می‌کند: "اگر شده به زور هم این چاه باید زده شود!"

۶ - تحریکات مداوم حجت‌الاسلام مدنی نماینده امام در گناباد و ترغیب استاندار به حفر چاه

۳ - آغاز درگیری با این زمینه‌ها روز چهاردهم بهمن ماه از طرف

خشکیدن قنات‌های اطراف و تشدید کم‌آبی و نتیجتاً آسیب‌های جدی به کشاورزی و زندگی آنان را به همراه داشت در نتیجه مقاومت پیگیر مردم بود که رژیم گذشته مجبور شد از حفر این چاه صرف‌نظر کند. این مسئله تا زمان استانداری غفوری یعنی تا چند ماه قبل مسکوت ماند. پس از تصدی غفوری مجدداً این مسئله مطرح گشت که بلافاصله با واکنش مردم کاخک مواجه شد

۲ - زمینه‌های درگیری زمینه‌ساز حادثه اسفناک ۱۴ بهمن مجموع حرکاتی بود که در چند ماه اخیر توسط مقامات استانداری و حجت‌الاسلام مدنی در سطح منطقه انجام شده است این اقدامات مخرب عبارت بودند از:

۱ - فرستادن دستگاهی جهت حفر چاه به اضافه دیگر لوازم که بلافاصله با مقاومت مردم روبرو شد.

۲ - مبادرت به کشیدن سیم خاردار در اطراف محل حفر چاه که بر اثر این عمل

روز سه‌شنبه ۵۹/۱۱/۱۴ مردم مبارز کاخک شاهد حادثه‌ای اسفناک بودند. در این روز پس از ممانعت مردم از حفر یک حلقه چاه در اطراف شهر، سپاه پاسداران به روی مردم آتش گشود که در نتیجه آن ۵ تن از مردم مبارز کاخک به شهادت رسیده و بیش از ۲۰ تن دیگر مجروح شدند.

۱ - سوابق حادثه در شهرستان گناباد همچون بسیاری دیگر از مناطق خراسان و ایران مسئله آب یکی از مشکلات اساسی است. از آنجائی که گناباد در حاشیه کویر قرار دارد تهیه آب آشامیدنی با مشکلات فراوانی همراه است رژیم گذشته در برخورد با این مسئله بدون کمترین توجه به مشکلات زحمتکشان منطقه تصمیم گرفت یک حلقه چاه در اطراف شهرستان کاخک حفر نماید. این تصمیم با مخالفت توده‌های زحمتکش کاخک که عمدتاً خرده مالک هستند روبرو شد چرا که حفر این چاه

شاکي خصوصی را نیز پایمال می‌کند

آیا با چنین قوانینی می‌توان تصور نمود که حتی یک مجرم هم مجازات خواهد شد؟ مسلماً جز تهیدستان و زحمتکشان خیر!

۷ - درازد یاداندانه‌های ناقص-العضوبهترین مجوز قانونی است خارج از فجیع بودن کلیه مراحل قصاص چه در مورد نقص عضو که هر انسان جاننداری را متاثر خواهد ساخت فزونی گرفتن افراد ناقص‌العضو بی‌تردید است. زیرا از دست دادن تعادل منطقی و روانی در یک لحظه خاص خصوصاً در بین زحمتکشان که فشار زندگی بر آنان افزوده است امری طبیعی است و در آن لحظه است که در طی نزاعی ساده یا عصبانیتی لحظه‌ای، شخصی ناقص شود و به دنبال آن دیگری نیز به موجب قانون به خیل ناقصان افزوده خواهد شد. و به همین ترتیب اگر پیش رویم آینده امیدبخش برای جامعه متصور نیست.

۸ - ناقص قانون اساسی است

کشتار که ثروتمندان را بر جان و مال مردم زحمتکش مسلط می‌کند دست به اقدامات و تهیه لوایحی بزنند تا شرایط اجتماعی ارتکاب جرم را از بین برده و به جای صرف وقت در تهیه چنین لوایحی اقدامات موثر در جهت تامین منافع زحمتکشان - این ستون‌های انقلاب - به عمل آورده و لوایح قانونی تنظیمی آنان در راستای منافع توده‌های انقلابی قرار گیرد.

در خصوص پیروان ادیان غیراسلامی. اصل نوزدهم در برابری کلیه افراد ملت از لحاظ حقوق. اصل بیستم حمایت قانون از کلیه افراد ملت. اصل سی‌وششم که اجرای مجازات را به عهده دادگاه صالح قرار داده است و اصول دیگر در تناقض آشکار با مفاد لایحه است.

انتظار توده‌های مردم از مسئولین آن است که بجای صدور این جوازهای کشت و

خارج از مواردی که در فوق فهرست‌وار بدان اشاره شد و گوشه‌ای اندک و نتیجه عملی لایحه مربوطه را نشان دادیم جای دارد که نگاهی نیز به تناقضات لایحه و اصول قانون اساسی بیفکنیم:

بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی در خصوص برابری زن و مرد اصل دهم در استحکام روابط خانوادگی. اصل سیزدهم

باقیه از صفحه ۲۲

لایحه قصاص

این حوادث نخواهد داشت

۶ - علیه حقوق حتی شاکي خصوصی یا به اصطلاح ولی دم است.

ماده ۳۷ لایحه مزبور می‌گوید:

"هرگاه دو مرد عادل گواهی دهند که زید مثلاً قاتل فلان شخص است و دو شاهد عادل دیگر گواهی دهند که قاتل او عمرو است در این مورد هم قصاص ساقط است و هم دیه

اولاً در این ماده تکلیف ورثه مقتول چه خواهد شد مشخص نگردیده است.

ثانیاً این چگونه عادل است که علیه عادل دیگر شهادت می‌دهد؟ و این چگونه قانونی است که با وجود تناقض در شهادت، هر دوی آنان را عادل می‌داند در حالی که هر کس می‌داند که دقیقاً یکی از این دو شهود دروغ گفته است؟ و بدینسان لایحه به راحتی مجرم را تبرئه نموده و حقوق عمومی جامعه که هیچ، حقوق

بمب گذاری در تهران بخشی از توطئه ضد انقلاب و ایادی امپریالیسم

موج جدید بمب‌گذاری در چند نقطه تهران، طی روزهای اخیر عده‌ای از مردم بیگناه را به شهادت رسانده و گروهی را نیز مجروح ساخت. اینگونه عملیات خرابکارانه که هر چند یکبار توسط ایادی امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی به منظور ایجاد محیط رعب و وحشت و عدم امنیت و آسایش هم‌میهنانمان صورت می‌گیرد، تاکنون به شهادت بسیاری از مردم ایران انجامیده‌است.

تجربه دو ساله اخیر نشان داده‌است که موج بمب‌گذاری ضدانقلاب که جهت آماده کردن شرایط برای اقدامات توطئه‌گرانه امپریالیسم به منظور شکست انقلاب ایران صورت می‌گیرد، همواره به دنبال و بر زمینه محیط متشنج و درگیری‌ها و به منظور دامن زدن به آن راه افتاده است.

امپریالیسم امریکا و ایادی وابسته بدان کوشش دارند با دست‌زدن به اینگونه اعمال خرابکارانه محیط مناسبی برای اجرای توطئه‌های خود فراهم آورند.

سازمان ما ضمن ابراز انزجار نسبت به این اعمال ضدانقلابی، خاطره قربانیان بمب‌گذاری‌های اخیر را گرامی داشته و از مردم آگاه و هشیار ایران می‌خواهد که همدوش با نهادهای انتظامی در شناسائی، دستگیری و تحویل جنایتکاران مزدوری که چنین حوادثی را می‌آفرینند، فعالانه اقدام کنند.



سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران

از خون رفیقان ما لاله گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و راه آرمان برانحاز طیف کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در حریمهای از پیگار تاریخسار خلق بزرگ ما، هر روز جانهای عزیز را در راه انقلاب نثار می کنند.

خون پاک رفقا، دشتهما و درمهای میهن را لگگون می سازد و بشارت می دهد لاله آرمان سرخی را که ایران مستقل، آباد و دمکراتیک فدای پیروزی زحمتکار بران بنا می شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای بیشتر با تجاوزگران

- | | | |
|---------------|-------------------------|------------------|
| اکبر بدلی | عالم عباس بخرد | اکرم عدی |
| اکبر فخور | عنایت الله زینسی | علیرضا کاظمی |
| امیر آمانی | محمد رضا آذربان | علی حاتم زاده |
| علی مصاف | سپهنا مسلمان زاده | ابرج حسن بنا |
| جواد کنجی | حسب الله فرحبخس | لطف علیزاده |
| البرز یوسفی | ابراهیم سکرچی | روبر کرسان |
| مریم رئیسی | عبدالحسن ساه سر | اسحاق بابازاده |
| رحیم مصغنی | محمود اسرف آبادی | مرضی دارابی |
| سعید کوسس | فریدون مرضی زاده | رهبر موسویون |
| بهرام ورامینی | محمد قائم فلاح بکی | وحید نمک سر |
| محمود اجرو | محمد مهدی بنام اندام | سهراب باقرزاده |
| حسرو کریمی | محمد اسدالله برادرودیه | کورس پاک س |
| حس سرسی | محمد حسن صدر آبادی | حسبید ولادوس |
| عبدالله مرادی | رحمانه (اسر) انصاری پور | غلامرضا صفر سراد |
| محمد بسازدار | نوری نساگان | محمد رضا جعفری |
| تقی اسکویی | سعید عباس آقا پور | منصور دهقانی |
| حسین صالحی | علیرضا خلیلی | |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

مسببین کشتار مردم کاخک

را محاکمه و مجازات کنید!

در صفحه ۲۷

نصب گذاری در تهران بخشی از توطئه

ضد انقلاب و ایادی امپریالیسم

در صفحه ۲۷

کسری بودجه دولت

و نمایش عوام فریبانه

لیبرال ها

در صفحه ۴

پیام دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) سراسری هند

به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

نسیمی که بر فراز جهان وزیدن گرفته است تحقق رویای کهن رویای شیرین و شورانگیز رهایی انسان زحمتکش را در دل دارد.

رفقا! دروهای سرخ و بیکران ما را بپذیرید!

قیام خونین بهمن ماه دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه را پس از سه دهه سرکوب و اختناق به دست توانای توده های میلیونی درهم کوبید. پیامد قیام خونین بهمن ماه در رهگذر مبارزاتی خلق های قهرمان ایران تأثیری به سزا داشت. قیام به پیشاهنگان طبقه کارگر درسی گرانبها داد و سازمان به درستی با جنبش کارگری پیوند خورد و گام به گام در ارتباط با توده ها به اصلاح خطاها و زدودن پیرایه های غیر پرولتری همت گمارد و سمت گیری به سوی طبقه کارگر آشکارتر گردید.

این تحولات در حالی صورت می گیرد که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی اش روز به روز توطئه های خود را برای متوقف کردن تداوم انقلاب و به شکست کشاندن مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران گسترش می دهند.

در این لحظات حساس و تعیین کننده انقلاب ایران از دو سو مورد تهاجم قرار گرفته است. از یک طرف لیبرال ها و ایادی داخلی امپریالیسم و از طرف دیگر هجوم رژیم ارتجاعی عراق که در خدمت منافع امپریالیسم فرار دارد و همگی تلاش های خود را برای شکست انقلاب رهایی بخش خلق های ایران به کار گرفته اند. چنین است که جنبش کمونیستی ایران با وجود اشکال گوناگون اپورتونیسم لحظات سرنوشت سازی را از سر می گذراند.

آزمون سختی در مقابل انقلاب ما قرار گرفته است. با تأثیرپذیری از رشد مبارزات طبقاتی، جنبش دانشجویی هند از این مهم بی نصیب نماند و راستای نوینی در روند جنبش دانشجویی هند گشوده شد. که پیامد آن وظیفه سترگی است.

شرایط کنونی میهن به گونه ای است که مسئولیت هر چه بیشتری را به دوش هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) نهاده است.

ما بخشی از دانشجویان ایرانی مقیم هند با اعتقاد به مواضع اصولی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) خود را قطره ای از دریای بیکران خلق هایمان دانسته و وظیفه خود می دانیم که در راه آرمان طبقه کارگر به پیش تازیم.

رفقا! اکنون پس از پایان کنگره اول اعلام موجودیت نموده و با تأثیرپذیری از نظرات شما خواهان رهنمودهای بیشتر در جهت پیشبرد اهداف زیر می باشیم.

- انعکاس مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران در میان توده های هند و جلب حمایت آنان در پشتیبانی از مبارزات خلق های ایران.

- اشاعه م - ل و ترویج و تبلیغ مواضع سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) در سطح جنبش دانشجویی هند.

- افشا سیاست های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در منطقه.

با ایمان به پیروزی پرولتاریا دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

سراسری هند. ژانویه ۱۹۸۱



اطلاعیه

با تحریم میتینگ پنجشنبه ۷ اسفند
توطئه جدید لیبرال ها را خنثی کنیم

مردم مبارز تهران!

رهبران و رتخته دولت موقت با زرگان که مورد حمایت همه جانبی امپریالیسم آمریکا هستند، در ادامه تلاش مذبحخانه برای اجرای نقشه خائسانه خود که غلبه خط سازش در حکومت و شکست انقلاب است اعلام میتینگ کرده اند.

ما از تمام مردم مبارز تهران می خواهیم با عدم شرکت خود در این میتینگ توطئه جدید لیبرال ها را هوشیارانه خنثی کنند

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

یکشنبه ۳ اسفندماه ۵۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر